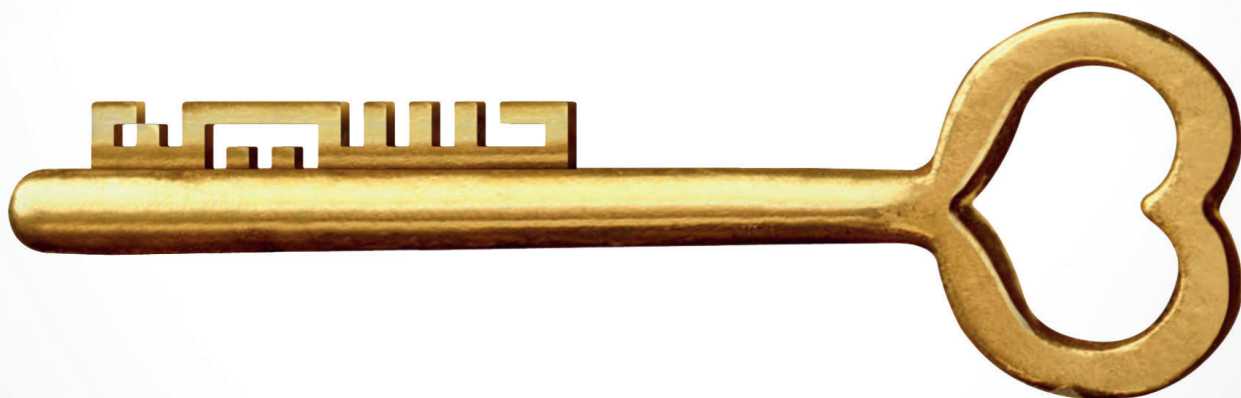


بسم الله الرحمن الرحيم

پیامبر اکرم^ص: حسین^ع دری از درهای بهشت است.



هیأت

هیئت رزمندگان

ماهنامه فرهنگی-مذهبی

هیئت رزمندگان

سال دوازدهم

شماره ۱۱۶

آبان ۱۳۹۶

قیمت: ۶۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

هیأت رزمندگان

رئیس شورای سیاست گذاری:

حجت الاسلام والمسلمین

اسماعیل سعادت نژاد

مدیر مسئول:

محمد صادق آهنگران

جانشین مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمان سفیدی امین

سر دبیر:

محمد امین ایمانجانی

جانشین سر دبیر:

امیر حسین صالحی

تحریریه:

دانیال معمار، فاطمه صناعی

زهرامهاجری، طاهره ایمانی

مرضیه یوسف اقدم، وحید فراهانی

اعظم سادات هراتی، مهدی سلامی

مدیر هنری:

جواد نومیری

ویراستاری:

آقای علی فرزانه

عکس:

کمیل ایمانجانی

نشانی:

تهران، میدان فاطمی، نبش خیابان فلسطین و زرتشت، پلاک

۵۵۴، واحد ۵

تلفن و نمابر:

۸۸۹۶۰۴۳۰ - ۸۹۷۸۰۳۱۳

آدرس اینترنتی:

www.ehyat.com

فهرست

۱۰

۱۰

ما برای
یقا عدد مقدس

۱۰ توصیه رهبر
معظم انقلاب به مدامان

۱۰



این را چندبار بگوییم؟ چرا بعضی گوش نمی کنند؟

اشعار اربعین

اربعین تجلی انوار محبین در کانون خورشید امام (ع)

زیارت خوب اربعینی ها

نذری دادن به سبک عراقی ها

شکفتن شکوفه های عاشورایی

دلی چون جابر اندر جست و جوی کربلا دارد

سفر معنوی تان به سلامت

زیارت با هیاهو و شور عظیم

دل گرفته بهانه، سلام شاه نجف

مقررات شرعی برای اربعینی ها

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست

تاکید ما بر اجرای منویات رهبری در هیأت است

تربیت شفای دل هاست

قدم در مسیر الهی

چند ورق از عاشورا

خواندنی‌ترین:

آزادی و آزادگی مرز تاریخی و جغرافیایی نمی‌شناسد، دسته‌بندی دینی و مذهبی ندارد، محصور به زمان و مکان هم نیست. هر انسان آزاده‌ای در جهان، پیامی از آزادگان پیش از خود دریافت کرده و آن را سرلوحه تفکر و اقدامات خود قرار داده و مبارزه با ظلم، همین‌طور سینه به سینه توسط ظلم‌ستیزان بزرگ تاریخ به نسل‌های بعد انتقال داده شده است. امام حسین(ع) بزرگ‌ترین آزاده تاریخ، نه‌تنها برای مسلمانان که برای همگان است. درسی که مکتب عاشورا به همراه داشت، درسی است که سال‌های سال می‌توان آن را تدریس کرد و از جنبه‌های مختلفش بهره برد. یکی از کسانی که پیام فرادینی عاشورا را دریافت کرده، نویسنده و پژوهشگر مسیحی...

صفحه ۴۴

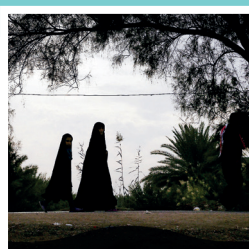
۱

پیشم دیده
تصادفام



۵۴

نقش زنان
در مظهر عباسی اربعین



۴۰

چه ببریم؟
چه نبریم؟



داریم با حسین
حسین پیر
می‌شویم

۴۴



پارکاب ولایت
باشیم، تا از نفاق
نجات یابیم

۵۴

قدم به سمت شش گوشه

پیاده روی اربعین را می‌شود نوعی طی طریق برای رسیدن به

کعبه عشق تعبیر کرد. يك جور

طیر و پرواز برای رسیدن به سیمرغ با این تفاوت که این بار

همه به سرمنزل مقصود می‌رسند و هر چه می‌روند به جای

قلت، به کثرت می‌رسند. تماشای هزاران عاشق که در مسیری

واحد، جذب يك مغناطیس شده‌اند خودش حماسه‌ای بی‌تشبیه

است. حس و حال زیارت اربعین امام شهیدان(ع) با آن مقیاس

میلیونی برای آنهایی که پای پیاده تجربه اش کرده‌اند انگار در همین

روزها دوباره زنده می‌شود.

مثل آن می‌ماند که يك بار به وصل رسیده‌ای و حالا نمی‌خواهی این

ریسمان تازه تنیده میان خود و صاحب آن کعبه را بگسلی. اصلاً آنهایی

که این تجربه را داشته‌اند و امسال بنا به دلیلی نتوانسته‌اند بار سفر

ببندند این روزها يك بی‌قراری خاص دارند. حتی تماشای تصاویر

راهپیمایی هم آنها را منقلب می‌کند و قطرات غلتان اشک را به سفره

دلشان می‌نشانند. شوخی نیست که ده‌ها کیلومتر را بی‌هیچ ادعایی

بپیمایی و با آن پاهای ورم کرده و شانه‌های خسته خود را مقابل سراسر

و آستان مقدسی ببینی که يك عمر آرزوی دیدنش را داشته‌ای و این بار

هم باز آورده‌ات برای مولا همان يك دل عاشق است.

این بار شلوغی کلافه‌ات نمی‌کند. گویا ذره‌ای شده‌ای میان هزار هزار

همراه که همصدای تو هستند. این بار شاید اصلاً قرار نباشد و نشود

که دست‌ات به ضریح برسد. حتی آنقدر شلوغ که نگاهت به آن شش

گوشه که شش دانگ عشق را به نام خود زده هم نیفتد.

زیارت در شلوغی را خیلی‌ها نمی‌پسندند و می‌خواهند مبادی به آداب

کامل زیارت باشند. اما حتی آنها هم در همین اربعین، جذب جاذبه آن

شور می‌شوند؛ شوری که تکرارنشده‌ای است و همتا ندارد. میزبان این

ضیافت کریم است، آنقدر کریم که میلیون‌ها نفر را با همان سرنخ

عشق دعوت کند و در طول سفر شنوای حرف‌هایشان باشد. خاک کربلا

که بهترین خاک این زمین است به تربت و غبار قدوم زائران اربعین ارج

و عزتی افزون می‌یابد. زمزمه عاشقان این روزها چه از دور و چه نزدیک

يك عبارت است: «لبیک یا حسین(ع)».



محمدامین ایمانچانی

سردبیر

اربعین در آینه

اربعین یعنی «چهل روز»،
نه «روز چهلیم». برای همین
است که چله‌نشینی توصیه شده است.

روز

چهلیم، فصل چیدن است، موسم برداشت و هنگامه
نتیجه‌گیری. گفته‌اند اگر کسی ۴۰ روز را خدایی

کند، چشمه‌های حکمت از درونش می‌جوشد، پس روز چهلیم، روز جوشش
است، روز خروش است و زایش. و اما اربعین، یعنی امتداد؛ یعنی یک
«فاصله» و فاصله را باید پیمود و طی کرد. شاید برای همین هم در
زیارت اربعین، راه می‌روند و راه می‌پیمایند. پیاده روی اربعین، بیشتر
از آنکه یک نماد و استعاره باشد، یک حقیقت است؛
یک تجربه واقعی است از خوب شدن. آدم‌های مشتاق
حسین(ع)، روزها و کیلومترها، از چهارگوشه زمین، به سمت

«شش گوشه»، راه می‌روند و آنجا نرسیده یا رسیده، با وقفی کوتاه و مکثی
اندک، دوباره بازمی‌گردند، شاید برای آنکه همه می‌دانند این پیمودن، برای
رسیدن نیست، برای تولدی دوباره است. باغبان که میوه می‌چیند، پا را روی
پا نمی‌اندازد و به خواب بیخیالی فرو نمی‌رود؛ او سبدهای پر از میوه‌هایش را
کول می‌کند و به سمت بازار می‌جنبد تا ثمرات مراقبت‌هایش را نقد کند.
برای همین است که زائر اربعین، خیلی زود برمی‌گردد تا دوباره شروع
کند. او در پیاده روی، چیزهای زیادی اندوخته است، پس برای خرج
کردن آن، مجال ایستادن ندارد. سریع خودش را به امتداد زندگی
می‌رساند تا ثانیه‌های جدیدش را با تقوای بیشتری معماری کند.

روز «چهل و یکم»، باید آینه تمام‌نمای «چهل روز» باشد. اربعینی خوب
است که فردای خود را آباد کند! شب قدری خوب است که فردای پر از
فرشته داشته باشد. نباید از روز «شب قدر» غافل شد؛ به همین مبنا و معنا نباید
فردای زیارت حسین(ع) بی‌ثمر باشد. «پیاده روان»، همچون پیامبری که از حرای
مناجات بازگشته است، باید قدرت بعثت داشته باشند. آنها باید بتوانند دیگران
را نیز برانگیزانند. قیامت یعنی برانگیختن؛ پس اربعین قیامت آدم‌های منتظر
است. بازگشتگان اربعین باید بتوانند دیگران را هم به آیین خود دعوت کنند
و آیین کاروان اربعین، «عشق» است. حسین(ع) با تمام وجود، عاشق خدا شد و
با سر بریده و حنجر شکافته، عشق را تکثیر کرد: بر سر نی زلف رها کرده‌ای!
پیاده روی اربعین تمام‌شدنی نیست. باید باز رفت و باز پیمود. مسیر اربعین،
مسیر خدایی است، مسیر عشق است؛ راهی است راه عشق که هیچ‌ش کنار
نیست.



امیرحسین صالحی
جانشین‌سردبیر

بازخوانی بیانات امام خامنه‌ای

۱۰۰ توصیه

رهبر معظم انقلاب

به مداحان

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در مقاطع مختلف تاریخی همواره بیانات و رهنمودهایی پیرامون هنر شعر و مداحی داشته‌اند. گزیده‌ای از این بیانات به شرح زیر است:

« اهمیت و نقش هیئات مذهبی

اجتماعات دینی: ما مسلمان‌ها و به‌خصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیت‌ها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره به چهره، نفس به نفس تشکیل می‌شود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر می‌شود پیدا کرد. هست؛ نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تاثیرگذاری و محتواهای راقی. (۸۷/ ۴/ ۴)

« ضرورت تاسیس تشکیلاتی برای منصب مداحی

تعیین حدود و ثغور مداحی: البته باید بتدریج طوری بشود که این سمت مداحی - که واقعا یک منصب است - حدود و ثغوری هم پیدا کند. (۱۳۶۸/ ۱۰/ ۲۸)

خصوصیات مداحی: مداحی اهل بیت، خیلی بالاست. هم مقام بالا و هم تاثیر زیادی در جامعه و ذهن مردم دارد. باید بدانید که چه کسی مداح است، مقدمات کار مداحی او چیست، چه قدر شعر می‌داند، چه قدر حفظ است و چه قدر می‌تواند بخواند؟ این خصوصیات را باید مرکزی عهده‌دار شود. حالا نمی‌دانم این مراکز مرسوم باید این کار را بکنند یا خود شما به کیفیتی فکرش را می‌کنید. این چیزی است که دنیا و نیازهای جامعه امروز، غیر از آن را بر نمی‌تابد و قبول نمی‌کند. باید این طور باشد. (۱۳۶۸/ ۱۰/ ۲۸)

کسانی که رسماً این منصب را به عهده می‌گیرند و لباس مقدس ستایش اهل بیت (علیهم‌السلام) را بر تن می‌کنند و مردم، آنها را به این عنوان می‌شناسند، بایستی خصوصیات تشخیص بدهد و صحه بگذارد. که آنها را با این خصوصیات تشخیص بدهد و صحه بگذارد. (۱۳۶۸/ ۱۰/ ۲۸)



چشمه هنری وجود دارد: شعرتان هنر است؛ صدایتان هنر است؛ آهنگی که انتخاب می‌کنید، هنر است؛ اشارات و کارهایی که انجام می‌دهید، هنر است. (۱۳۷۷/۷/۱۹)

منطق داشتن: عنصر دوم، عنصر تعقل است؛ چون منطق، استدلال، حرف حساب، حرف درست و حرف خوب در لایه‌لای این شعرها فراوان وجود دارد و می‌تواند ذهن‌ها را قانع کند. البته منطق، شکل‌های مختلفی دارد. گاهی برهانی است، گاهی خطابی است، گاهی شعری است؛ مقصود این است که بتواند این پیام را به اعماق ذهن مخاطب برساند و او را قانع کند. (۱۳۷۷/۷/۱۹)

حامل پیام دینی: خصوصیت سوم این است که شما حامل پیام دینی محسوب می‌شوید؛ یعنی سمت معنوی و روحانی دارید. در دنیا خوانندگان خوب زیاد هستند و ممکن است شعرهای خوبی هم بخوانند؛ اما آنها از موضع مدّاح حرف نمی‌زنند؛ ولی شما از موضع مدّاح اهل بیت و از موضع معنوی و روحانی حرف می‌زنید. (۱۳۷۷/۷/۱۹)

حامل معارف و اخلاقیات بودن: من بارها توصیه کرده‌ام، باز هم توصیه می‌کنم؛ منبرتان را، مجلس‌تان را تقسیم کنید به دو قسم: قسم اول، معارف و اخلاقیات. ما امروز به اخلاقیات احتیاج داریم، به معارف احتیاج داریم. (۱۳۹۰/۳/۳)

افتخار آفرین بودن: ما احتیاج داریم که جوان ما امروز افتخار کند به اینکه متعلق به ایران اسلامی است؛ افتخار کند به وجود امام؛ افتخار کند به جمهوری اسلامی؛ افتخار کند به دین خود و به مذهب خود و به پیروی اهل بیت. (۱۳۹۰/۳/۳)

غیرمستقیم باشد: بهترین نحوه بیان هم بیان غیرمستقیم است. در قالب شعر خوب - اینجا نقش شعرا معلوم می‌شود. (۱۳۹۰/۳/۳)

طالب شعر خوب بودن: شما که مداحید، وقتی طالب شعر باشید، چشمه شعر شاعر به جوش می‌آید. شما که طالب شدید، او شعر می‌گوید. وقتی شعرش به وسیله

هنر، انسان یک حقیقتی را بیان کند، می‌تواند تاثیر مضاعفی در ذهن مستمع و حاضر در مجلس و مخاطب شما بگذارد؛ این خیلی نعمت بزرگی است، خیلی فرصت بزرگی است. (۱۳۹۱/۲/۲۳)

نقش شعر: اگر مداحی بتواند یک شعر خوب را که دارای مضمون و محتوای خوبی باشد، با صدای خوبی بخواند، شما ببینید که چه قدر خدمت بزرگی است. بسم...، این گوی و این میدان، منتها شرط اولش این است که شعر خوب باشد. (۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

گاهی یک بیت شعری که شما می‌خوانید، از یک ساعت بحث مستدل یک گوینده ماهر تاثیرش در دل‌ها بیشتر است. خوب، این خیلی ظرفیت بزرگی است؛ از این ظرفیت باید خوب استفاده کرد. (۸۹/۳/۱۳)

شغل مهم: مدّاحی و ستایشگری خاندان پیغمبر - که طبعاً ذکر مصائب را هم به همراه دارد - شغل خیلی مهم و بزرگی است. (۱۳۷۷/۷/۱۹)

ترکیب شعر و مدّاحی: مدّاحی رایج در بین ما، یک حرفه دو جانبه است؛ فقط آوازه‌خوانی و شعرخوانی نیست؛ ترکیب هنرمندانه‌ای از این دو مقوله است. (۱۳۸۰/۶/۱۸)

نقش هنرمندانه: کارتان سخت است عزیزان! کار شما بر خلاف اینکه بعضی‌ها خیال می‌کنند چهار کلمه حفظ کنیم و یک صدای بازی هم داشته باشیم، بس است؛ نه، کار، خیلی سخت است. کار، هنرمندانه، موثر، هدایتگر و جهت‌بخش باشد. (۸۶/۴/۱۴)

ترکیب شعر و مدّاحی: مدّاحی، معرفت‌افزایی است. مدّاحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده راسخ است. مدّاحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دل‌ها است؛ با استفاده از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا. (۹۲/۲/۱۱)

«ویژگی‌های مدّاحی»

هنر مدّاحی: در کار مدّاحی شما چند

«ضرورت تشکیل انجمن‌های ادبی شعر»

رشد شعر: خود پیش‌کسوت‌های شعری به شعر بپردازند. شعر را ندهید دست آدم‌هایی که سرشته‌ای از شعر ندارند و شعر برایشان یک تفنّن دور از زندگی‌شان و دور از فهم و ذهنشان است. خود شماها دور هم بنشینید شعر بگویید. هر جا یک انجمنی هست و یک مجموعه‌ای دور هم جمع می‌شوند و می‌خوانند، شعر رشد پیدا می‌کند. (۸۹/۳/۱۳)

نقش شعر: همین شعری که خودتان سروده‌اید و ممکن است خوب هم باشد - قضاوت کلی نمی‌کنم - آن را در یک مجمع ادبی، وسط بگذارید و به هر کسی که آن شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر این شعر وارد نماید، جایزه بدهید تا قوی بشود. یا از اشعار خوبی که دیگران دارند یا از اشعار خوب خودتان استفاده کنید. سعی کنید این گونه سطح شعرها را بالا بیاورید. (۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

«اهمیت و نقش مدّاحی»

اهمیت مدّاحی: من اصرار دارم که این نکته را برای برادران عزیز مدّاح - چه آنهایی که به صورت حرفه‌ای مدّاح هستند، چه آن کسانی که گاهی در کنار کارهایشان این کار را انجام می‌دهند - تکرار بکنم که این نقش، نقش بسیار مهم و حائز اهمیت و حساسی است؛ این را کم نگیرید. (۱۳۶۹/۱۰/۱۷)

هنر مدّاحی: نقش هنر، نقش شعر، نقش ادبیات، نقش حضور در میدان‌های عملی در پرورش این روح ایمانی، نقشی است که بسیار بسیار کارساز و موثر است. شما جای مدّاح و ذاکر اهل بیت را اینجا ببینید؛ نقش ایمان آفرین، نقش فرهنگ‌ساز، نقش مستحکم‌کننده پیوند قلبی بین پیروان و بین آن محبوبان؛ یک چنین نقشی است. این نقش، بسیار نقش مهمی است. (۸۶/۴/۱۴)

هنر مدّاحی: کار مدّاح، استفاده از هنر برای بیان حقیقت است. خود این ایستادن، با صدای خوش و با آهنگ زیبا شعری را خواندن - هم شعر هنر است، هم آهنگ هنر است، هم صدا هنر است - با چندین



تبیین و تعلیم و معرفتی که می‌خواهیم به مستمع بدهیم، آن را ملاحظه کنیم و نیاز زمان را پُر کنیم. (۱۳۸۰/۱۸/۰۶)

« چگونگی توصیف ائمه (ع) »

چگونگی توصیف ائمه (ع): رعایت شأن ائمه حرف من با شما برادران عزیز مداح و ذاکر این است که شماها در این زمینه خیلی وظیفه دارید. من گاهی اوقات توصیه‌هایی می‌کنم. این جور نیست که ما برای عظمت فاطمه زهرا (س) درمانده باشیم که چه جور این عظمت را بیان کنیم و متوسل بشویم به شعر، نثر یا کلامی؛ نه، بلکه ما به آن عظمت احتیاج داریم.

(۱۳۸۳/۵/۱۷)

رعایت شأن ائمه: حدود بیست سال پیش، این حرف‌ها را می‌زدیم و خیلی، آنها را می‌شنیدند؛ ولی نمی‌فهمیدند که ما چه می‌گوییم. می‌گفتم فقط درباره خال و خط خیالی چهره ائمه (علیهم‌السلام) شعر نسرایی. شعر گفتن درباره زلف و ابروی و چشم و عارض امام که تعریف نیست.

(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

بیان برجستگی علمی از مسائل زندگی و برجستگی‌های عملی علی (ع) بگویید. در آن روز، این مسائل برایشان روشن نبود؛ اما امروز چگونه است؟ امروز، برای همه روشن است.

(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

توجه به ابعاد معنوی: وقتی راجع به امیرالمومنین شعری خوانده می‌شود، باید هم مقام معنوی علی (ع) - که ما از او خبر کمی داریم و از ذهن و فکر و دل ما آدم‌های پایین و متوسط پنهان است - و هم عبادت و مظلومیت و حکومت و عدل و ضعیف.

(۱۳۸۰/۶/۱۸)

بیان زندگی ائمه: زندگی امیرالمومنین را بیان کنیم تا بین او و خصوصش در تاریخ و امروز مقایسه شود.

(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

امروز شما خوب می‌توانید اینها را تصویر کنید. اول برای خود و بعد برای دیگران تصویر کنید. جهاد امیرالمومنین، چیز مهمی است. از دوران کودکی - مثلاً از سن یازده یا سیزده سالگی - که او به عنوان یک انسان خودش را درک کرد، تا آخر عمر با دشمنان خدا مشغول مبارزه بود و بالاخره در این راه هم جان داد. یک شاعر، چه قدر خوب می‌تواند این را بیان کند. یک گوینده، چه قدر خوب می‌تواند این را در ذهن‌ها و تا آن اعماق دل مردم نفوذ بدهد.

(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

شما خوانده شد، انگیزه او برای شعر گفتن چند برابر می‌شود؛ یک هم‌افزایی به وجود می‌آید؛ او به شما کمک می‌کند، شما به او کمک می‌کنید. (۱۳۹۰/۳/۳)

« وظیفه مداحان »

شناخت وظیفه: طبقه‌ای که با ایمان مردم، با دل مردم، با معارف مردم، با نام مبارک ائمه (علیهم‌السلام) و اهل بیت سر و کار دارد، وظیفه سنگینی دارد. برادران عزیز! این وظیفه را درست بشناسند؛ درست از آن استفاده کنند.

(۱۳۹۰/۴/۱۴)

مطالب، پر مغز و پر محتوا باشد: وظیفه و مسئولیت بزرگ جامعه مداح این است که مطالبش پرمغز و پرمحتوا باشد و به شیوه درست این را اداره کند؛ هم در مصیبت و مدایح، و هم در عزا و جشن. باید مطالب با شکل‌های مختلف و در قالب‌های مختلف بیاید.

(۱۳۸۳/۵/۱۷)

انتساب به خاندان رسالت: آنچه ما وظیفه داریم، این است که خود را شایسته انتساب به آن خاندان کنیم. البته منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله وابستگان آنها و معروفین به ولایت آنها بودن، دشوار است.

(۱۳۷۰/۱۰/۵)

امید و نشاط آفرین بودن: امروز احتیاج داریم که نسل موجود ما، نسل جوان ما، با امید، با نشاط، با خوشبینی به آینده، با ایمان به خدا، با پیوستگی قلبی به اهل بیت بار بیاید.

(۱۳۹۰/۳/۳)

تشویق جوانان به تلاش: ما امروز به جوانی احتیاج داریم که بداند سرنوشت خود او و سرنوشت جامعه او و سرنوشت خانواده بزرگ او وابسته به کار و تلاش اوست؛ اهل تلاش باشد، اهل کار باشد، اهل جدیت باشد، اهل پیگیری باشد، اهل تنبلی نباشد، اهل وادادگی و لالاییگری نباشد. این تربیت‌ها چه جوری انجام می‌گیرد؟ شما می‌توانید نقش ایفا کنید.

(۱۳۹۰/۳/۳)

توجه به مسائل روز: ما باید بدانیم که اگر فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها امروز در بین ما ظاهر می‌شدند و یک ساعت، دو ساعت یا یک روز در بین مردم می‌آمدند، ما را به چه چیزی امر می‌کردند؟ انگشت اشاره به کدام راه از راه‌هایی که در مقابل ما گشوده است، دراز می‌کردند و به ما می‌گفتند که از این راه بروید؟ ما باید آن را دنبال کنیم و در

شکل زیبا و شایسته‌ای بیان کرد.

(۱۳۶۹/۱۰/۱۷)

زیارات: برای مناقب ائمه، از زیارتها، به‌خصوص زیارت جامعه‌ی کبیره استفاده کنید. بنابراین شما دیگر هیچ احتیاجی ندارید که مبالغاتی را در ذهن خودتان خلق کنید. آنچه که باید در باب ائمه (ع) گفته شود، در زیارت جامعه هست. شما می‌توانید یک فقره از فقرات زیارت جامعه را - حالا شاید صدها فقره است - انتخاب کنید و با توجه به قریحه شعری و تخیل و فراوری ذهنی خودتان، یک غزل زیبا و ناب از آب در بیاورید. ظرفیت این معارف اینقدر بالاست.

(۹۰/۳/۵)

مناجات: مناجات هم جزو شعر آیینی است. شعر آیینی فقط مساله مدح و مرثیه نیست؛ مناجات هم جزء شعر آیینی است. برای اینکه مضمون مناجات را درست پیدا کنیم، بهترین مرجع، دعاهاست.

(۱۳۹۰/۳/۲۵)

مطالعه: صاحب حرفه مداحی که خود را مفتخر کرده است به اینکه در این راه خدمت و کار کند، اگر بخواهد همه این خصوصیات را جمع کند، اولاً احتیاج دارد به مطالعه و کار. به قول معروف، بی‌مایه فطیر است. احتیاج به مطالعه هست، احتیاج به کار هست.

(۱۳۹۰/۳/۳)

دیوان صائب: ما غزلیات زیادی داریم. شما به دیوان صائب نگاه کنید. من یک وقت چند بیت از این اشعار را تصادفی انتخاب کردم و به بعضی از برادرهای مداح گفتم روی اینها کار کنید. دیوان صائب غزل‌های بسیار خوب و مفیدی دارد که در دل‌ها اثر می‌گذارد. دیگران هم از این گونه اشعار دارند.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

کتاب‌های معتبر: این همه مناقب اهل بیت (ع) در کتاب‌های معتبر وجود دارد؛ از آنها استفاده بشود؛ از گفته‌های افرادی که خودشان سندند، ثقه و معتبرند.

(۱۳۹۰/۳/۳)

اشعار دینی و مذهبی: اگر بناست شعر محتوایی داشته باشد، بهترین محتواها همین محتواهای شعر دینی و شعر مذهبی است با عرض وسیع و ان‌شاء... دنبال کنید.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

کتاب شعر: شعر خوب و حکمت‌آمیز وجود دارد که اگر کسی بخواهد ۱۰ سال تکراری بخواند، می‌تواند در تمام موضوعات، شعر بیرون بیاورد. از شعرای قدیم بگیرید، تا شعرای امروز و شعرهای خوب.

(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

عدم استفاده از مدح‌های بی‌معنا چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم، استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست، که گاهی هم مضر است.

(۱۳۸۴/۵/۵)

بیان معارف شیعی: معارف شیعه در اوج اعتلاست. معارف شیعی ما معارفی است که یک فیلسوف در غرب پرورش یافته با مفاهیم غربی و بزرگ شده آشنا با معارف فلسفی غرب مثل هانری گربن را می‌آورد دو زانو جلوی علامه طباطبایی می‌نشانند؛ او را خاضع می‌کند و می‌شود مروج شیعه و معارف آن در اروپا. می‌شود معارف شیعه را در همه سطوح عرضه کرد؛ از سطوح ذهن متوسط و عامی بگیرید تا سطوح بالاترین فیلسوف‌ها. ما با این معارف نباید شوخی کنیم.

(۱۳۸۴/۵/۵)

بیان ارزش‌های ائمه: ارزش ابوالفضل، ارزش حبیب‌بن‌مظاهر، ارزش جُون در اینهاست، نه در قد رشیدش یا بازوی پیچیده‌اش. قدرشید که خیلی در دنیا هست؛ ورزشکارهای زیبایی اندام که خیلی هستند؛ اینها که در معیار معنوی ارزش نیست. گاهی روی این تعبیرها تکیه هم می‌شود! حالا یک وقت شاعری در یک قصیده سی، چهل بیتی اشاره‌ای هم به جمال حضرت ابوالفضل می‌کند؛ آن یک حرفی است؛ ما نباید خیلی خشکی به خرج دهیم و سختگیری کنیم؛ اما اینکه ما همه‌اش بیاییم روی ابروی کمانی و بینی قلمی و چشم خمار این بزرگواران تکیه کنیم، اینکه مدح نشد؛ در مواردی ضرر هم دارد؛ در فضاهایی این کار خوب نیست.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

منابع مداحان

قرآن: برای حرکت دادن یک جامعه مسلمان، بهترین ابزارتان آیات قرآن است. این، چیز خیلی عجیبی است؛ کهنه نشده و کهنه نمی‌شود. با توجه به اینها، هر جا هستید، برای صیقل زدن به این سلاح و کامل کردن و در دست گرفتن آن تلاش کنید.

(۱۳۷۰/۱۰/۵)

ادعیه: در دعاها و زیارت‌های ما، تعبیرات عاشقانه و خیلی خوبی هست که حقایقی را نشان می‌دهد؛ اینها را محور باید قرار داد. آنچه را که مثلاً شیخ و ابن طاووس و مفید و دیگر بزرگان در کتاب‌هایشان گفته‌اند، اینها را بایستی محور قرار داد. بعد آنها را در یک ارائه هنری، به



اشعار قوی فارسی را در کتابهای گوناگون پیدا کنید و آنهایی را که برای تفهیم مفاهیم و عقاید و اخلاق اسلامی یا بینش سیاسی یا هر آنچه که امروز جامعه‌ی اسلامی به آن نیاز دارد و مناسب است، برگزینید و بیاورید در محافل بخوانید.
(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

« ویژگی‌های شعر در مداحی

خوب و مفید بودن: یک وقت یکی از برادران مداح می گفت ما اگر از شعرهای خوب و شعرای بزرگ شعری انتخاب کنیم، مردم نمی فهمند؛ بنابراین مجبوریم از این شعرها استفاده کنیم. این طوری نیست؛ من این را قبول ندارم. وقتی با زبان شعر با مردم حرف بزنید، هرچه شعر پیچیده هم باشد، وقتی مداح با هنر مداحی خود توانست این را کلمه کلمه به مردم القا و مخاطبه کند، در دل مردم اثر می گذارد.
(۱۳۹۲/۲/۱۱)

محکم، قوی، خوش مضمون و قانع کننده: شعر شما باید خوب، محکم، قوی، خوش مضمون و قانع کننده باشد. گاهی قصیده‌ای که شما می خوانید، به اندازه چند منبر یک منبری خوش بیان تاثیر می گذارد. گاهی یک بیت شعر بجا به قدر یک کتاب قیمت دارد. اینها آسان و مجانی به دست نمی آید. انسان باید زحمت بکشد، کار و تلاش کند،
(۱۳۷۷/۷/۱۹)

متین و قوی: شعر خوب را بیابد، آن را حفظ کند و بخواند. البته امروز خوشبختانه معمول شده که شعر را از رو بخوانند. به نظر ما اشکالی هم ندارد؛ اما قدیمی‌ها عیب می دانستند که از رو بخوانند. البته اگر مداحان شعر را حفظ کنند، یک هنر اضافه هم خواهند داشت؛ اما اگر حفظ نکنند، اشکالی ندارد. مهم این است که شعر، خوب، متین، قوی و خوش مضمون باشد.
(۱۳۷۷/۷/۱۹)

بیان منقبت اهل بیت (ع): بهترین مجموعه شعری که می شود در یک منبر مداحی انسان فکر کند، چیزی است که در آن، اولاً منقبت اهل بیت (علیهم السّلام) باشد. ذکر مناقب آنها دل ها را روشن می کند، شاد می کند، شوق را در انسان برمی انگیزد،

اشک را از چشم‌ها جاری می کند. البته منظور، مناقب متقن است. اینجور نباشد که انسان به حرف‌های سست تکیه کند.
(۱۳۹۰/۳/۳)

دینی، پرمغز و زیبا: شعر خوب، شعر پرمغز و البته شعر زیبا. خود هنر شعر اثر هم می گذارد. وقتی شعر خوب بود، وقتی استخوان بندی شعر، الفاظ شعر، خوب بود- شعر خوب، با مضمون خوب- تاثیرش بیشتر هم هست؛ به علاوه که سطح ذهن مردم و فکر مردم را هم بالا می آورد.
(۱۳۹۱/۲/۲۳)

اثرگذار: شعر را از لحاظ هنری، سطح خوب انتخاب کنید؛ چون اثرگذار است. شعر خوب و شعر هنری، همان خاصیت عمومی هنر را دارد. خاصیت عمومی هنر این است که بدون اینکه خود گوینده حتی در خیلی از موارد توجه داشته باشد و غالباً بدون اینکه مستمع توجه داشته باشد، اثر می گذارد.
(۱۳۸۴/۵/۵)

افزایش ایمان: وقتی شعر را می خوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما ایمان مخاطبان ما زیاد شود. پس، هر شعری را نمی خوانیم؛ هر جور خواندنی را انتخاب نمی کنیم؛ جوری می خوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثرگذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب.
(۸۶/۴/۱۴)

درست و خوب انتخاب کردن: شعر را بایستی درست و خوب انتخاب کرد. شعر یکی از نمادهای برجسته هنر است. هر بافته نظمی، شعر نیست؛ شعر خصوصیات خودش را دارد؛ باید شعر انتخاب کرد.
(۱۳۹۰/۳/۳)

« ملاک شعر خوب

لفظ خوب: اولاً لفظ شعر، لفظ خوب باشد.
(۸۶/۴/۱۴)

ماندگار: گاهی یک شاعر، یک بیت شعر می گوید که از چند ساعت حرف زدن یک سخنور توانا گویاتر است. یک بیت یا یک مصرع شعر، در ذهن‌ها می ماند و مردم آن را می فهمند و تکرار می کنند و نتیجتاً ماندگار می شود.
(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

تاثیرگذار: یک هنر عالی، ولو مخاطب آن هنر تشخیص ندهد که این عالی است، اما تاثیر او در نفس آن مخاطب، تاثیر عمیق تری خواهد بود از یک هنر سطحی مبتذل بازاری؛ فایده‌اش این است.
(۸۶/۴/۱۴)

لفظ قوی، مضامین جذاب و آموزنده: لفظ، باید لفظ قوی، خوب، زیبا؛ مضامین، مضامین جذاب، جالب، تازه، غیر تکراری و مطلب- که عمده این است- آموزنده باشد.
(۸۶/۴/۱۴)

دارای مفاهیم اسلامی: یکی از چیزهایی که باید در این اشعار باشد، عبارت از مفاهیم بلند اسلامی- مثلاً در باب توحید یا نبوت- است. بهترین اشعار قدما در باب توحید و نبوت، همین مداحی است که شعرای بزرگ ما در مقدمه دیوان‌ها و مثنوی‌هایشان ذکر کرده‌اند و گفته‌اند.
(۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

« آهنگ و سبک در مداحی

آهنگ و سبک در مداحی: توجه به موسیقی اصیل ایرانی ما، در قدیم از زبان موسیقی دان‌های معروف شنیده بودیم که می گفتند موسیقی اصیل ایرانی را نوحه‌خوان و شبیه‌خوان‌ها حفظ کرده‌اند؛ موافق خوان، مخالف خوان، علی‌اکبرخوان، قاسم خوان. هر کدام یک دستگاهی را به اینها می دادند که باید در آن دستگاه بخوانند. این موجب شد که موسیقی نانوشته ایرانی- که نه نُت داشت، نه نوشته داشت و نه چیز دیگری داشت- بتواند برسد به دست کسانی که اینها را با نُت و شیوه‌های جدید بتوانند ثبت و ضبط کنند.
(۸۶/۴/۱۴)

پرهیز از تقلید غلط: چه خواننده جلسه مداحی، ناگهان بیاید آهنگهای اروپایی را- آن هم به شکل غلط و نابلد بنا کند خواندن؛ سبک‌هایی که فرض کنید حالا فلان خواننده غربی یا مقلد عرب آن غربی یک وقتی خوانده، ما این را از او یاد بگیریم و بنا کنیم خواندن! که قبل از انقلاب هم متأسفانه همین کارها را کردند.
(۸۶/۴/۱۴)

پرهیز از تقلید غلط: حالا مثلاً مداح یا خواننده ما بیاید در رادیو و تلویزیون به تقلید - آن هم غلط - آهنگ غربی یا آهنگ مجالس لهُو را در مجلس ایمان و در مجلس معنویت تکرار کند، این درست نیست؛ این غلط است.

(۸۶/۴/۱۴)

عدم استفاده از آهنگ بد: نوآوری، درست؛ اما نه این جور. این مربوط به آهنگ است. البته صدای خوب را می‌توان با آهنگ بد خراب کرد؛ صدای متوسط را می‌توان با آهنگ خوب آرایش داد. خود آهنگ یک مساله است.

(۸۶/۴/۱۴)

آهنگ خاص: هر آهنگ و آوازی به درد شما نمی‌خورد. آهنگ و آواز خاصی به درد شما می‌خورد، آن هم با شیوه بیان خاص مداحی.

(۸۹/۳/۱۳)

پرهیز از تقلید غلط: من شنیده‌ام در مواردی از آهنگ‌های نامناسب استفاده می‌شود. مثلاً فلان خواننده طاغوتی یا غیرطاغوتی شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده؛ حالا ما بیاییم در مجلس امام حسین و برای عشاق امام حسین، آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن؛ این خیلی بد است.

(۱۳۸۴/۵/۵)

ساخت آهنگ خوب: خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه‌مندان به این جریان کسانی هستند که می‌توانند آهنگ‌های خوب مخصوص مداحی بسازند؛ آهنگ عزاء، آهنگ شادی.

(۱۳۸۴/۵/۵)

استفاده از آهنگ شاد برای اعیاد: این را هم عرض بکنم که آهنگ شادی از آهنگ عزاء جداست. الان معمول شده که برای روزهای عید جلساتی تشکیل می‌دهند. بنده مخالف این کار نیستم؛ بد هم نیست که دست می‌زنند. البته اگر از رادیو بشنویم - که بنده خودم گاهی از رادیو شنیده‌ام - و شعر را درست گوش نکنیم، خیال می‌کنیم دارند سینه می‌زنند! هم لحن، سینه‌زنی است؛ هم آن دستی که می‌زنند، مثل زدن روی سینه است. این چه شادی‌ای شد؟!

(۱۳۸۴/۵/۵)

اگر برای روزهای شادی، آهنگ‌های مناسب - نه آهنگ‌های مبتذل، نه آهنگ‌های طاغوتی، نه آهنگ‌های حرام - و شیوه‌های خوب انتخاب کنند، موثرتر و بهتر است. این طور نباشد که چون به روضه‌خوانی عادت کرده‌ایم، روز شادی هم که می‌خواهیم حرف بزنیم، لحن مان بشود لحن روضه‌خوانی.

(۱۳۸۴/۵/۵)

سنگین، متین و مناسب بودن آهنگ: بعضی از آهنگ‌هایی هم که انسان گوشه و کنار می‌شنود یا به گوش انسان می‌رسد، آهنگ‌های مناسبی نیست؛ حالا گیرم که چهار نفر را هم جذب کند. نه، آهنگ باید سنگین، متین و متناسب با محتوایی باشد که شما دارید عرضه می‌کنید؛ خدای نکرده به سمت آهنگ‌های حرام و آهنگ‌هایی که گناه است، سوق پیدا نکند. این هم خیلی نکته اساسی و مهمی است.

(۸۹/۳/۱۳)





پرهیز از تقلید غلط: هر شعری، هر تصنیفی، هر ترانه و آهنگی که خوانده شد، قابل تقلید نیست. چیزهایی هست که خودش فی نفسه حرام است.

(۸۹/۳/۱۳)

آهنگ خوب به معنای تقلید از آهنگ موسیقی‌های لہوی مضلّ عن سبیل... نیست؛ این را توجه داشته باشید. بعضی از آهنگ‌ها، آهنگ‌های بدی است، آهنگ‌های غلطی است، آهنگ‌های لہوی است؛ این را نباید به وادی حرفه مداحی و خواندن مداحی کشاند.

(۱۳۹۰/۳/۳)

نوآوری در آهنگ: عیبی ندارد که شکل‌های جدیدی را در خواندن و قرائت اشعار و آهنگ‌سازی‌های گوناگون ابتکار کنید؛ اما از این تشابه و تداخل پرهیزید. البته آهنگ‌های لہوی مضلّ عن سبیل... را می‌گوییم، نه حالا هر آهنگی که یک وقتی در یک مضمون دیگری خوانده شده، آن را بخواهیم منع کنیم؛ نه، آهنگ‌هایی که لہوی است و مضلّ عن سبیل اللہ است؛ اینها را نیاورید.

(۱۳۹۰/۳/۳)

« نقش مداحان

در حفظ وحدت و انسجام اسلامی

عدم تحریک عصبیت‌های مذهبی: یکی از چیزهایی که من به‌خصوص می‌خواهم تکیه کنم، مساله «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیت‌های بین‌المذاهبی مسلمان‌ها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیرشیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را می‌خواهند.

(۸۶/۴/۱۴)

کاری کنند که عصبیت‌های شیعه و سنی را زنده کنند. به آنها تفهیم کنند اینها شیعه‌اند؛ اینها صحابه را سب می‌کنند؛ اینها مقدسین شما را چنین و چنان می‌کنند. جدایی بیندازند؛ آنها این را می‌خواهند. منادی وحدت شیعه و سنی، از اولی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. یک عده‌ای چرا

نمی‌فهمند؟

(۸۶/۴/۱۴)

حفظ وحدت: وحدت را حفظ کنید. اگر دیدید در جامعه بین شما کسانی هستند که عکس این رفتار می‌کنند، آنها را طردشان کنید؛ مخالفت خودتان را به آنها ابراز و اعلام کنید؛ اینها ضرر می‌زنند؛ ضربه می‌زنند. ضربه‌ای به اسلام می‌زنند، ضربه‌ای به تشیع می‌زنند، ضربه‌ای به جامعه اسلامی می‌زنند. این از جمله مسائل بسیار مهم است.

(۸۶/۴/۱۴)

همدلی: تفرقه بین مومنین کار خدایی نیست، برای هدف خدایی انجام نمی‌گیرد؛ کار شیطانی است؛ کار شیطانی است. ایجاد بغض و کینه بین مومنین، فضای اختلاف را به وجود آوردن، این کار شیطان است، کار خدایی نیست. کار خدایی همدلی است.

(۸۷/۴/۴)

اختلاف‌افکنی: شما اینجا یک شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسایل گوناگون انتقال پیام وجود دارد؛

عکس و تفصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهل متعصب را تحریک کند، بیندازد به جان یک مشت زن و بچه بی‌گناه، خون اینها را بریزد. مراقب این چیزها باشید.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

اینکه بنده این همه اصرار می‌کنم، تاکید می‌کنم برای اینکه اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کمرنگ کنید، برای این است. کسی خیال نکند که اگر ما بخواهیم نعمت این عشقی که دل‌های مردم ما را بحدما... پر کرده و مالا مال از محبت اهل بیت است، شکرگزاری کنیم و این عواطف را تحریک کنیم، راهش آن است؛ نه، اشتباه است.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

اختلاف‌افکنی یا تحریک عصبیت‌های اختلاف‌افکن، مصلحت نیست؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق (علیه‌السلام) مصلحت بود؛ آنها هم جلوبش را گرفتند. بعضی از افراد سطحی‌نگر به این مساله توجه ندارند.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

به قدر ظرفیت مان بهره خواهیم برد.

(۱۳۸۴/۵/۵)

برادران و خواهران عزیز! من و شما باید دنبال عبودیت خدا باشیم. تمجید از فاطمه زهرا نتیجه اش باید این باشد. (۱۳۸۴/۵/۵) توجه به خدای متعال: توصیه ما این است: تلاوت قرآن، انس با قرآن، انس با حدیث، آشنایی با معارف اهل بیت از طریق حدیث، و بالاتر از همه، توجه به خدای متعال، حفظ و تقویت رشته ارتباط قلبی با ذات اقدس احدیت، با دعا، با توسل، با ذکر، با خشوع، با نماز نافله.

(۱۳۹۰/۳/۳)

« ضرورت پرداختن به مسائل روز در مداحی

توجه به نیاز جامعه: به نیاز امروز جامعه اسلامی نگاه کنید، ببینید چقدر ملت ما، جوان ها و جامعه ما در کشاکش توفان های گوناگون تهاجم سیاسی و فرهنگی و انواع و اقسام تلقینات و تبلیغات، به نگاه نو، به روحیه سرشار از امید، به دل لبالب از اطمینان به آینده، فهمیدن راه روشن احتیاج دارد. این راه همه باید انجام دهند؛ هر کسی به یک نحوی. و شما می توانید سهم و افری در این زمینه داشته باشید. به هر حال، مجموعه های اساتید و پیشکسوت های مداحی می توانند کارهای خوبی انجام دهند، امیدواریم ان شاء... انجام دهند.

(۸۷/۴/۴)

توجه به انقلاب: یک نقطه اساسی هم این است که ما وضعیت کنونی انقلاب را همواره هم در یاد خودمان داشته باشیم، هم در حوزه شعاع گفتاری خودمان، تاثیر نفس خودمان را به یاد دیگران بیاوریم.

(۸۷/۴/۴)

عزیزان من! انقلاب یک حادثه در تاریخ ایران فقط نبود؛ این یک حادثه در تاریخ جهان و در تاریخ بشریت بود. بر روی این نکته من تکیه و تاکید می کنم - این شعار نیست، این تدقیق در یک حقیقت است - که این یک حادثه در تاریخ بشریت است. هر چه زمان بیشتر بگذرد، بیشتر این حقیقت روشن خواهد شد.

(۸۷/۴/۴)



« ضرورت خودسازی مداحان

توجه به اخلاق: عزیزان من! مردم از صدای شما خوش شان می آید، از شعر شما لذت می برند، از اجرای شما - چه در مدح تان، چه در مصیبت تان - دل هایشان تکان می خورد و اشک می ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه می کنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین آوری داشتید، همه آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

تزلزل اخلاقی: اما اگر خدای نکرده بالعکس شد؛ مردم نشانه تزلزل اخلاقی، نشانه عقب ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی هایی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

مراقبت از خود: همه مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه ای ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصه

دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین طور.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

شما کسانی که در عرصه دین و معرفت و امور الهی دارید کار می کنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان، پاکی دامن، پاکی دل، پاکی دست. خدای متعال به شما کمک کند.

(۱۳۹۲/۲/۱۱)

نصیحت: امروز ما محتاج نصیحتیم. برای رشد اخلاق در جامعه، برای گسترش خلقیات خوب، برای اعتلای روحیه همدلی و برادری و صفا و اخوتی که در جامعه دینی مطلوب است، احتیاج داریم به نصیحت.

(۱۳۸۴/۵/۵)

عبودیت: اساس و جوهر کار، عبودیت است. من و شما هم باید از همین جاده برویم. البته این قلعه ها خیلی بالاست. اگر چشم ما بتواند این قلعه ها را ببیند، خیلی باید خدا را شکرگزار باشیم؛ چه برسد که به آنجاها برسیم؛ لیکن باید برویم؛ راه این است. این دامنه ها را باید به قدر قدرت و توان مان طی کنیم؛ که اگر این طور شد،

« توصیه به جوان‌هایی که می‌خواهند وارد عرصه مداحی بشوند

احراز صلاحیت: امروز اگر چنانچه بپرسند: «آقا حرفه مداحی به چی احتیاج دارد؟»، «یکی بخواهد مداح بشود، از امروز شروع کند، چه چیزی نیاز دارد؟»، دو سه چیز را می‌شمارید دیگر؟ می‌گویید باید صدایش خوب باشد، حافظه خوبی داشته باشد، بتواند شعر یاد بگیرد؛ البته روح هم داشته باشد. یک انسانی با داشتن حافظه خوب و صدای خوش، می‌تواند بشود یک مداح. به نظر ما این کافی نیست. شما به مداح به چشم یک معلم نگاه کنید که می‌خواهد چیزی را به مستمع خود تعلیم بدهد. همه شماها این صلاحیت را دارید. هیچ کس را از این دایره نباید بیرون کرد. هر که شوق این کار را دارد، بسم... خیلی خوب است؛ اما صلاحیتش را در خودش به وجود بیاورد. (۸۹/۳/۱۳)

توجه به شیوه پیشکسوت‌ها: به جوان‌ها توصیه می‌کنم شیوه‌های پیشکسوت‌ها را به کلی کنار نگذارند؛ دست نکنند. (۸۶/۴/۱۴)

نوآوری در امتداد شیوه گذشتگان: من با نوآوری موافقم؛ نوآوری هیچ اشکالی ندارد؛ اما اگر بخواهید در این نوآوری کمال پیدا کنید، بایستی این نوآوری در امتداد شیوه گذشتگان باشد. «العلی محظوره الا علی من بنی فوق بناء السلفی». یک طبقه ساخته‌اند، شما روی آن طبقه یک طبقه بسازید؛ دیگری نباید روی آن طبقه شما یک طبقه بسازد؛ آن وقت بناء می‌شود مرتفع. (۸۶/۴/۱۴)

اضافه کردن به شیوه پیشکسوت‌ها: محسنات اساتید، پیشکسوت‌ها و کسانی را که در این کار از شما یک پیراهن بیشتر پاره کرده‌اند، یاد بگیرید و چیزی بر آن اضافه کنید. شیوه‌های جدید، این جوری درست بشود، خوب است. (۸۶/۴/۱۴)

پر کردن جای خالی گذشتگان: در بین شما عزیزان بحمد... هم پیشکسوت‌ها هستند، هم جوان‌ها هستند، استعداد‌های خوبی هم وجود دارد. در میان شما، گل‌های پرتراوت نوری من مشاهده می‌کنم، که توانسته‌اید خوب وسط میدان بایید و جای خالی گذشتگان را نه فقط پر کنید، بلکه برتر و بهتر از آنها - ما خیلی از گذشتگان را هم دیدیم - حرکت کنید. (۱۳۹۲/۲/۱۱)

« آسیب‌های مداحی

پرهیز از خطا در خواندن و گفتن: اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی نیست؛ سنگین‌تر و سخت‌تر است. اگر ما خدای نکرده کسی را به وادی ضلالت و گمراهی انداختیم، با عمل مشابه دیگری تفاوت دارد. مداح‌ها بدانند چه می‌خوانند و چه می‌گویند. (۱۳۸۴/۵/۵)

ابتدال: امروز هم پول می‌دهند و می‌گویند به ابتدال بکشید و اسلام را قدح کنید و اهل بیت را مورد مذمت قرار بدهید و شیعه را خراب کنید. (۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

استفاده از مدح‌های نابجا: می‌ادا پانصد نفر، هزار نفر، گاهی ۱۰ هزار نفر در جلسه‌ای جمع شوند و یک ساعت برای آنها نغمه‌سرایی شود؛ اما چیزی به آنها داده نشود.

(۱۳۸۰/۶/۱۸)

استفاده از مدح‌های نابجا: گاهی کلمات مدح‌آمیزی از ائمه علیهم‌السلام پشت سر هم می‌آوریم که نه درست مستمع به عمق این کلمات می‌رسد، نه با فهمیدن آن کلمات چیزی بر معرفت او اضافه می‌شود. اینها ارزش چندانی ندارد.

(۱۳۸۰/۶/۱۸)

چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم، استفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معناست، که گاهی هم مضر است.

(۱۳۸۰/۶/۱۸)

استفاده از تعبیرات سبک: از برخی تعبیرات درباره ائمه (ع) نباید استفاده کرد، اینها سبک است.

(۱۳۸۰/۶/۱۸)

تقلید نابجا: چنانچه مداح و خواننده ما و ستایش‌گر اهل بیت (علیهم‌السلام) از کسانی که خودشان غرق در حیرت و بدبختی‌اند - وادی هنری غرب، به‌خصوص هنر موسیقی‌شان که به ابتدال کشانده شده - و در وادی حیرت و سردرگمی شیطانی و نه حیرت رحمانی هستند، این کار شریف و پاکیزه و مقدس را الگوبری کرد، این کار ناسزاوار است؛ کار ناشایستی است.

(۸۷/۴/۴)

منبع: روضه‌نیوز







اتمام حجت رهبری درباره برخی سخنان فتنه‌انگیز و اختلاف‌آفرین میان شیعه و سنی در برخی مجالس این را چندبار بگوییم؟ چرا بعضی گوش نمی‌کنند؟

لعن برخی همسران پیامبر نه تنها با سیره ائمه هدی و علمای بزرگ تناسبی ندارد، بلکه زمینه را برای سوءاستفاده و هابیت و تندروهای القاعده برای آتش افروزی و خشونت فراهم می‌سازد. اگرچه بانیان جدید جریانات برائتی که با پرچم تبری به میدان آمده‌اند، دارای ارتباطات واضح و عمیق با قدرت‌های استعماری به‌ویژه استعمار پیر هستند، اما متأسفانه به علت عدم آگاهی برخی جوانان و مداحان، آنها عملاً در میدان دشمن بازی کرده و هیزم آتش جنگ مذهبی را فراهم می‌آورند که فاتح نهایی آن اسرائیل در منطقه است. بسیاری از گروهک‌های تندروی تکفیری که هم‌اکنون در عراق و سوریه و پاکستان و افغانستان مشغول فعالیت هستند، به‌منظور یارگیری و تحریک احساسات مردم، از نوارها، فیلم‌ها و سخنان مطرح‌شده در این مجالس استفاده و جواز قتل شیعیان را صادر می‌کنند.

رهبر انقلاب سال‌های قبل نیز درباره برخی سخنان، مراسم و محافل تذکر داده بودند. ایشان درباره این گونه اقدامات تفرقه‌افکنانه

نگاه آسیب‌شناسانه فقیهی حکیم دانست که ضمن وقوف به اهمیت و جایگاه هیات‌های مذهبی و تاثیر آنها، نسبت به ایجاد و رشد برخی آسیب‌ها هشدار می‌دهند. رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت (ع): اختلافات مذهبی بین مسلمانان شمشیری در دست دشمن است. چندبار بگوییم؟ چرا بعضی گوش نمی‌کنند؟ به نظر می‌رسد از سخنان رهبر معظم انقلاب بتوان دو نکته مهم آسیب‌شناسانه را استنتاج کرد:

۱- اهانت به بزرگان اهل سنت و سخنان کینه‌توزانه ممنوع

یکی از آسیب‌های جدی در روابط شیعه و سنی که استعمار و استکبار از آن سود می‌برد، تحریک علما و عوام اهل سنت به وسیله برخی سخنان مجالس و اقدامات نسنجیده و غیرمرتبط با سیره اهل بیت توسط برخی افراد نادان است که علیرغم نهی و هشدار علما و بزرگان به مسیر نادرست خود ادامه می‌دهند. اهانت‌های علنی و زشت و تاسف‌بار به برخی صحابه و خلفا و

این فراز یکی از جدی‌ترین خطاب‌ها و تذکرات رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر بود. لحن انتقادی و تذکرآمیز رهبر انقلاب حاکی از انتقاد و عدم رضایت ایشان از برخی سخنان یا افعال در بعضی محافل مذهبی و مداحان بود. رهبر معظم انقلاب در همین فراز از سخنان مهم‌شان خطاب به خطیبان، مداحان و فعالان هیات‌های مذهبی فرمودند: «بارها تکرار کرده‌ایم که در جلسات دینی نباید به کینه‌ورزی‌های مذهبی دامن زد، زیرا مثل روز روشن است که اختلاف‌افکنی بین مسلمانان، همچون شمشیری در دست دشمنان اسلام، مقصود آنان را برآورده می‌کند.»

در واقع حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خود با جامعه مداحان از گسترش و ایجاد فضاهای عوامانه‌ای در برخی محافل مذهبی انتقاد کردند که موجبات بدبینی و تفرقه‌افکنی میان ما و برادران اهل تسنن و زمینه‌ساز سوءاستفاده و هابیت و صهیونیسم می‌شود. به نظر می‌رسد سخنان روز گذشته رهبر انقلاب را

خاطر نشان کردند: «این محیط باید همچنان طاهر و عقیقانه باشد و نباید برخی بی‌قیدی‌ها و بی‌مبالاتی‌ها به دنیای هنر اسلامی و مذهبی نیز نفوذ و رسوخ کند.» متأسفانه دوگونه آسیب از لحاظ شرعی مجالس مداحی ما را مورد تهدید قرار می‌دهد. آسیب اول رواج برخی روش‌های عزاداری است که با قواعد شرعی و احکام در تضاد است. اگرچه فتوای رهبر انقلاب اسلامی، امام راحل و بسیاری از علمای بزرگ بر حرمت اعمالی مانند قمه‌زنی و آسیب‌رسانی به خود به نام عزاداری تأکید دارد، اما متأسفانه این کارهای نپسیده شده که علاوه بر آسیب رساندن به خود که شرعاً جایز نیست، باعث وهن شیعه و ایجاد تصویری خشن و بی‌منطق و بیمارگونه از جامعه شیعی در اذهان جهانیان و سایر مسلمین می‌شود، در برخی نقاط ادامه دارد.

آسیب دوم که در این ایام نمونه‌هایی از آن دیده شده است، استفاده از اشعار نامناسب، سبک‌های موسیقی موهن و غیرمرتبط و آسیب‌های اخلاقی گریبانگیر برخی مداحان است. در واقع رهبر معظم انقلاب با هشدار نسبت به رسوخ آسیب‌ها به فضای هنر اسلامی، خواستار دقت و توجه بانیان هیات‌های مذهبی و مداحان به این مسائل شدند.

حرف آخر:

دمیدن بر آتش نزاع و تفرقه در شرایط حساس کنونی در منطقه به‌ویژه در لبنان و عراق و سوریه که همراه با رشد جریان‌های مشکوک تکفیری و سلفی است جز بدبینی به تشیع و ضربه به جایگاه ایران در منطقه نتیجه‌ای نخواهد داشت. از این رو شایسته است مداحان، خطبا و گردانندگان هیات‌ها و محافل مذهبی با هوشیاری و پیروی از رهبر معظم انقلاب ضمن تأکید بر اصول تقریب مذاهب و وحدت اسلامی اجازه ندهند از جهان تشیع ندایی تفرقه‌افکنانه و خلاف مصالح مسلمین منتشر شود و زمینه را برای آتش‌افروزی بیشتر تکفیری‌ها و وهابیون فراهم آورد.

یوسف قاضی‌زاده

منبع: تبیان

مجاهدت فاطمه زهراست، در دنیا لنگ کنند! می‌فهمید چه می‌گویم؟ بهترین وسیله‌ای که دشمنان بزرگ انقلاب پیدا کردند برای اینکه نگذارند انقلاب به کشورهای اسلامی برود، می‌دانید چه بود؟ گفتند این انقلاب، اسلامی نیست! گفتند اینها دشمن شما چند صد میلیون مسلمان هستند! امام بزرگوارمان ایستاد و گفت این انقلاب، اسلامی است؛ شیعه و سنی در کنار همند؛ پهلوی همند. اگر امروز کسی کاری کند که آن دشمن انقلاب، آن مأمور سیای آمریکا، آن مأمور استخبارات کشورهای مزدور آمریکا، وسیله‌ای پیدا کند، دلیل پیدا کند، نواری پیدا کند، ببرد اینجا و آنجا بگذارد، بگوید کشوری که شما می‌خواهید انقلابش را قبول کنید، این است، می‌دانید چه فاجعه‌ای اتفاق می‌افتد؟

بعضی‌ها دارند به نام فاطمه زهرا (س)، این کار را می‌کنند. در حالی که فاطمه زهرا (س) راضی نیست. این همه زحمت برای این انقلاب کشیده شد. آن مرد الهی، آن وارث واقعی فاطمه زهرا (س) در زمان ما، آن همه زحمت کشید. این جوان‌های پاک ما این جور رفتند خون‌هایشان را ریختند تا انقلاب را بتوانند عالم گیر کنند. آن وقت یک نفری که معلوم نیست تحت تأثیر کدام محرکی واقع شده، به نام شادکردن دل فاطمه زهرا، کاری بکند که دشمنان حضرت فاطمه زهرا را شاد کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: علنی کردن اختلافاتی که کینه‌ها را بیشتر می‌کند، کفران نعمت است، در جلسه‌ها نباید کینه‌ها و اختلافات را طرح کرد

۲- مجالس دینی طبق حدود و ضوابط شرعی

آسیب دومی که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کرده و به صراحت مداحان را از آن نهی کردند عدم رعایت حدود و ضوابط شرعی در برخی محافل بوده است. در واقع توصیه اکید رهبر انقلاب اسلامی به جامعه مداحان، ضرورت رعایت دقیق «حدود و ضوابط شرعی» در محیط‌های مراسم مذهبی بود.

ایشان محیط‌های مداحی و هنر مذهبی را محیطی «پاک و مطهر» خواندند و



سال‌های قبل فرموده بودند: «بعضی‌ها به نام شادکردن دل فاطمه زهرا (س)، این روزها و در این دوران ما کاری می‌کنند که انقلاب را که محصول

66

یکی از آسیب‌های جدی در روابط شیعه و سنی که استعمار و استکبار از آن سود می‌برد، تحریک علما و عوام اهل سنت به وسیله برخی سخنان مجالس و اقدامات نسنجیده و غیرمرتبط با سیره اهل بیت توسط برخی افراد نادان است که علیرغم نهی و هشدار علما و بزرگان به مسیر نادرست خود ادامه می‌دهند

اشعار اربعین

همواره اربعین برای سرایندگان اشعار
آیینی، حس و حال عجیبی داشته
و شاعران احساسات خود را در این
اشعار نمایان کرده‌اند. به همین
مناسبت برخی از اشعار آیینی مهم
اربعین را در اینجا مرور می‌کنیم.

اربعین

اربعین آمد و چشم‌ها باز گریان می‌شود
کربلا ماتم سرای اهل ایمان می‌شود

غصه‌های آل طه در مسیر کوفه و شام
یاد شام تارشان در کنج ویران می‌شود

باز تازه غصه‌های کربلا در نزد زینب
سید سجاد زین غم اشک‌ریزان می‌شود

مجلس شام یزید و لعل لب‌های حسین
زیر چوب خیزران باز خونریزان می‌شود

گوشه ویرانه گویا غنچه‌ای روییده است
آه و صد افسوس که آن هم برگریزان می‌شود

باز گویا یک سری بی‌تن به نزد دخترش
یا که خورشیدی به نزد ماه میهمان می‌شود

باز گویا دختری از شوق دیدار پدر
گریه و زاری نموده تا که بی‌جان می‌شود

باز گویا جابر آید با عطیه کربلا
حالا وزین ماتم عظمی پریشان می‌شود

باز گویا زینب غمدیده از شام بلا
می‌رسد بر کربلا و زار و نالان می‌شود

کاروان آل یاسین مجلسی بر پا نموده
دشت خون با اشک زینب سیر باران می‌شود

غم فزون گشته ز حد غمخوار زینب رفته است
تا ابد دنیای او همچون غمستان می‌شود

ناله‌های زینب و خون دل سجاد دین
تازه است هر روز تا مهدی نمایان می‌شود

راجی اندر این عزا با شیعیان همناله است
دارد امیدی که روز حشر شادان می‌شود

محمد رجب‌زاده (راجی)

بوی کربلا

بنازم آنکه دایم گفت‌وگوی کربلا دارد
دلی چون جابر اندر جست‌وجوی کربلا دارد

دلش چون کربلا کوی حسین است و
نمی‌داند

که هم‌چون دور دستان آروزی کربلا دارد

به یاد کاروان اربعینی با گریه می‌گوید
به هر جا هست زینب رو به سوی کربلا دارد

اگر چه برده از این سرزمین آخر دلی پر خون
ولی دل بستگی از جانب کوی کربلا دارد

به یاد آن لب تشنه هنوز این عاشق خسته
به کف جامی لبالب از سبوی کربلا دارد

اگر دست قضا مانع شد از رفتن به پابوش
همی بوسیم خاکی را که بوی کربلا دارد...

عبدالعلی نگارنده

شیون در کربلا

اربعین آمد و اشکم ز بصر می‌آید
گویا زینب محزون ز سفر می‌آید

باز در کرب و بلا شیون و شینی برپاست
کز اسیران ره شام خبر می‌آید

صامت بروجردی

محراب محبت

باز در جان جهان یکسره غوغاست حسین
این چه شوریست که از یاد تو برپاست حسین

این چه رازیست که صد شعله فرو مرد و هنوز
روشن از داغ تو ظلمت کده ماست حسین

تا قیامت نرود نقش تو از لوح ضمیر
حیرتم کشت، بگو این چه معماست حسین

گرچه شد جوهر عشق از قلم عاطفه پاک
رقم مهر تو بر صفحه دل هاست حسین

دامن از شوق تمنای تو، گلزار صفا
سینه از آتش سودای تو سیناست حسین

راهبان حرم قدس تو با شهپر عشق
همه رفتند و جهان محو تماشااست حسین

گر نه خون تو ثمر داد به میدان بلا
این همه شور شهادت به چه معناست حسین

تا به محراب محبت تو امامی، پیداست
خاک هر وادی گلرنگ، مصلاست حسین

غرق در موج مکافات کن اقلیم ضلال
قطره در قطره خونت همه دریاست حسین

بهمن صالحی

قصه عشق

آنچه در سوگ تو ای پاک تر از پاک گذشت
نتوان گفت که هر لحظه، چه غمناک گذشت

چشم تاریخ در آن حادثه تلخ چه دید
که زمان مویه کنان از گذر خاک گذشت

سر خورشید بر آن نیزه خونین می گفت
که چه ها بر سر آن پیکر صد چاک گذشت

جلوه روح خدا در افق خون تو دید
آنکه با پای دل از قبله ادراک گذشت

مرگ هرگز به حریم حرمت راه نیافت
هر کجا دید نشانی ز تو چالاک گذشت

حر آزاده شد از چشمه مهتر سیراب
که به میدان عطش پاک شد و پاک گذشت

آب شرمنده ایثار علمدار تو شد
که چرا تشنه از او این همه بی باک گذشت

بر تو بستند اگر آب، سواران عرب
دشت دریا شد و آب از سر افلاک گذشت

با حدیثی که ملائک ز ازل آوردند
سخن از قصه عشق تو ز لولاک گذشت

نصرا... مردانی

آیین

آیین شدی تا که خدا در تو درخشید
خورشیدترین حادثه ها در تو درخشید

بر دوست همان روز که با حنجره ی خون
گفتی تو «بلی» کرب و بلا در تو درخشید

شد کرب و بلا کعبه ی تو، حج تو مقبول
گفتی تو چو لبیک، بلا در تو درخشید

ای معجزه ی سرخ به ایثار تو سوگند
تو خون خدایی، که خدا در تو درخشید

رضا اسماعیلی

رسید اربعین

باز دلم خون شد و چشمم گریست
آن که درین روز چون من نیست کیست؟

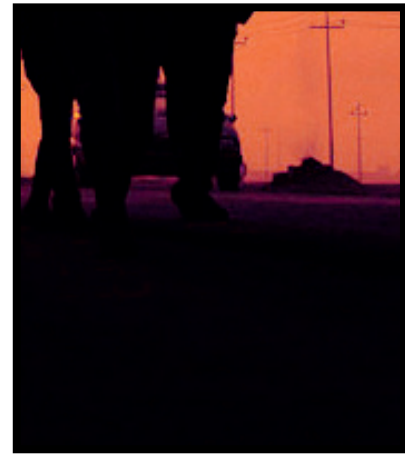
باز دگر باره رسید اربعین
جوش زند خون حسین از زمین

غرق تلاطم شده بحر محیط
یکسره درد است بساط بسیط

شد چهلم روز عزای حسین
جان جهان باد فدای حسین

محمد شریف صادقی (وفا)

اربعین؛ تجلی همگرایی انوار محبین در کانون خورشید امام(ع)



۲- اتخاذ رویکردی قرآنی در قبال مفهوم زیارت

زیارت قبور مطهر و منور اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، گذشته از آنکه به لحاظ محبت، ارادت و عرض حاجت شیعیان به آن حضرات معصوم، امری بسیار ممدوح و زیبا است، اما شاید بتوان ریشه این ارادت و محبت را در لایه‌هایی پنهانی‌تر و عمیق‌تر نیز مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، موضوع مورد بحث ما این است که به چه دلیل یا دلایلی - البته دلایلی عمیق‌تر از محبت، ارادت و عرض حاجت- دوستداران اهل بیت پیامبر (ص)، به این رفتار، یعنی زیارت اهل بیت (علیهم السلام)، شدیداً انس داشته و هنگام زیارت، سر از پا نشناخته، به سوی جسم نازنین امام (ع) روانه می‌شوند؟

شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که موجب چنین جذبه‌ای به سمت قبور مطهر ائمه (علیهم السلام) می‌شود، نیاز فطری شیعیان برای تقرب به وجود نازنین امام (ع)، همنشینی با او و بردن حظ و بهره کامل از این همنشینی باشد؛ نیازی که آنان شدیداً تمایل به ارضای آن دارند؛ به این معنا که در نظام تکوین و در سیر

آن اظهار محبت و مودت جوانحی و ابراز طاعت و تبعیت جوارحی است.

از تعریف بالا به خوبی پیداست که آیین زیارت، در قبال حضرات معصومین (ع)، دارای بالاترین وجه اعتبار و تعظیم است؛ زیرا آن بزرگواران، در مقام برترین و کامل‌ترین مزور، شایسته برترین نوع زیارت هستند.

اما از تعاریف لفظی و اصطلاحی این کلمه که عبور کنیم، وارد وادی مفاهیم مرتبط با زیارت خواهیم شد.

درخصوص مفهوم زیارت باید گفت مفهوم و حقیقت وجودی زیارت، از منظرهای مختلف قابل بحث و بررسی است. در یک تعریف ساده، مفهوم و روح زیارت عبارت است از ارتباط و اتصال زائر با مزور که این ارتباط، ارتباطی زنده، موثر و حیات‌بخش است. ما در این مجال قصد داریم با اتخاذ رویکردی قرآنی، از مفهومی والا و ارزشمند برای مقوله زیارت رمزگشایی کنیم.

۱- تعریف زیارت

زیارت در لغت عبارت است از تمایل و میل کردن؛ خواه از دور باشد یا از نزدیک و خواه با گرایش قلبی و قصد همراه باشد یا نه؛ و اعم از این است که با اکرام و تعظیم مزور (زیارت‌شونده) همراه باشد یا خیر. اما در اصطلاح دینی، زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم‌گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد و این معنا در مرتبه برین و کامل خود، همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی نسبت به مزور را با خود دارد.

البته ناگفته پیداست که هرچه مزور برتر و کامل‌تر باشد، قصد جدی‌تر و درجه تکریم و تعظیم نیز برتر بوده که شاهد

بیان می‌دارد که منجر به آشنایی ابراهیم (ع) با ملکوت شده است. بعد از آنکه این ماجرا به پایان می‌رسد، حالا دیگر آن حضرت با وجه ملکوتی آسمان‌ها و زمین آشنا است و می‌داند که جنس ملکوت چیست. به دیگر سخن، او می‌داند که خداوند با چه وجهی از وجوه خدایی خود،



ملکوت آسمان‌ها و زمین را آفریده است. درست همین جاست که اقرار می‌دارد: **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**. بله! او فهمیده است که خداوند با صفت فاطریت خویش، ملکوت آسمان‌ها و زمین را آفریده؛ لذا جنس ملکوت، از جنس فطریات است؛ به بیانی دیگر، جایگاه مقولات فطری، عالم ملکوت است. جالب است! اگر یک بار دیگر با دقت به آیات ۷۶ تا ۷۸ سوره مبارکه

پیشینه است. طبری در مجمع البیان می‌نویسد: «اصل الفطر الشق»، معنای اصلی فطر، شکافتن است. همچنین فطرت از ماده «فَطَرَ» است و به دلیل ساختار لفظی خاص (وزن «فَعْلَه»)، افزون بر معنای عمومی آفرینش و خلقت - که از اصل ماده «فَطَرَ» به دست می‌آید- بیانگر آفرینش ویژه و خاص است. استاد مطهری با عنایت به همین نکته در تعریف فطرت می‌نویسد: «فطرت یعنی حالت خاص و نوع خاص از آفرینش، مثل لغت (جلسه) و (رکبه) که نوع خاصی از نشستن و سوار شدن است.»

از مجموع مطالب چند سطر اخیر، اینطور برمی‌آید که فطرت، نوع خاصی



زیارت قبور مطهر و منور
اهل بیت عصمت و طهارت
(علیهم‌السلام)، گذشته از
آنکه به لحاظ محبت، ارادت
و عرض حاجت شیعیان به
آن حضرات معصوم، امری
بسیار مدح و زیبا است، اما
شاید بتوان ریشه این ارادت
و محبت را در لایه‌هایی
پنهانی تر و عمیق تر نیز مورد
بررسی قرار داد

از فطر است. لذا اگر می‌خواهیم مفهوم فطرت را - که در سطور ابتدایی، به‌عنوان بهانه اصلی زیارت ائمه (علیهم‌السلام) مطرح شده - کمی باز کنیم، باید به دنبال شکافتن مفهوم «فَطَرَ» در آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره انعام باشیم.

در آیه ۷۵، خداوند متعال بیان می‌فرماید که «و این چنین، ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین شود» و بعد طی آیات ۷۶ تا ۷۸، تفصیل ماجرای را

آفرینش بشر، این ماجرا در فطرت ما نهاده شده که وقتی در دنیا آمدیم، به دنبال شمع وجود امام معصوم (ع) باشیم و به سرعت به سمت او حرکت کنیم. این ماجرا، در حدیثی از قول حضرت زهرا (س) نیز نقل شده است که می‌فرمایند: «همانا رسول خدا (صلی علیه و آله) فرمود: مثل امام، چونان کعبه است که بر گردش می‌چرخند و او بر گرد چیزی نمی‌چرخد.» به تعبیر دیگر، فرمایش حضرت زهرا (س) به نقل از پدر بزرگوارشان، مبتنی بر این اصل است که ای شیعیان ما! همان‌طور که هنگام ورود به مسجدالحرام، بدون کوچک‌ترین توجهی به حواشی، باید مستقیم به سمت کانون آن، یعنی کعبه بیایید و به دور آن طواف کنید، هنگامی هم که پا به دنیا گذاشتید، باید فقط و فقط به دنبال امام (ع) گشته، او را پیدا کنید و گرد شمع وجود او پروانه‌وار طواف کنید. طبیعی است که این رفتار، در قبال تمام جنبه‌های وجودی امام معصوم (ع) صادق است، از جمله جسم مادی امام (ع) که از این جنبه، منجر به زیارت قبر امام معصوم می‌شود.

لذا باید ریشه این میل و رغبت به زیارت را در کلیدواژه «فطرت» جست‌وجو کرد.

برای بررسی و موشکافی بیشتر این کلیدواژه، بهترین راه، مراجعه به قرآن عظیم‌الشان است. خداوند در آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره انعام، ماجرای حضرت ابراهیم (ع) را مطرح می‌کند. در آیه ۷۹، خداوند از زبان حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید: **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**. در این آیه شریفه، حضرت ابراهیم، بعد از ماجرای که در خلال آیات ۷۵ تا ۷۹ برایش پیش آمده، به صفت «فاطریت» خداوند متعال اشاره می‌کند، اما منظور از واژه «فَطَرَ» در این آیه شریفه چیست و چه ارتباطی با فطرت می‌تواند داشته باشد؟ واژه «فَطَرَ» در لغت به معنای شق کردن و نیز به معنای آفرینش ابتدایی و بدون

انعام مراجعه کنیم، می‌بینیم که ابراهیم (ع)، به دنبال منبع نوری است که در تاریکی شب، بتواند آن نور را به عنوان «رب» خود بگیرد و از نورش بهره ببرد. به لحاظ همین نیاز فطری است که ابتدا به ستاره، سپس به ماه و دست آخر به خورشید متوسل شده، اما نهایتاً با مشاهده کردن ملکوت آسمان‌ها و زمین از جانب ا... «و کذلک نرى ابراهیم ملکوت السماوات و الارض»، متوجه می‌شود که آن نور عظیم، ازلی و ابدی، خورشید ملکوت است. خورشیدی که افول در کارش نبوده و ابراهیم (ع) در همه حال می‌تواند به او پناه برد و از همه مهم‌تر آنکه این نور می‌تواند او را به مقام یک انسان «موقن» و «حنیف» برساند.

اکنون به جای جالب ماجرا رسیدیم. اینکه این منبع نورانی عظیم، ازلی و ابدی یا به تعبیری این خورشید ملکوتی دقیقاً چیست؟ برای پاسخ به این سوال، به ذکر سه روایت نورانی در این خصوص می‌پردازیم: ۱- در کتاب شریف بحار الانوار، ابن عباس از قول امیرالمومنین (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «... لَأَنَا خُلِقْنَا مِنْ نُورٍ ا... وَ خُلِقَ شِيعَتُنَا مِنْ شُعَاعِ نُورِنَا»؛ «ما از نور خدا خلق شدیم و شیعیان ما از شعاع نور ما خلق شدند».

۲- در جایی دیگر از این کتاب و از قول امام باقر (ع) روایت شده است که در خلال حدیثی طولانی فرمودند: «... ثُمَّ خُلِقَ شِيعَتُنَا وَ إِنَّمَا سَمَوْا شِيعَةً لِأَنَّهُمْ خُلِقُوا مِنْ شُعَاعِ نُورِنَا»؛ «سپس شیعیان ما را خلق کرد و آنها شیعه نامیده شدند زیرا که از شعاع نور ما خلق شدند».

۳- حسن ختام این سه حدیث، حدیث شریفی است که شامل گفت‌وگویی میان مفضل بن عمر و وجود نازنین امام صادق (ع) است که ترجمه آن به شرح زیر است:

امام صادق (ع) فرمود: «آگاه باش ما از نور خدا خلق شدیم و شیعیان

ما از مادون آن نور و هنگامی که روز قیامت فرا برسد، پایین‌ترین (مادون) به بالاترین ملحق می‌شود. سپس آن حضرت بین دو انگشت مسبحة و انگشت وسط را جمع کرد و فرمود: مانند این دو. سپس آن حضرت فرمودند: ای مفضل! آیا می‌دانی که چرا شیعه، شیعه نامیده شد؟ ای مفضل! شیعیان ما از ما هستند و ما از شیعیان مان. آیا نمی‌بینی که این خورشید از کجا شروع به حرکت می‌کند؟ گفتم از مشرق. سپس فرمود: به سوی کجا برمی‌گردد؟ گفتم به سوی مغرب. امام (ع) فرمود: شیعیان ما چنین هستند. از ما شروع می‌شوند - شروع به حرکت می‌کنند - و به سوی ما برمی‌گردند».

بسیار زیبا و قابل تامل است که با ذکر این سه حدیث شریف از زبان مبارک اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، از ریشه‌یابی علت زیارت حرم‌های مطهر اهل بیت (علیهم‌السلام) به اصل و ریشه تشیع پی بردیم! اکنون درک می‌کنیم که چرا شیعیان حقیقی، خود را ملزم می‌کنند در هر سال و در ایام اربعین حسینی (ع)، به زیارت امام حسین (ع) مشرف شوند و بعد از بازگشت به شهر و دیارشان، بی‌صبرانه در انتظار زیارت بعدی هستند. آری! حقیقت شیعه - به فرمایش امام صادق (ع) - شعاع نوری است که از خورشید ملکوتی وجود امام (ع) ساطع شده و بعد از مدتی مجدداً به سوی آن نور عظیم انابه کرده، باز می‌گردد و در تمام مدتی که از اصل خویش دور است، با بی‌صبری تمام، مشتاق بازگشت به سمت آن نور عظیم، ازلی، ابدی و در کمال حسن است.

اربعین حسینی، از این منظر، صحنه‌ای سراسر نورانی است که در آن، هرساله میلیون‌ها ذره نورانی که در سرتاسر عالم پراکنده شده‌اند، در این ایام همگی به حکم فطرت‌شان، روبه سوی خورشید ملکوتی وجود

امام حسین (ع) کرده و سعی می‌کنند شعاع ناچیز وجودشان را هرچه سریع‌تر به اصل وجودی‌شان (منبع حقیقی نور) برسانند و طبیعی است که در این میان، هرچه تعداد این انوار بیشتر و حرکت به سوی خورشید وجود امام (ع) پرخروش‌تر باشد، نورانیت این ماجرا نیز بیشتر خواهد بود.

۳- زیارت اربعین؛ کلاس درسی برای تمرین نصرت امام زمان (عج)

زیارت اربعین به این منوال، برای دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، مروج سبک زندگی فطری و مهدوی (عج) است، به این معنا که ذرات ناچیز نور وجود آنها، همواره بی‌قرار رسیدن به منبع حقیقی نور یا همان خورشید ملکوت است و این اتفاق، هرسال با صحنه اربعین تکرار می‌شود. شیعه

حقیقی آن کسی است که شعاع وجودش، همواره بی‌قرار رسیدن مجدد به خورشید باشد، یعنی به محض آنکه زیارت اربعین امسال به پایان رسید و او از سفر بازگشت، شعاع وجودش بی‌صبرانه منتظر فرارسیدن اربعین سال بعد و الحاق دوباره به آن خورشید ملکوتی باشد. این صحنه‌ها، به مثابه کلاس درسی است که ما بتوانیم در قالب آن، رفتار صحیح و خدایسندانه در قبال امام زمان‌مان را هرساله تمرین کنیم. پیاده‌روی اربعین برای این است که من شیعه - که روزی به سبب غیبت مولایم امام زمان (عج)، از خورشید وجودش دور شدم - یاد بگیرم که



کربلا در اربعین اول از جمله منکران این دیدگاه، سیدبن طاووس است، علی‌رغم آنکه بسیاری او را از مدافعان این دیدگاه می‌دانند. همچنین از دیگر منکران این دیدگاه می‌توان به این افراد اشاره کرد: علامه مجلسی، میرزا حسین نوری، شیخ عباس قمی، ابوالحسن شعرانی، استاد مطهری، محمدابراهیم آیتی و استاد سیدجعفر شهیدی.

۴-۲- مدافعان دیدگاه ورود اهل بیت به کربلا در اربعین اول از جمله مدافعان این نظریه عبارتند از: ابوریحان بیرونی، مستوفی هروی (از مورخان قرن ششم و مترجم کتاب «الفتوح» ابن اعثم)، ملاحسین واعظ کاشفی، شیخ بهایی، میرزا محمد اشراقی (معروف به ارباب) و سید محمدعلی قاضی طباطبایی (شهید محراب).

در این میان، یکی از سرسخت‌ترین انکارکنندگان دیدگاه ورود اهل بیت به کربلا در اربعین اول، میرزا حسین نوری مشهور به محدث نوری است که در کتاب «لؤلؤ و مرجان»، با ایراد هفت اشکال، بیش از همه در رد این دیدگاه کوشیده است. در مقابل، قاضی طباطبایی، در کتاب خود، با این استدلال که: «شبهاتی که ناظر به انکار دیدگاه پیش گفته است، تماما «استبعادهایی» است که براساس برخی احتمالات و حدسیات و البته در زمان‌های متاخر، اذهان را مشوش و پریشان کرده و مدرک و مستندی برای آنها وجود ندارد»، سعی کرده اشکالات وارده از سوی محدث نوری را تمام‌آرد کند.

لازم به ذکر است شرح ردیات شهید محراب بر اشکالات محدث نوری، در کتاب خود ایشان آمده و البته شرح مختصرتر آن نیز در کتاب «تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا (ع)» بیان شده است.

از مجموع مطالب بالا، به خصوص

در کتاب خود با عنوان «بشاره المصطفی لشيعه المرتضى» به تفصیل و به‌طور مسند، داستان زیارت جابر و عطیه عوفی را گزارش کرده است، اما در آن سخنی از ملاقات وی با اهل بیت امام حسین (ع) به میان نیاورده است.

۲- روایت دوم، گزارش سیدبن طاووس است که زیارت جابر و جمعی از بنی‌هاشم را به اختصار بیان کرده، اما به آن ماجرای ملاقات جابر با اسرای اهل بیت را نیز که از شام بازمی‌گشتند، افزوده است؛ بدون اینکه روز وقوع این ملاقات را مشخص کند.

اصل حضور اهل بیت امام حسین (ع) در کربلا بعد از شهادت آن حضرت و نیز تعیین زمان این حضور - در صورتی که اصل حضور را بپذیریم - یکی از مسائل مبهم و پیچیده در تاریخ عاشورا است، چراکه بیشتر منابع حدیثی و تاریخی، در این باره گزارش‌های مجملی دارند که از آنها نمی‌توان به‌طور قطعی نتیجه گرفت که این حادثه در روز بیستم صفر سال ۶۱ هجری رخ داده است. آنچه بسیاری از منابع کهن از آن سخن گفته‌اند، این است که در این روز، سر امام حسین (ع) به بدنش ملحق شده است. همچنین گفته‌اند بیستم صفر روزی است که خاندان امام حسین (ع) از شام به مدینه بازگشتند.

مجموع این اقوال و گزارش‌ها سبب شده در قرون متاخر، دو دیدگاه متضاد درباره این موضوع در میان اندیشمندان شیعه پدید آید:

گروهی بر دیدگاه ورود اهل بیت به کربلا در بیستم صفر سال ۶۱ هجری (اربعین اول) پافشاری می‌کنند و دسته‌ای دیگر، منکر وقوع این ماجرا در اربعین اول هستند. هر یک از این دو دیدگاه، مدافعان خود را دارد که در اینجا به مهم‌ترین این مدافعان اشاره خواهیم کرد:

۴-۱- منکران دیدگاه ورود اهل بیت به

در لحظه لحظه‌ی دوران غیبت ایشان، باید بی‌صبرانه به فکر بازگشت به سوی او باشیم، اما نه با سکون؛ بلکه با حرکت. نکته کلیدی این رفتار در اینجا است که این من هستیم که باید با عزم راسخ به سمت مولایم، امام زمان حرکت کنیم و شعاع ناچیز خود را به خورشید وجودش برسانیم و به او ملحق شوم و او را نصرت کنیم، نه آنکه قاعدانه و در کنج عزلت نشست، در نهایت سکون، منتظر باشیم خورشید، خودش را به شعاع ناچیز من برساند.

۴- بحثی تاریخی پیرامون فلسفه زیارت اربعین: اکنون که چندکلامی پیرامون مفهوم زیارت اربعین باهم صحبت کردیم، بد نیست نگاهی هم داشته باشیم به تاریخچه پیدایش این زیارت تا از رهگذر آن، بتوانیم فلسفه حقیقی زیارت اربعین سیدالشهدا (ع) در صحرای کربلا را بهتر درک کنیم.

در میان شیعه مشهور است که در روز بیستم صفر، صحابی بزرگ رسول خدا، جابر بن عبد الله... انصاری، قبر مطهر امام حسین (ع) را زیارت کرد و اهل بیت نیز که در همان روز در راه بازگشت از شام، به کربلا رسیده بودند، جابر را در آنجا ملاقات کردند. همچنین مشهور است که در این روز، سر امام حسین (ع) به بدن ملحق شد.

داستان جابر و زیارت قبر امام حسین (ع) در منابع تاریخی، با دو روایت آمده است:

۱- نخست نقل ابوجعفر محمد ابی‌القاسم طبری امامی (از دانشمندان قرن ششم) است که

پاسخ‌های روشنگرانه قاضی طباطبایی به شبهات میرزا حسین نوری، می‌توان امکان حضور اهل بیت در اربعین سال ۶۱ هجری بر مزار امام را نتیجه گرفت. البته جدای از استدلال‌ها و دلایل مدافعان این دیدگاه (همچون ابوریحان بیرونی، مستوفی هروی و شیخ بهایی)، شواهد و قرائن دیگری نیز برای اثبات دیدگاه حضور اهل بیت در کربلا در اربعین اول وجود دارد:

الف- بنا بر قول معروف، الحاق سر مطهر امام حسین (ع) به بدن آن حضرت، توسط امام زین العابدین (ع) و در روز اربعین صورت گرفته است. چنانکه شیخ صدوق و ابن قتال نیشابوری به این موضوع تصریح کرده‌اند. همچنین از آنجایی که در منابع تاریخی، هیچ گزارشی در دست نیست که نشان دهد امام سجاد (ع) در زمان دیگری - غیر از اربعین اول - به کربلا آمده است، بنابراین چاره‌ای نمی‌ماند جز آنکه حضور امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت رسول خدا بر سر مزار امام حسین (ع) را در همان روز اربعین اول بدانیم.

ب- درباره استحباب زیارت اربعین، دو روایت در دست است: یکی تعلیم زیارت اربعین به صفوان بن مهران جمال توسط امام صادق (ع) و دیگری روایت امام حسن عسکری (ع) که زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های مومن بیان می‌کند. نظر به اهمیت زیارت اربعین نزد امامان شیعه، آیا به راستی سبب این استحباب می‌تواند تنها حضور یک صحابی بر سر قبر امام حسین (ع) در روز اربعین باشد؟! پس به نظر می‌رسد در این روز باید اتفاقات مهم دیگری نیز افتاده باشد تا این درجه از اعتبار و استحباب برای زیارت اربعین، معنا پیدا کند. بنابر این الحاق

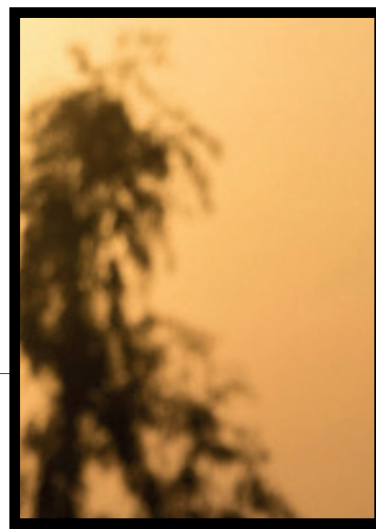
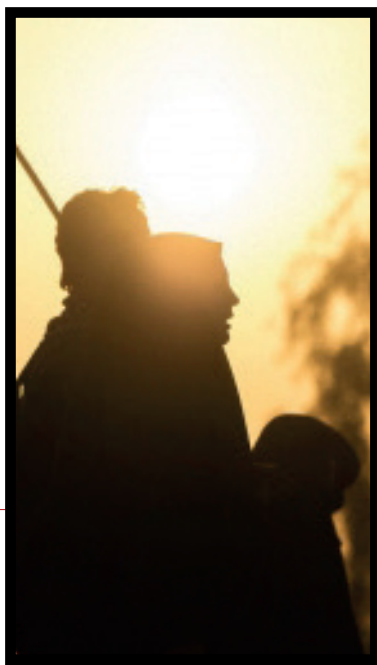
سر مطهر امام حسین (ع) به بدن آن حضرت و حضور اهل بیت در این ماجرا - که در میان آنان امام معصوم، یعنی امام سجاد (ع) هم حضور داشته - می‌تواند وجه استحباب زیارت اربعین را توجیه کند؛ چنانکه براساس گزارش ابن شهر آشوب، شیخ طوسی نیز وجه توصیه امامان به زیارت اربعین را الحاق سر مبارک امام به بدن مطهرش دانسته است. مجلسی نیز با استناد به قول مشهور، یکی از وجوه احتمالی در استحباب زیارت اربعین را همین امر بیان کرده است، اگرچه خود او در ادامه کلامش در کتاب بحار، وقوع چنین امری را به لحاظ زمانی، بسیار بعید می‌داند. (پیشتر گفتیم که وی نیز در زمره منکران دیدگاه معروف حضور اهل بیت در کربلا در اربعین اول است.)

ج- درباره اینکه سر مبارک امام حسین (ع) کجا دفن شده است، منابع تاریخی شیعی و سنی اقوال مختلفی را گزارش کرده‌اند، اما قول مشهور در میان علمای امامیه آن است که سر مطهر امام، به بدن آن حضرت ملحق و در کنار آن دفن شد. گرچه طرفداران این قول، نوعاً تاریخ این واقعه را معین نکرده‌اند، اما گروهی از دانشمندان شیعه و اهل سنت مانند ابن شهر آشوب، ابوریحان بیرونی، مستوفی هروی، قرطبی، قزوینی، نوبیری و مناوی تصریح کرده‌اند که دفن سر مطهر همراه بدن، در بیستم صفر (اربعین) صورت گرفته است. گواهی این دانشمندان بر دفن سر مطهر همراه بدن در اربعین، تلویحاً ورود امام سجاد (ع) و اهل بیت را در

چنین روزی به کربلا تایید می‌کند. از مجموع آنچه گذشت روشن می‌شود که اگرچه از نظر متن اخبار تاریخی و حدیثی، اثبات حضور اهل بیت در روز اربعین [اول]، یعنی بیستم ماه صفر سال ۶۱ هجری قمری بر سر مزار سیدالشهدا (ع) چندان آسان نیست، اما با توجه به قرائن و شواهدی که برای حضور اهل بیت در کربلا در روز اربعین بیان شد، پذیرفتنی است که اهل بیت امام حسین (ع) در این روز موفق به زیارت مزار سیدالشهدا (ع) شده باشند.

۵- نتیجه

زیارت اربعین، تجلی همگرایی میلیون‌ها شاعر نورانی در کانون خورشید وجود سیدالشهدا (ع) است. این رفتار، بهترین کلاس درس برای آمادگی پاک‌طینتان عالم جهت عبور از بزرگ‌ترین آزمون بشریت در انتهای دوران است تا با تمرین هر ساله این رفتار، آمادگی شیعیان برای نصرت امام زمان (عج) بیشتر و بیشتر شود. زیارت اربعین، در عین آنکه تجلی‌گاه چنین رفتار زیبا و خدایسندانه‌ای است، از حیث تاریخی، دارای ریشه‌ها و استنادات متقن و محکم است که می‌تواند به‌عنوان پشتوانه فلسفی این زیارت نورانی و عظیم، ایفای نقش کرده و مقوم آن باشد.





عدد ۴۰ جایگاه ویژه‌ای
در دین ما دارد

ماجرای یک عدد مقدس

برخی اعداد نظیر پنج، هفت، دوازده و چهارده در دین ما به دلایلی دارای منزلت هستند. مثلاً عدد هفت به واسطه هفت آسمان و هفت شهر عشق و هفت مرحله سلوک عارفان و هفت دور طواف خانه خدا معروف شده است. عدد ۴۰ هم بارها در آیات و روایات و مناسبت‌های اسلامی ما شیعیان وارد شده، به گونه‌ای که بسیاری از بزرگان از اعجاب این عدد گفته‌اند و آن را مقدس دانسته‌اند. در حقیقت عدد ۴۰ در فرهنگ دینی و اسلامی ما و در میان سایر اعداد جایگاه ویژه‌ای دارد. اربعین شهادت سیدالشهدا (ع) و یارانش هم از اهمیت ویژه‌ای در فرهنگ حسینی برخوردار است که نشان دهنده همین اعجاب به حساب می‌آید. اینجا به بعضی دیگر از موارد کاربرد عدد ۴۰ در اسلام اشاره شده است.

« ۴۰ سالگی

حتماً می‌دانید که رسول خدا (ص) در زمان مبعوث شدن به رسالت، ۴۰ سال داشت. گفته شده که عدد ۴۰ در سن انسان‌ها، نشانه بلوغ و رشد فکری است. از ابن عباس نقل شده که: «اگر کسی ۴۰ ساله شد و خیرش بر شرش غلبه نکرد، آماده رفتن به جهنم باشد.»

« ۴۰ حدیث

اعتبار حفظ ۴۰ حدیث که در روایات

فراوان آمده، سبب تالیف صدها اثر به‌عنوان اربعین انتخاب ۴۰ حدیث و شرح و بسط آنها شده است. در روایات از قول معصوم آمده است که: «اگر کسی از اَمّت من، ۴۰ حدیث حفظ کند که در امر دینش از آنها بهره برد، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد.»

« ۴۰ در قرآن

در قرآن کریم واژه «اربعین» به معنای «چهل» در چهار آیه و مرتبط با سه موضوع دیده می‌شود. این چهار آیه عبارتند از آیه ۱۵ سوره احقاف، آیه ۲۶ سوره مائده، آیه ۵۱ سوره بقره و آیه ۱۴۲ سوره اعراف.

« ۴۰ روز بندگی

در روایتی از حضرت رسول خدا (ص) آمده: «هر بنده‌ای که ۴۰ صباح با خلوص نیت و عمل به درگاه خداوند برود، چشمه‌های حکمت از قلب او به زبانش جاری شود.» همچنین حضرت امام محمدباقر (ع) فرموده‌اند: «هیچ بنده‌ای ۴۰ روز ایمان خود را برای خدا خالص ننمود مگر اینکه خدا او را به مقام زهد رسانید و در دنیا و درد و درمانش را به او نشان داد و حکمت را در قلبش ثابت و به زبانش جاری ساخت.»

« ۴۰ گناه کبیره

حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده که ایشان از قول امیرالمومنین (ع) فرموده‌اند: «هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه ۴۰ لطف و توفیق از ناحیه خداوند دارد تا اینکه ۴۰ گناه کبیره مرتکب شود. زمانی که ۴۰ گناه کبیره کرد، پرده‌ها و الطاف خدا برداشته شود.

« ۴۰ در عرفان

دانشمندان مسلمان به‌ویژه آنها که مشرب عرفانی دارند، به عدد ۴۰ در زمینه خودسازی به دیده اهمیت می‌نگرند و برای این عدد در فعلیت یافتن استعدادها و انسان و کامل شدن ملکات اخلاقی و پیمودن درجات معرفت تأثیری ویژه قائل هستند.

« ۴۰ در احادیث

عدد ۴۰ در بسیاری از روایات اسلامی و در بیان ثواب کاری آمده است. رسول خدا (ص) فرمودند: «کسی که برود به منزل اقوام و خویشان و تحفه‌ای ببرد تا صله رحم کند، خداوند به او اجر ۱۰۰ شهید عطا می‌فرماید و به هر قدم که برداشته ۴۰ هزار حسنه می‌نویسد و ۴۰ هزار سیئه محو نماید و ۴۰ هزار درجات او را بلند نماید و مثل این است که صد سال خداوند را عبادت کرده و با اعتقاد و خلوص و امید صبر کرده است.



زائران اربعین بهتر است آداب زیارت را رعایت کنند

زیارت خوب اربعینی‌ها

« **زیارات وارد شده از معصومین** یکی از آداب زیارت خواندن زیارتنامه‌های ماثوره است، یعنی خواندن زیارت‌هایی که از معصومین (ع) رسیده است، مانند زیارت جامعه و امین... یکی از آداب زیارت، خواندن زیارت‌های وارده است؛ می‌توان با زبان خود نیز زیارت کرد، ولی بهتر است زیارتی که از طرف ائمه معصومین به ما رسیده خوانده شود که شاید بهترین آنها برای همه امامان زیارت جامعه کبیره است. در روز اربعین خواندن زیارت اربعین جایگاه ویژه‌ای دارد.

« **خضوع و خشوع زائران حسینی** از حضرت امام صادق (ع) نقل شده چون به زیارت امام حسین (ع) بروی، آن حضرت را محزون و غمناک و ژولیده مو و غبارآلود و گرسنه و تشنه زیارت کن که آن جناب با این احوال شهید شد. به هر حال از جمله آداب زیارت، داشتن خضوع و خشوع هنگام زیارت است. خشوع، حالتی قلبی و درونی

بپرهیزند که بسیار با اهداف مقدس شهدا ناسازگار است. از زیارت طولانی پرهیز کنند و به زیارت مختصر بپردازند. محل را برای دیگران خالی بگذارند و به دستور «ز فانسرف»، زیارت کن و سریع برگرد، عمل کنند. خیلی‌ها دوست دارند که روز اربعین در زیر قبه حرم حاضر شوند. این فرصت را به یکدیگر بدهیم.

« **از حجاب تا نماز اول وقت** گردانندگان مواکب به مسائل فرهنگی توجه فراوان داشته باشند و از این رستاخیز عظیم برای آن استفاده کنند. نمازها را اول وقت بخوانند، خواهران حجاب را کاملاً رعایت کنند و از خرافاتی که موجب وهن این مراسم باشکوه می‌شود، خودداری کنند. حضور در این مکان نورانی، آن هم در ایام اربعین اباعبد... (ع) فرصت مغتنمی است که باید از تکتک لحظات آن بیشترین استفاده را کرد، پس وقت خود را به گشتن در مغازه‌های اطراف حرم، نگذرانید.

سفر اربعین قسمت هرکسی نمی‌شود. این طور نیست که شما تصمیم بگیرید و بعد هم راهی سفر اربعین شوید. خیلی‌ها خواسته‌اند و به هزار و یک دلیل نتوانستند روز اربعین در کربلای معلی باشند. باید دعوتی باشید تا راهی این سفر شوید. باید اذن را کس دیگری داده باشد تا این زیارت قسمت‌تان شود. اما اگر این توفیق عظیم نصیب‌تان شد، حتما سعی کنید آداب زیارت را رعایت کنید. حتما می‌دانید که این آداب، شامل آداب ظاهری و باطنی است. قطعاً کیفیت زیارت کردن و جزئیات زیارت خواندن و کم و کیف این تشریف و دیدار معنوی را نیز باید از اولیای دین آموخت. اینجا نکاتی درباره آداب زیارت گفته شده است.

« **زیارت کن و سریع برگرد** نکته اول این است که همگی سعی کنند نیت‌هایشان کاملاً خالص باشد، به همین دلیل از هرگونه تبلیغات شخصی و جناحی

خود باشند که بر سایر زائران و بندگان خدا که به سختی و مشقت به کربلا می‌روند، بزرگی نکنند و تکبر نورزند و آنان را به چشم حقارت نبینند. بی‌شک این سفر، جای برای مباحثات کردن به مال و اموال دنیایی نیست.

«غذای لذیذ انتخاب نکنید»

بسیار سفارش شده که زائر در سفر زیارت آن حضرت، توشه خود را از غذاهای لذیذ مانند بریانی و حلواجات قرار ندهد، بلکه نان با شیر یا ماست زیاد بخورد. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «شنیدم جماعتی به زیارت امام حسین (ع) می‌روند، و با خود سفره‌هایی برمی‌دارند که در آنها بزغاله‌های بریان و حلواجات هست، اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند قطعاً این خوراکی‌ها را با خود برنمی‌دارند.»

«نماز، نماز و باز هم نماز»

ابن قولویه از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «هرگاه حاجتی داشتی، نزد قبر امام حسین (ع) برو، چهار رکعت نماز بخوان و حاجت خود را بطلب. نماز فریضه نزد آن حضرت برابر است با حج و نماز نافله برابر با عمره. همچنین از امام صادق (ع) نقل شده که هرکس پیاده به زیارت امام حسین (ع) برود، خداوند به تعداد هر قدمی که بر می‌دارد، هزار حسنه برایش می‌نویسد و هزار گناه از او محو می‌کند و هزار درجه در بهشت او را بالا می‌برد.

«کم سخن گفتن در زیارت»

از ثقه جلیل‌القدر محمد بن مسلم روایت شده است که به حضرت باقر (ع) عرض کرد: «ما زمانی که به زیارت پدرتان حسین بن علی (ع) می‌رویم آیا چنین است که در حج خانه خداییم؟ فرمود: آری، عرضه داشت: پس آنچه بر حاجیان لازم است بر ما لازم است؟ فرمود: بر تو لازم است با هرکه رفیق توست نیکو مصاحبت کنی و بر تو لازم است که کم سخن بگویی، مگر سخن خیر. و بر تو لازم است که بسیار یاد خدا کنی و لازم است که جامه‌هایت پاکیزه باشد.»

«مجادله کردن ممنوع»

از جمله آداب زیارت، انجام ندادن بعضی کارهاست. مثل پرهیز از اموری که خدا از آنها نهی فرموده مانند خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه‌هایی که در آن سوگند باشد. روایت شده که اگر زائری چنین رفتار کند به اندازه ثواب حج و عمره برایش نوشته خواهد شد. در ضمن بسیار سفارش شده که اگر کسی را می‌بینی که خرجش تمام شده از او دستگیری کنی و خرجی خود را بین او و خود به‌طور برابر قسمت کنی.

«بزرگی نکنید و تکبر نورزید»

از مسائلی که در سفر زیارت امام حسین (ع) مستحب است، تواضع و فروتنی و خشوع و راه رفتن همانند بنده ذلیل است، پس کسانی که در راه زیارت آن حضرت، بر این مرکب‌های جدید سوار می‌شوند، باید خیلی متوجه

است که از معرفت و محبت به یک مقام و شخصیت در دل ایجاد می‌شود. این خشوع قلبی، خضوع اعضا و جوارح را پدید می‌آورد.

«ورود با ذکر و تسبیح و تکبیر»

آرامش و وقار ظاهری، نشان طمأنینه درونی است. رفتار شتاب‌زده هم گویی باطن آشفتگی و نابسامانی است. در توصیه مربوط به زیارت آمده است که با وقار و آرامش راه بروید، قدم‌ها را کوچک بردارید، حالت طمأنینه داشته باشید، با حالت ذکر و تسبیح و تکبیر، وارد حرم و مزار شوید. بزرگان بسیاری گفته‌اند که حالات شکلی زائران و آداب ظاهری آنها، در باطن و درون زائران هم اثر می‌گذارد. پس زیارتی باوقار و آرام داشته باشید.

«ذکر قبل و هنگام زیارت امام (ع)»

در زیارت امام حسین (ع) روایت شده که قبل از زیارت و در بدو ورود، صد مرتبه... اکبر، صد مرتبه لا اله الا... و صد مرتبه صلوات بگویند. همچنین در روایت است: هنگام زیارت وقتی مقابل قبر امام معصوم قرار گرفت، بگوید: «لا اله الا... وحده لا شریک له» و با بیان این جمله، ثواب بسیار برای او نوشته می‌شود. در ضمن توصیه شده که پیش از آنکه راهی زیارت شوی غسل کنی، نماز بسیار بخوانی و بر محمد و آل محمد صلوات بسیار بفرستی.

«تواضع در پیشگاه خداوند»

ذکر گفتن و خدا را به یکتایی ستودن و او را بزرگ شمردن، در همه حال خوب است و در حرم‌های مطهر اولیای الهی که مظهر اخلاص و توحید و ذکر و تسبیح‌اند، خوب‌تر. از آدابی که برای زیارت مرقد‌های مطهر بیان شده، گفتن تکبیر و تهلیل هنگام تشریف است. یاد خدا و حمد و ستایش او و ذکر توحید و تسبیح و تنزیه هم توجه دادن به عظمت خداوند است؛ چراکه عظمت چنین شخصیت‌هایی در عبودیت و تواضع در پیشگاه خداست.

ثواب انفاق کردن در زیارت امام حسین (ع)

عبدالله بن سنان می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم پدرت درباره انفاق در راه حج می‌فرمودند به هر دره‌می که در این راه خرج کنی برای او هزار درهم حساب می‌شود. کسی که در مسیر زیارت امام حسین (ع) انفاق می‌کند برای او چیست؟»

حضرت فرمودند: به هر دره‌می که در این مسیر صرف می‌کند، هزار هزار هزار (تا ده مرتبه هزار را تکرار کردند) برای او حساب می‌شود و علاوه بر این رضایت و خشنودی خداوند و دعای خیر پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و ائمه معصومین (ع) برای اوست.»

مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۱۴



ایرانی‌ها
با خوراکی‌ها
و غذاهای نذری
مسیر پیاده‌روی اربعین
خاطره‌های بسیاری دارند

نذری دادن به سبک عراقی‌ها

آنهایی که تجربه پیاده‌روی اربعین از نجف به کربلا را داشته‌اند خوب می‌دانند که چقدر نذری‌های عراقی‌ها در این مسیر زیاد است. در یکی، دو سال اخیر، ایرانی‌ها هم پای کار آمده‌اند و نذری‌هایشان را در طول این مسیر میان عزاداران تقسیم می‌کنند. این غذاهای نذری آنقدر زیاد است که شما در هر موقع از روز که اراده کنید، می‌توانید میهمان این سفره پربرکت حسینی باشید. البته غذاهای عراقی کمی با آنچه در ایران میل می‌کنید، تفاوت دارد. اینجا شما را با یک سری از این خوراکی‌ها آشنا می‌کنیم.

«بفرمایید شای»

اگر در طول مسیر نیاز به نوشیدنی گرم پیدا کردید، هر وقت اراده کنید شای پیش‌روی شماست. تقریباً به فاصله هرچند قدم میزبانان شما، شای یا همان چای را در کتری‌های بزرگ طلایی‌رنگی روی آتش تند آماده می‌کنند و با قند یا خرما برایتان سرو خواهند کرد. شای عراقی معمولاً در

استکان بلور و نعلبکی‌های پهن سنتی ریخته می‌شود و حس خوب یک چای قندپهلوی دبش را به شما خواهد داد.

«تجدیدقوا بالبلبی»

به جز عدسی، آش، سوپ، حلیم و غذاهایی که در ایران نمونه‌اش را خورده‌اید، میزبان عراقی با غذاهای سنتی‌اش از شما پذیرایی می‌کند. یکی از خوراکی‌هایی که ممکن است در مسیر پیاده‌روی اربعین بخورید «لبلبی» است؛ خوراکی‌ای که با نخود تهیه می‌شود و به همین دلیل می‌تواند منبع انرژی خوبی برای شما باشد؛ چون نخود دارای طبع گرم و خشک است و خوردن آن برای تقویت بنیه و تامین انرژی توصیه می‌شود. لبلبی در واقع نخود پخته‌شده با پیاز و آب و کمی آرد است که چاشنی‌های عربی به آن افزوده شده و اتفاقاً طعمش به ذائقه ما ایرانی‌ها هم نزدیک است. لبلبی را با سرکه یا آبغوره و آبلیمو می‌خورند.

«قیمه نجفی یا علاچی بخورید»

قیمه نجفی که به آن علاچی هم گفته می‌شود، جزء معروف‌ترین نذری‌های عراقی است که خیلی هم میان مردم این کشور طرفدار دارد. هرچند که اسم این غذا قیمه است، اما هیچ شباهتی به خورش قیمه ما ایرانی‌ها ندارد. این غذا یک مخلوط میکس شده مثل گوشت کوبیده است که با برنج سرو می‌شود و در پخت آن از گوشت قرمز، نخود، پیاز، رب گوجه‌فرنگی، گرد لیمو عمانی، زعفران، پودر یا عرق هل، نمک، زردچوبه و دارچین استفاده شده است. این غذا بسیار مغذی و سنگین است و اگر به خوردن غذاهای چرب حساسیت دارید، بهتر است مقدار کمی از آن را میل کنید.

«ته‌چین به سبک عراقی»

اگر به خانه یکی از میزبانان عراقی دعوت شوید (اتفاقی که معمولاً زیاد می‌افتد و آنها با جان و دل زائران اربعین را به خانه دعوت کرده و اکرام می‌کنند)،

رایج خورش «فاصولیه» است. این خورش با گوشت شترهایی که برای ادای نذر قربانی شده‌اند، تهیه می‌شود و در آن از لوبیاسبز، نعنای و جعفری و گردلیمو و ادویه‌های محلی استفاده شده است. این خورش رنگی سبز و سرخ دارد و با برنج سرو می‌شود.

« خورش لوبیا و سالاد

خورش لوبیاسفید هم یکی از رایج‌ترین نذری‌های عراقی است که در این روزها با آن از شما پذیرایی می‌کنند. این خورش مقوی و سالم است و به دلیل اینکه ادویه کمتری دارد به ذائقه ایرانی‌ها نزدیک‌تر خواهد بود. خورش لوبیا را با لوبیا سفید، گوشت گوساله، رب و ادویه کاری درست می‌کنند و با برنج باسماطی سرو می‌کنند. کنار این خورش احتمالا سالادی شبیه به سالاد شیرازی خودمان سرو خواهد شد.

« ماهی کبابی

عرب‌های مهربان عراق، در بخش‌هایی از مسیر سیخ‌های بلندی علم کرده‌اند که زیرشان آتش روشن است و ماهی‌های به سیخ کشیده شده را برای توزیع میان زائران کباب می‌کنند. این ماهی کبابی یکی از مجلسی‌ترین و خوش‌طعم‌ترین غذاهای نذری است که بدون برنج سرو می‌شود و در پخت آن از ادویه‌های مخصوص عربی استفاده شده است. بد نیست بدانید که پودر لیموعمانی و کاری، پای ثابت بیشتر ادویه‌های عراقی هستند.

« حمص اصل عراقی

حمص را به‌عنوان یک غذای لبنانی می‌شناسیم، اما عرب‌های عراق هم این خوراک خوشمزه و مقوی را زیاد درست می‌کنند. حمص با نخود پخته و له شده، ارده، سیر و چاشنی لیموترش درست می‌شود و به رنگ کرم است. این غذای نرم و لطیف معمولا با سالادی متشکل از گوجه‌فرنگی و خیار و سبزیجات معطر سرو می‌شود.

« زولبیای عراقی

زولبیا و بامیه عراقی هم از خوردنی‌های معروفی است که در این سفر میان زائران توزیع می‌شود. این زولبیا و بامیه درست شبیه همانی است که ماه رمضان‌ها در ایران می‌خورید، اما شیرین‌تر و شهدآگین‌تر.

« کبه‌های گرم و خوشمزه

اگر در سینی‌های روبی بزرگی که در کنار موکب‌ها چیده شده، لقمه‌های بیضی‌شکل طلایی‌رنگ دیدید، یکی از آنها را امتحان کنید. این لقمه‌های



احتمال زیادی دارد که با ته‌چین عراقی از شما پذیرایی کنند. این غذای سنتی بسیار مرسوم است و خوردنش می‌تواند تجربه خوب خوراکی شما در این سفر باشد. ته‌چین عراقی را با برنج، گوشت، بلغور گندم، هل و فلفل و ادویه می‌خک تهیه می‌کنند.

« عطر آشنای فلافل

یکی از خوراکی‌های خوشمزه‌ای که میزبان عراقی در طول مسیر با آن از شما پذیرایی خواهند کرد، فلافل عربی است. فلافل‌ها را در دیگ‌های بزرگی از روغن جوشان می‌بینید که سرخ می‌شوند و داغ و تازه لای نان جاجوش می‌کنند تا به دست شما برسند. این فلافل اصیل و خوش‌عطر و طعم را از دست ندهید.

« کباب‌های ملوکانه در راه

عراقی‌ها یک کباب کوبیده دارند به نام کباب ملوکی. یکی از غذاهایی که ممکن است با آن از شما پذیرایی کنند، همین کباب است. برای تهیه این غذا کباب کوبیده را با نان در تابه می‌گذارند، روی کباب را سبزیجات معطر و تازه ریخته و آن را با یک نان دیگر می‌پوشانند. سپس این تابه را با سس گوجه‌فرنگی پر کرده و مواد را در فر یا تنور می‌پزند. حاصل، غذایی خوش‌طعم، مقوی و بسیار لذیذ خواهد بود.

« دهان با دهینه شیرین می‌شود

یکی از پذیرایی‌های میزبانان عراقی شما، احتمالا دهینه یا حلوای عراقی خواهد بود. این حلوای بسیار چرب و گرم و پرکالری است و به همین دلیل، خوردن آن را به میانسال‌ها و افرادی که بیماری دیابت یا بیماری‌های قلبی عروقی دارند، توصیه نمی‌کنیم. دهینه با آرد، شیر پرچرب، کره، هل، شکر، شیره خرما، شیره انگور، پودر نارگیل و گردو تهیه می‌شود و رنگی روشن دارد.

« فاصولیه با گوشت شتر

در پذیرایی از زائران، یکی از نذری‌های



بزرگی جایگاه اربعین در کلام رهبر معظم انقلاب شکفتن شکوفه‌های عاشورایی

راه انداخته است- در اربعین پدید آمد. مغناطیس پرجاذبه حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جذب کرد؛ رفتن جابر بن عبد الله و عطیه به زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین، سرآغاز حرکت پربرکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و پی‌درپی این حرکت پرشکوه‌تر، پرجاذبه‌تر و پرشورتر شده و نام و یاد عاشورا را روزبه‌روز در دنیا زنده‌تر کرده است. ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

شهادت و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (ع) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل‌های بعد، از دست‌آورد شهادت استفاده زیادی نخواهند برد... درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل توفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت. ۱۳۶۸/۰۶/۲۹

«پیاده‌روی اربعین نشان‌دهنده این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا.» اینها توصیف مقام معظم رهبری از پیاده‌روی و راهپیمایی اربعین است که هر سال پرشورتر از سال‌های قبل در مسیر نجف به کربلا برگزار می‌شود. اینجا می‌توانید بخش‌هایی از بیانات معظم‌له را درباره جایگاه اربعین بخوانید.

«مغناطیس پرجاذبه حسینی»

«درس‌های اربعین حسینی اگر مجاهدت امام‌سجاد (ع) و زینب کبری (س) صورت نمی‌گرفت، واقعه عاشورا تا به امروز جوشان و زنده باقی نمی‌ماند. آن روزها هم مثل امروز

اربعین هم خود یک فروردین دیگر است. اولین شکوفه‌های عاشورایی در اربعین شکفته شد. اولین جوشش‌های چشمه جوشان محبت حسینی - که شط‌همیشه جاری زیارت را در طول این قرن‌ها به

«نهضتی که جاودانه شد»

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان

مجاهدین صدر اول است؛ از اصحاب بدر است؛ یعنی قبل از ولادت امام حسین، جابر بن عبد... در خدمت پیغمبر بوده و در کنار او جهاد کرده و کودکی، ولادت و نشو و نما می حسین بن علی (ع) را به چشم خود دیده است. جابر بن عبد... به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم، حسین بن علی را در آغوش می گرفت، چشم های او را می بوسید، صورت او را می بوسید، پیغمبر به دست خود در دهان حسین بن علی غذا می گذاشت و به او آب می داد؛ اینها را به احتمال زیاد جابر بن عبد... به چشم خود دیده بود. جابر بن عبد... به طور حتم از پیغمبر به گوش خودش شنیده باشد که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت اند. بعدها هم بعد از پیغمبر، موقعیت امام حسین (ع)، شخصیت امام حسین (ع) - چه در زمان خلفا، چه در زمان امیرالمومنین، چه در مدینه و چه در کوفه - اینها همه جلوی چشم جابر بن عبد... انصاری است. حالا جابر شنیده است که حسین بن علی (ع) را به شهادت رسانده اند. جگرگوشه پیغمبر را با لب تشنه شهید کرده اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه، عطیه با او همراه شده است. عطیه روایت می کند که: «جابر بن عبد... به کنار شط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه سفید و تمیز پوشید و بعد با گام های آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین (ع) روانه شد. آن روایتی که من دیدم این طور است، می گوید: وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «اللّٰه اکبر، اللّٰه اکبر، اللّٰه اکبر»؛ یعنی وقتی که می بیند چطور آن جگرگوشه پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهوات طغیانگران، این طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر می گوید. بعد می گوید: از کثرت اندوه، جابر بن عبد... روی قبر امام حسین (ع) از حال رفت، غش کرد و افتاد. نمی دانیم چه گذشته است، اما در این روایت می گوید، وقتی به هوش آمد، شروع کرد با امام حسین (ع) صحبت کردن: «السّلام علیکم یا آل اللّٰه، السّلام علیکم یا صفوة اللّٰه». ۱۳۸۵/۰۱/۰۱

« مثل یک رسانه پر قدرت

اربعین در حادثه کربلا یک شروع بود؛ یک آغاز بود. بعد از آنکه ماجرای کربلا روی داد و فداکاری بی نظیر اباعبد... (ع) و اصحاب و یاران و خانواده اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثه اسارت ها پیام را باید منتشر می کرد و خطبه ها و افشاگری ها و حقیقت گویی های حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) مثل یک رسانه پر قدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهت گیری را در محدوده وسیعی منتشر می کرد و کرد. خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرأت این را پیدا نمی کنند که حقایقی را که فهمیده اند، در عمل خودشان نشان بدهند؛ چه کسی جرأت می کرد، چه کسی توانایی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده در گلولی مومنین باقی بود. این عقده روز اربعین اولین نیشتر را خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد. ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

« اربعین به روایت رهبر معظم انقلاب

چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا - که بعضی روایت کرده اند - درست باشد یا درست نباشد، ظاهرا در این تردیدی نیست که جابر بن عبد... انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین - که نام او را بعضی عطیه و بعضی عطاء گفته اند و احتمال دارد عطیه بن حارث کوفی حمدانی باشد؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده - این راه را طی کردند و در این روز بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند. شروع جاذبه مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبد... را از مدینه بلند می کند و به کربلا می کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن های متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دل شان زنده است. این از آن روز شروع شده است؛ عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان. جابر بن عبد... جزء



66

اساسا اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید

قدرت های ظالم و ستمگر از تبلیغات دروغ، مغرضانه و شیطنت آمیز حداکثر استفاده را می بردند و اربعین حسینی به ما این درس را می دهد که باید یاد حقیقت و خاطره شهادت را در مقابل توفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت.

۱۳۶۸/۰۶/۲۹

ماجرای پیاده‌روی اربعین حسینی در گفته‌های بزرگان و علما دلی چون جابر اندر جست‌وجوی کربلا دارد

انگار نه انگار که بیش از ۱۴۰۰ سال از آن واقعه بزرگ گذشته است. حالا میلیون‌ها نفر جا پای جابر بن عبد... انصاری و عطیه کوفی می‌گذارند تا پیاده راهی کربلا شوند. انگار قرار نیست این زخم کهنه هیچ وقت التیام یابد. بزرگان و علمای زیادی هم همراه مردم به‌طور خودجوش با پای پیاده به سوی کربلا حرکت می‌کنند تا همزمان با سالروز رسیدن کاروان حسینی به کربلا خود را به حرم سرور آزادگان برسانند. بسیاری از بزرگان و علما بر جایگاه عظیم این پیاده‌روی و این تجمع باشکوه حسینی در کربلا تاکید کرده‌اند، که اینجا می‌توانید برخی از این گفته‌ها را بخوانید.



او درباره مراقبه و بزرگداشت روز اربعین حسینی چنین می‌گوید: «به هر روی بر مراقبه‌کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش (ع) زیارت کند، هر چند تنها یک بار در تمام عمرش باشد. چنانکه حدیث شریف، علامت‌های مومن را پنج امر ذکر کرده است: ۵۱ رکعت نماز در شبانه‌روز، زیارت اربعین، انگشت در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن و بلند بسم‌ا... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گفتن در نمازها.» (ترجمه المراقبات، کریم فیضی، صفحه ۸۵)

انصاری در روز اربعین از مدینه به سمت کربلا رهسپار شد، تاکنون ۱۳۷۳ سال می‌گذرد. در این سال‌ها علما و اولیای الهی برای زیارت سیدالشهدا (ع) در روز اربعین اهمیت و جایگاه والایی قائل بودند و با پای پیاده از نجف اشرف به سوی کربلا رهسپار می‌شدند. بی‌شک جابر بن عبد... نخستین زائر کربلای معلی در روز اربعین سال ۶۱ هجری است. این سنت حسنه نیز در سال‌های حضور ائمه معصومین (ع) با وجود حکومت سفاک و خونریز اموی و عباسی انجام شده است.»

آیت‌ا... میرزا جواد آقا ملکی تبریزی:

«حتی یک بار در تمام عمر

علما و مراجع تقلید بسیاری تا به حال پای پیاده از نجف به کربلا رفته‌اند. یکی از این بزرگان میرزا جواد آقا ملکی تبریزی یکی از مراجع عالیقدر جهان تشیع بود که خود بارها با پای پیاده از عتبه علویه، رهسپار عتبه حسینی شده است.



آیت‌ا... بهجت (ره):

« سنتی که توسط ائمه معصومین (ع) هم انجام شد

آیت‌ا... بهجت یکی از بزرگانی بود که همواره بر فضیلت زیارت سیدالشهدا (ع) در روز اربعین تاکید داشتند. ایشان فرموده‌اند: «امام زمان (عج) پس از ظهور، خود را به واسطه امام حسین (ع) به همه عالم معرفی می‌کند، بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین (ع) را شناخته باشند و پیاده‌روی اربعین بهترین فرصت برای این کار است. از هنگامی که نخستین زائر مضجع منور اباعبد... الحسین (ع)، جابر بن عبد...



زنجانی همچنین درباره پیاده سفر کردن به کربلا می‌گوید: «امام حسن و امام حسین (ع) پیاده به مکه می‌رفتند و این خودش، یک نوع احترام است؛ حتی در روایتی در کتاب بحارالانوار در معجزات امام حسن (ع) اشاره شده که آن حضرت در بازگشت از مکه به مدینه، با پای پیاده حرکت می‌کردند تا بدانجا که پاهای ایشان ورم می‌کند.»



حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی:

« اشتیاق دارم پیاده به کربلا بروم »

حضرت آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی، همیشه یکی از حسرت‌های عمرش را این دانسته که پیاده به کربلا برود: «بسیار اشتیاق دارم پیاده به کربلا بروم و اگر قدرت داشتم می‌رفتم.» ایشان درباره فضیلت زیارت سیدالشهدا (ع) می‌گوید: «در روایات بسیاری بر زیارت آن حضرت تاکید شده، حتی در پاره‌ای از این روایات، از وجوب و فرض بودن این زیارت یاد شده، تا بدانجا که برخی علما همچون مرحوم علامه مجلسی و پدر بزرگوارشان به این نظر متمایل شده‌اند که هر کسی که توانایی انجام زیارت آن حضرت را دارد، این زیارت در عمر یک بار واجب است.» آیت‌الله العظمی شبیری

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی:

« ارزش پذیرایی کردن از زائر امام حسین (ع) »
آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز که در دوران طلبگی (سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰ هجری قمری) در نجف اشرف ساکن بوده، دوبار توفیق پیاده‌روی از نجف تا کربلا را داشته است. این مرجع تقلید با پای برهنه از مسیر شط (رودخانه) که حدود ۲۰ کیلومتر طولانی‌تر از مسیر کنونی نجف کربلاست و حدود سه روز به طول می‌انجامید، به زیارت اباعبدالله الحسین (ع) مشرف شدند. آیت‌الله مکارم شیرازی با اشاره به خاطره پیاده‌روی از نجف به سوی کربلا می‌گوید: «وقتی به یکی از این مضیف‌ها رسیدیم، صاحب

مضیف دعوت و اصرار کرد که میهمان او بشویم و آنجا استراحت کنیم. به او توضیح دادیم که چون امروز کم‌راه رفته‌ایم و باید مسافت بیشتری را طی کنیم، فرصت ماندن نداریم، پس از کمی اصرار او و امتناع ما، ناگهان صاحب مضیف که معلوم بود چند وقتی است که میهمان برایش نرسیده و از این بابت خیلی ناراحت است، ناگهان چاقویش را درآورد و تهدید کرد که من مدتی است میهمان برایم نیامده است و شما حتما باید میهمان مابشوید! اینقدر میهمانی کردن زائر امام حسین (ع) در نزد اینها اهمیت و ارزش داشت. البته بالاخره بعد از اینکه توضیح بیشتری برایش دادیم و قول دادیم که از طرف او زیارت کنیم، اجازه داد که ما برویم.»



پیاده روی اربعین یک
سفر چندروزه است
که زائران باید مراقب
سلامتی شان باشند

سفر معنوی تان به سلامت

سفر دشوار است، پس باید بدن تان را آماده نگه دارید. هرچه مصرف برنج را کمتر کنید و به سمت مواد پروتئینی و میوه بروید، بهتر است. میوه ها را حتما میل کنید، اما در خوردن آنها وسواس داشته باشید و حتما قبل از خوردن، یک بار دیگر به خوبی میوه را بشوید یا دست کم پوست بگیرید. آلودگی ها خیلی راحت از طریق میوه ها به معده شما راه پیدا می کنند و باعث اسهال و استفراغ خواهند شد.

« یکبار مصرف ها گزینه بهتری هستند

غذایی که در عراق طبخ می شود، نسبت به غذاهای ما بسیار چرب تر است، به همین دلیل تا جایی که می توانید، غذاهای کم چرب تر و غذاهایی را که در کاروان ها تهیه می شود، مصرف کنید. اگر فشار خون بالا دارید، بیمار قلبی هستید، مبتلا به دیابت هستید یا هر مشکل دیگری دارید، مراقب خودتان باشید و اصول تغذیه ای را همان طور که قبل از سفر رعایت می کردید، حفظ کنید. از قاشق و چنگال و لیوان های یکبار مصرفی که در طول مسیر به شما داده می شود، استفاده کنید. به هیچ عنوان با دیگران در یک ظرف مشترک

آن در کوله پشتی تان ندرید. زائران ایرانی معمولا از نجف تا کربلا را پیاده طی می کنند و این مسیر ۸۵ کیلومتر مسافت دارد که اگر با کوله ای سنگین راه بروید، بدون شک توان طی این مسیر را نخواهید داشت و از سوی دیگر، کمردرد و خستگی انتظار تان را خواهد کشید. اگر نگران گرسنه شدن هستید، همراه داشتن چند عدد خرما و مغز گردو کافی است.

« وقت نامناسب برای غذای چرب

اگر بیماری خاصی دارید (مثلا مبتلا به دیابت هستید) برخی خوراکی های مجاز بیماری تان را همراه داشته باشید. توصیه می کنیم چند عدد لیموترش در کوله پشتی تان بگذارید تا در صورت بروز تهوع، مسمومیت و سردرد از آن استفاده کنید. در مدت سفر، از مصرف غذاهای خیلی چرب، خیلی سرخ شده و نوشیدن آب های خیلی سرد خودداری کنید. میزبانان سخاوتمندی که در طول مسیر حضور دارند، ممکن است شما را به سفره پربرکتی که انداخته اند، دعوت کنند. در این شرایط قطعا خوردن از غذاهای خوش طعم محلی برای تان خوشایند است، اما بهتر است یادتان نرود که در چه سفری هستید. زیارت با پای پیاده یک

شاید همه چیز پیاده روی اربعین را باید در معنویت این سفر خلاصه کرد، اما یادمان باشد که قرار است حدود ۸۵ کیلومتر را از نجف تا کربلا پیاده برویم. خب در این پیاده روی طولانی، علاوه بر همه توصیه های معنوی که باید مورد توجه قرار گیرد، نیاز به توجه به سلامتی خود زائر هم دارد. حالا که از نعمت سلامتی برخوردارید و چنین سفر پربرکتی روزی تان شده است، باید سلامتی تان را تا انجام کامل مناسک سفر و زیارت حفظ کنید. برای آنکه سفری سالم و به یادماندنی داشته باشید، توصیه هایی داریم که بهتر است رعایت شان کنید.

« کوله سنگین در دسرساز می شود

در طول مسیر چادرهایی در فواصل منظم برقرار است که به آنها موکب یا همان هیات می گویند. در این موکب ها سخاوتمندانه از شما پذیرایی خواهد شد. شای (همان چای خودمان)، خرما، نان، سیب زمینی پخته، تخم مرغ آبپز، خوراک عدسی، آبمیوه و آب معدنی، حلیم و انواع غذاهای محلی، خوردنی هایی هستند که در این چادرها توزیع می شوند، بنابراین نیازی به همراه بردن مواد خوراکی و آشامیدنی و حمل

نفس تنگی کردید، استراحت کنید. قرص زیر زبانی تان را همیشه دم دست داشته باشید.

« استحمام در موکب ها را فراموش نکنید » استحمام با آب گرم قبل از خواب برای رفع یا پیشگیری از گرفتگی عضلات بسیار مفید است. موقع خواب، یک شال به کمر و یک دستار به سر تان ببندید تا در هوای آزاد سرما نخورید. قبل از خوابیدن حتماً موهاتان را خشک کنید. هوای غبار آلود و متراکم احتمال بیماری را بیشتر می کند، بنابراین هر شب آب نمک قرقره کنید و آن را از حفره های بینی تان بالا بکشید تا مجاری تنفسی تان ضد عفونی شود. هر جا احساس کردید که دیگر توانایی ادامه دادن مسیر را ندارید، می توانید از صدها ون، ماشین یا اتوبوس هایی که در مسیر هستند، برای رسیدن به کرپلا استفاده کنید. اگر دچار اسهال یا استفراغ شدید یا در اثر تعریق، آب زیادی را از دست دادید، به پزشکان هلال احمر مراجعه کرده و شرایط را به آنها بگویید. احتمالاً لازم است سوربیتول مصرف کنید. این پودر خوراکی املاح بدن شما را تامین کرده و خیلی زود سرحال تان می کند. اگر به پزشک دسترسی نداشتید، کمی نمک را به همراه چند حبه قند در آب ریخته و هم بزنید و بنوشید. تا رسیدن به موکب بعدی حال تان جا خواهد آمد.

آنها راه بروید. در طول مسیر، لباس زیر نخی و پنبه ای بپوشید تا عرق تان را زود جذب کرده و بدن تان بو نگیرد.

« از پزشکان در مسیر کمک بگیرید » هر جا که امکان داشت، دستانتان را بشویید، به خصوص قبل از غذا و بعد از دستشویی رفتن. در فضاهای پرجمعیتی مثل پیاده روی اربعین احتمال انتقال بیماری های عفونی و ویروسی خیلی بالاست. اگر نمی خواهید بیمار شوید، باید بهداشت را خیلی خوب رعایت کنید. لباس های گرم تان را دم دست داشته باشید، چون از عصر به بعد، هوا به شدت خنک و حتی سرد می شود. مراقب باشید در این هوا سرما نخورید. اگر بیمار هستید و داروهای خاصی را استفاده می کنید، حتماً استفاده از آنها را در سفر ادامه دهید و اگر یک نوبت دارو را جا انداختید، با پزشکان مستقر در چادرهای هلال احمر در طول مسیر مشورت کنید. این پزشکان همچنین می توانند بیماری های بین راه شما را درمان کنند. اگر مبتلا به بیماری های قلبی هستید، شلوعی و پیاده روی طولانی ممکن است باعث بروز مشکلات تنفسی و عفونت های تنفسی برای شما شود. پس حتماً از چادرهای هلال احمر ماسک تهیه کرده و مراقب وضعیت سلامتی تان باشید. تمام مسیر را پیاده طی نکنید و هر جا احساس

غذا نخورید، چون ویروس های گوارشی به سادگی از این طریق منتقل می شوند. چادرهای هلال احمر به فواصل مختلف برپا است و می توانید داروهای عمومی مورد نیاز را از آنها دریافت کنید، بنابراین اگر سردرد گرفتید، سرما خوردید یا دچار سرفه یا علائم حساسیت و مواردی از این دست شدید، سراغ این چادرها بروید و از گرفتن دارو از دیگر زائران خودداری کنید.

« لطفاً مراقب پوست تان باشید » در طول روز، ممکن است آفتاب تند و تیزی در مسیر بتابد. حتماً از کرم ضد آفتاب استفاده کرده و آن را در طول مسیر تمدید کنید. استفاده از عینک آفتابی هم فراموش تان نشود. اگر کلاه همراه خود آورده اید، نقاب آن را روی صورت تان بگذارید. پیاده روی طولانی و عرق کردن پا در کفش، ممکن است زمینه ساز تاول، زخم و قارچ شود. در طول مسیر هر از گاهی پاهایتان را بشویید. بهتر است هر بار که برای وضو گرفتن و نماز خواندن توقف می کنید، پاهایتان را با صابون شسته، لایه لای انگشتان پا را تمیز کرده و با پارچه ای پاکیزه پاهایتان را خشک کنید. به هیچ وجه بدون کفش مناسب، پیاده روی نکنید. چون احتمال آسیب دیدن پایتان بسیار زیاد است. هر وقت پایتان از کفش خسته شد، یک دمپایی از موکب های میان راه بگیرید و با

چند توصیه بهداشتی دیگر

- شما باید حداقل ۱۰ روز قبل از خروج از کشور واکسن مننژیت را تزریق کنید. اگر ظرف دو سال گذشته نوع جدید واکسن را تزریق کرده اید، نیازی به تزریق مجدد واکسن نیست. اگر تزریق واکسن میسر نشده، در هر زمان که میسر شد، تزریق کنید. تزریق واکسن آنفلوآنزا به ویژه در شرایط و بیماری هایی مثل بیماری های قلبی، ریوی، آسم، سابقه آنفارکتوس قلبی، نارسایی کبد و کلیه، دیابت، بیماری مزمن و افراد بالای ۵۰ سال، مورد تأکید قرار گرفته است.
- مهم ترین راه انتقال آنفلوآنزای فصلی، استنشاق قطرات تنفسی آلوده (عطسه و سرفه) است، بنابراین بایستی هنگام عطسه و سرفه جلوی دهان و بینی خود را بگیرید و پس از تماس با بیمار و هنگام عطسه و سرفه دست ها را با آب و صابون بشویید.
- شستن دقیق و صحیح دست های خود با آب و صابون قبل از غذا خوردن و بعد از استفاده از سرویس های بهداشتی، جهت پیشگیری از ابتلا به بیماری های قابل انتقال به وسیله آب و مواد غذایی از جمله بیماری های اسهالی مانند وبا موثر است.
- با توجه به کثرت جمعیت در پیاده روی اربعین، سطح بهداشت وضعیت مناسبی ندارد و سرویس های بهداشتی خیلی تمیز نیست، لذا توصیه می شود در کوله همراه تان یک صابون داشته باشید.

چند روایت معتبر
از حجت الاسلام پناهیان
درباره پیاده روی اربعین

زیارت با هیاهو و شور عظیم

یکی از طرفداران پر و پا قرص پیاده روی اربعین، حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان است. او می گوید: «سعی می کنم هر سال در پیاده روی اربعین شرکت کنم.» و چندین سال است در مراسم پیاده روی اربعین شرکت می کند. ایشان معتقد است که پیاده روی اربعین شهود بسیاری از مراتب عالی معنوی را برای انسان ممکن می کند و از برخی لحظات این سفرها به عنوان شیرین ترین لحظات زندگی اش یاد می کند. حجت الاسلام پناهیان توصیه می کند که اگر می خواهید فناء فی... را لمس کنید، در میان جمعیت انبوه زائران اربعین حضور پیدا کنید. اینجا می توانید بخش هایی از گفته های این استاد حوزه و دانشگاه را درباره پیاده روی اربعین بخوانید.

|||||

« روایت اول

مطمئن هستم که اگر هر یک از علاقه مندان امام حسین (ع)، اربعین به کربلا برود و فضای اربعین را از نزدیک لمس کند، دیگر غیر از اربعین برای او دشوار است به کربلا برود و شاهد این باشد که مردم خیلی آرام و بدون هیاهو دور حرم امام حسین (ع) زیارت می کنند. چون به تعبیر حضرت امام (ره)، زیارت امام حسین (ع) باید با هیاهو همراه باشد و ما این هیاهو و این شور و حال عظیم زائرین اباعبد... الحسین (ع) را در اربعین می بینیم.

« روایت دوم

یکی از کارهایی که بنده خودم در اربعین انجام می دهم و به دوستان و همراهان نیز پیشنهاد می کنم، این است که در روز اربعین در جوار حرم اباعبد... (ع) می ایستم و به تماشا و همناویی با دسته های عزاداری که وارد حرم





« روایت ششم

حتما تجربه استثنایی پیاده‌روی اربعین به سوی کربلا را قبل از ظهور از دست ندهید و سعی کنید در این مراسم با عظمت حضور پیدا کنید. در دوران دفاع مقدس در جبهه‌ها معمولا تمرین‌های نظامی و پیاده‌روی‌هایی انجام می‌شد تا آمادگی رزمی افزایش پیدا کند. در طول دوران دفاع مقدس، پیاده‌روی‌های زیادی به‌عنوان تمرین و برای کسب آمادگی برقرار می‌شد و امروز می‌توان گفت که پیاده‌روی به سمت حرم امام حسین(ع) پیاده‌روی‌های تمرین ظهور حضرت است.

روایت هفتم

این پیاده‌روی اربعین، تنها کسب آمادگی جسمی نیست، باید روح انسان در جریان این پیاده‌روی تمرین کند. این پیاده‌روی یک فرصت عجیب و استثنایی است که نباید آن را از دست بدهیم. هر یک قدمی که انسان در این مسیر نورانی برمی‌دارد، پاک‌کننده آلودگی‌های روح انسان است. در روایت داریم، کسی که از زیارت حرم ابا عبد... (ع) بازمی‌گردد، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود و روح او پاک و مطهر می‌شود.

را تجربه کرده‌ام. شاید تنها جایی که حس و حال زیبای شب عملیات می‌تواند برای انسان تجدید شود، در لحظه‌های پیاده‌روی به سمت حرم ابا عبد... (ع) باشد. کسانی که آن لحظه‌های شیرین را در پیاده‌روی اربعین لمس کرده‌اند، می‌توانند حس و حال بچه‌ها را در جبهه‌ها درک کنند. خصوصا دوستانی که پیاده‌روی در تاریکی شب را تجربه کرده‌اند، این حس را بهتر درک می‌کنند.

« روایت پنجم

نکته دیگری که در مورد زیارت کربلا به‌خصوص در روز اربعین باید به آن توجه داشت، این است که در مسیر کربلا و در حرم امام حسین(ع) یک صفت رذیله بسیار مهم در انسان از بین می‌رود و آن عجب است. عجب، رذیله‌ای است که تقریبا جز با زیارت ابا عبد... (ع) از بین نمی‌رود. وقتی انسان به حرم امام حسین(ع) می‌رود و به این مطلب توجه می‌کند که ابا عبد... (ع) در این مکان مقدس به زمین افتاده است، خودبه‌خود خرد و کوچک می‌شود، به خاک می‌افتد و دیگر چیزی برایش باقی نمی‌ماند که بخواهد به واسطه آن، عجب پیدا کند.

می‌شوند، می‌پردازم. واقعا آن لحظات، شیرین‌ترین لحظاتی است که می‌توانم در زندگی خود تجربه کنم. این احساس زیبا را دوستانی که در اربعین به کربلا مشرف شده‌اند، به‌خصوص در پیاده‌روی به سوی کربلا و در میان جمعیت زائرین، درک کرده‌اند. چون لحظه اوج شور عزاداران ابا عبد... الحسین(ع) است و حتما در آن لحظه مورد عنایت ویژه حضرت قرار می‌گیرد.

« روایت سوم

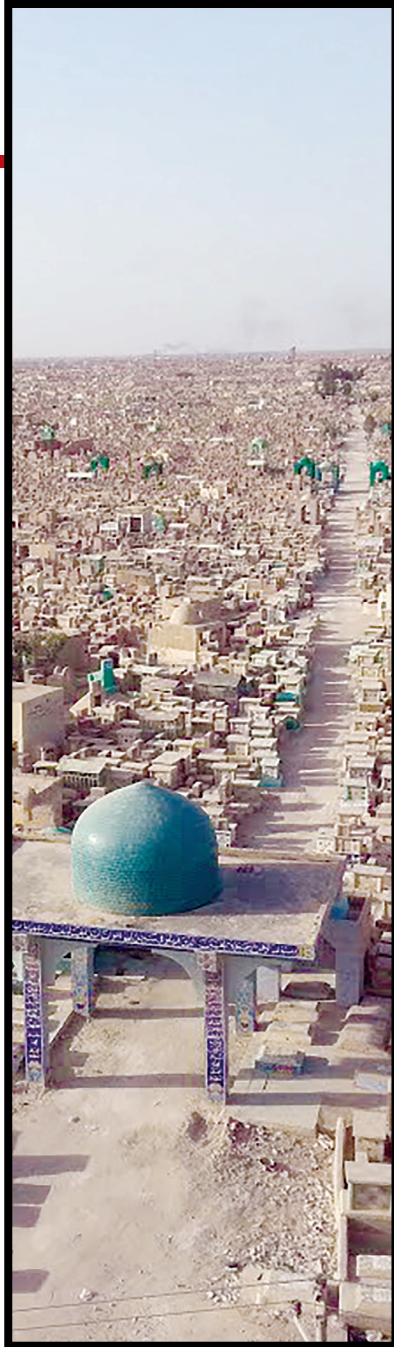
انسان تا وقتی که خودش اربعین به کربلا نرود و تا وقتی در میان خیل عظیم عاشقان حسین(ع) با پای پیاده به سمت کربلا حرکت نکند و آن فضای پرجاذبه و استثنایی را از نزدیک لمس نکند، نمی‌تواند شکوه و عظمت و لذت بی‌حد آن را درک کند و نمی‌تواند حرارتی را که این حرکت در قلب او ایجاد می‌کند، حس کند. باید پیاده‌روی اربعین را تجربه کرد.

« روایت چهارم

بنده در دوران دفاع مقدس مدتی در جبهه‌ها حضور داشته‌ام و صحنه‌های نورانی شب‌های عملیات

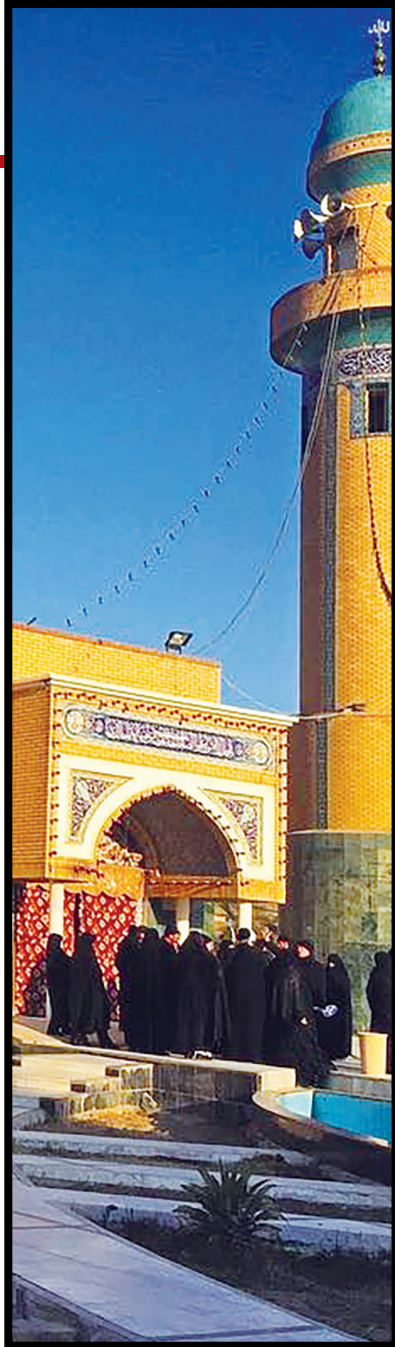
علاوه بر زیارت
امیرالمومنین (ع)
به زیارتگاه‌های
دیگر نجف هم بروید

دلهم گرفته بهانه سلام شاه نجف



قبرستان وادی السلام
بزرگ‌ترین قبرستان جهان اسلام

یکی از مهم‌ترین قبرستان‌های جهان اسلام همین قبرستان وادی السلام شهر نجف است که درباره آن روایات مختلفی نقل شده. وجود مقبره حضرت هود(ع)، حضرت صالح(ع) و بسیاری از صحابه پیامبر(ص)، دوستداران ائمه(ع) و بزرگان دینی ما در این قبرستان بر شهرت آن افزوده است. قبر آیت‌... قاضی در وادی السلام یکی از جاهایی است که ایرانی‌ها زیاد می‌روند. در روایات آمده: «هر مومنی که در شرق یا غرب جهان دیده از جهان بر گیرد به روح او ندا می‌رسد که به وادی السلام ملحق شود.»



مسجد حنانه
وقتی زمین ناله کشید

این مسجد در محله‌ای، در میانه بزرگراه نجف - کوفه قرار دارد. براساس روایات اسلامی، کاروان کربلا در مسیرشان به سمت کوفه، سر مقدس سیدالشهدا(ع) را در این محل به زمین گذاشتند. روایت شده هنگامی که سر امام حسین(ع) در روی این زمین قرار داده شده، زمین ناله سر داده است. بعدها در این محل مسجدی ساختند که به دلیل همین اتفاق «حنانه» نامیده شده است. البته در برخی روایات هم آمده هنگام عبور پیکر مطهر امام علی(ع) از کوفه به نجف، زمین این مسجد ناله سر داده است.

درست است که مقصد اصلی سفر اربعین کربلاست، اما شروع این مسیر پیاده‌روی نجف و باز زیارت امیرالمومنین(ع) است. اگر فرصت دارید حتما یک روز در نجف اشرف توقف کنید و به زیارتگاه‌های معروف این شهر بروید. البته شهر کوفه هم در نزدیکی نجف است که زیارتگاه‌های زیادی مثل مسجد کوفه را در دل خود جای داده است. ما اینجا سراغ معرفی زیارتگاه‌های نجف رفته‌ایم تا شما بدانید که این شهر مهم اسلامی چه اماکنی برای تقویت حس و حال معنوی‌تان در این سفر دارد.



آرامگاه کمیل بن زیاد یار مولا و صفای دعای کمیل

یکی از شاخص‌ترین یاران امیرالمومنین (ع) است که نزد ما ایرانی‌ها به واسطه دعای کمیل بسیار معروف است. به همین دلیل ایرانی‌ها زیاد بر سر مزار او که در میان بزرگراه نجف-کوفه قرار دارد می‌روند. کمیل بن زیاد نخعی یمانی از بزرگان تابعین و از یاران شجاع و باوفای حضرت امیر (ع) و از اصحاب سرّ آن حضرت بود. آرامگاه او دارای صحن وسیع و گنبد بزرگی است. کمیل، یکی از یاران باوفای حضرت علی (ع) بود که از مولایش، دعای کمیل را آموخت. کمیل در زمان شهادت امام حسن (ع) در مدینه نبود و در واقعه کربلا هم در زندان حضور داشت.



مسجد و آرامگاه شیخ طوسی زیارت یک عالم بزرگ اسلام

این مسجد کنار مرقد شیخ طوسی قرار دارد و همچنان محل تدریس استادان حوزه نجف است. شیخ طوسی که یکی از مشاهیر فقهای امامیه و مؤسس حوزه علمیه نجف است، در سال ۴۶۰ هجری وفات یافت و در خانه خود مدفون شد. ایشان وصیت کرده بود که این خانه پس از مدتی تبدیل به مسجدی شود. امروزه این مسجد به نام «جامع الشیخ الطوسی» در شمال حرم مطهر و به فاصله کوتاهی از آن قرار دارد و نیز در گوشه‌ای از این مسجد آرامگاه علامه آیت‌الله سید محمد مهدی بحر العلوم قرار گرفته است.



مقام امام زمان (عج) زیارت در مسیر وادی السلام

این مکان که سال‌هاست به مقام حضرت مهدی (عج) شهرت دارد دارای گنبد سبزی است و در غرب مسیر ماشین‌رو قبرستان وادی السلام قرار دارد. در حقیقت اینجا جایگاه مقدسی است که به آن حضرت نسبت داده می‌شود. از این رو مردم به زیارت و نمازگزاردن در آن می‌پردازند. علامه بحر العلوم این مقام را تجدید بنا کرد. زیارت‌نامه حضرت حجت (عج) روی سنگی در محراب این مقام کنده‌کاری شده است. البته علت انتساب این مکان به حضرت مشخص نیست و گفته نشده که آیا کسی در این مکان ایشان را دیده یا کرامتی از ایشان در این محل مشاهده شده است.

کوله‌پشتی تان را
برای سفر پیاده اربعین
آماده کنید

چه ببریم؟ چه نبریم؟

شاید مهم‌ترین سوال این روزهای کسانی که می‌خواهند به سفر پیاده اربعین بروند این باشد که در این سفر معنوی چه با خودمان ببریم و چه نبریم؟ چطور یک کوله‌پشتی سبک جمع کنیم که هم برایمان در این سفر پیاده دردسر درست نکند و هم وسایل موردنیازمان را در آن داشته باشیم؟ اینجا توصیه‌هایی برای شما داریم تا کوله‌پشتی تان را برای سفر پیاده اربعین جمع کنید.

۱- کفش‌های نو و بنددار نپوشید. بهتر است یک کفش مناسب و آزاد بپوشید. چون در طول مسیر دائماً برای استراحت در موکب‌ها ناچار به درآوردن کفش از پا هستید. ۲- اگر فکر می‌کنید نمی‌توانید با وضعیت بهداشتی مسیر کنار بیایید، وسایلی از قبیل قاشق، چنگال، چاقوی کوچک، استکان یا لیوان کوچک دسته‌دار (برای خوردن چای در طول مسیر)، خمیردندان کوچک مسافرتی، صابون کوچک، ژل ضدعفونی و چند شامپوی کوچک هتلی در طول سفر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- با توجه به بالا بودن برخی از هزینه‌ها در عراق، همراه داشتن پول به مقدار کافی توصیه می‌شود. ارز موردنیاز خود را (ترجیحاً دینار عراقی) در ایران از صرافی‌های معتبر تهیه و از مراجعه به افراد و صرافی‌های مشکوک خودداری کنید.

۴- در طول مسیر، ایستگاه‌های امدادی تعبیه شده که اگر مشکلی برای کسی پیش آمد، با مراجعه به این ایستگاه‌ها از خدمات پزشکی بهره‌مند شود. همچنین در طول مسیر،



حاج آقا مصطفی خمینی و سفر اربعین



آیت‌ا... حاج آقا مصطفی خمینی از عالمان و استادان نجف بود که همواره در مراسم پیاده‌روی حضوری پیوسته و جدی داشت. حضور ایشان در این مراسم به قدری زیاد بوده که خاطرات فراوانی از ایشان توسط علما و دوستان‌شان برجای مانده است. مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سیدتقی درچه‌ای در خاطره‌ای در رابطه با حاج مصطفی خمینی (ره) می‌فرماید: «... چندین بار همراه آیت‌ا... حاج آقا مصطفی خمینی از نجف پیاده به سوی کربلا رفتیم. در این سفرها دوستان زیادی همراه بودند. حاج آقا مصطفی با پای برهنه و حتی بدون جوراب حرکت می‌کرد و از هر کس مختصر صدایی داشت، می‌خواست اشعاری را در مقام و عظمت امام حسین (ع) بخواند و با شنیدن این اشعار، خودش طوری منقلب می‌شد که از شدت گریه، شانه‌هایش بالا و پایین می‌رفت. حاج آقا مصطفی خمینی همیشه دیوان شیخ محمدحسین غروی اصفهانی را همراه داشت و وقتی کنار دجله و فرات که دیگر نزدیک کربلا بود می‌رسیدیم، او به اسم کوچک مرا صدا می‌زد تا قسمتی از آن را بخوانم و به محض شروع، مثل کسی که بغضش بترکد، شروع به گریه می‌کرد. در طی چند کیلومتر من زمزمه می‌کردم و جمع دوستان به خصوص حاج آقا مصطفی گریه می‌کرد. ناگهان یکی از دوستان چشمش به گنبد مطهر حضرت امام حسین (ع) می‌افتاد و به دنبال آن، موج شوق و گریه در میان جمع بلند می‌شد...». حاج آقا مصطفی خمینی در این سفرها، بدون توجه به اینکه فرزند مرجع بزرگ تقلید، امام خمینی (ره) است، مانند یک طلبه ساده در خدمت همسفران بود و از کمک به آنان دریغ نمی‌کرد و در هنگام توقف و استراحت نیز به بحث علمی می‌پرداخت. مرحوم آیت‌ا... شیخ محمدحسن قدیری که در یکی از سفرها همراه او بود، می‌گوید: «یک بار در پیاده‌روی از نجف به کربلا، خدمت حاج آقا مصطفی خمینی بودم؛ وقتی به باغ‌های نزدیک کربلا رسیدیم، شب را آنجا ماندیم. دوستان همه دور حاج آقا مصطفی را گرفتند و او صحبت را شروع کرد و بعد بنا شد هر کدام از رفقا در یک رشته از علوم حوزوی سوالی بپرسد و وی جواب بدهد. سوالات بسیاری از فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، عرفان و اخلاق از وی پرسیده شد که حدود چهار ساعت به طول انجامید و حاج آقا مصطفی بدون اینکه مطالعه و مراجعه به کتابی کند، همه را کامل جواب داد که من بسیار متعجب شدم که او اینقدر با استعداد است.»

هلال احمر ایران نیز به کمک شهرداری ایستگاه‌هایی دارد که به زائران خدمات می‌دهد.

۵- همراه داشتن برخی اقلام دارویی از قبیل قرص سرماخوردگی، قرص ضد حساسیت (آنتی‌هیستامین) و داروهای ضد التهاب پوستی (عرق سوز) از قبیل پودر تالک، کرم کالاندولا، هیدروکورتیزون جلدی یا ویتامین AD می‌تواند مفید باشد. ضمن اینکه در صورت داشتن بیماری خاص، داروی خود را باید به همراه داشته باشید. کرم مناسب در موارد تاول و عرق سوز شدن به همراه داشته باشید. البته اگر می‌دانید دچارش می‌شوید.

۶- در موکب‌های بین راه، امکانات کافی هست، اما با توجه به محدودیت پتو و وسایل استراحت در شهرها، در حد امکان پتوی سبک و بالش کوچک همراه خود ببرید. سعی کنید پتوهای بزرگ و حجیم و سنگین با خودتان نیاورید تا اذیت نشوید. یکی دو تا ملحفه سبک تمیز هم می‌تواند مشکل‌گشا باشد.

۷- کیسه خواب برای کسانی است که طبق برنامه مرسوم پیاده‌روی عمل نمی‌کنند و به همین دلیل، شب اول نمی‌توانند محل اسکان مناسبی پیدا کنند. اگر شما هم برنامه شخصی خودتان را دارید، به این گزینه هم فکر کنید. کیسه خوابی که نظامی‌ها استفاده می‌کنند دارای حجم کم و کارایی مناسبی است.

۸- توی کوله‌پشتی‌تان یخچال سیار راه نیندازید. در طول مسیر نجف به کربلا مواد غذایی به مقدار کافی توسط موکب‌ها تهیه شده و به صورت رایگان در اختیار شما قرار خواهد گرفت. فقط مقدار کمی مواد مغذی خشکبار مانند بادام، انجیر و... همراه داشته باشید.

۹- با توجه به احتمال بارش باران در ایام اربعین در مسیرهای پیاده‌روی و شهرهای زیارتی، همراه داشتن لباس گرم کم حجم و بارانی و چتر کوچک توصیه می‌شود. اگر حرفه‌ای باشید، سفره یکبار مصرف هم خیلی به کارتان می‌آید.



حتما قبل از سفر اربعین با برخی مسائل شرعی مبتلا به آشنا شوید

مقررات شرعی برای اربعینی‌ها

و با آن نماز خوانده، نمازش باطل است. * اگر لباس نجس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، نمازش صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید لباس را تطهیر کند. * استثنایی درباره نجاست لباس نمازگزار با خون وجود دارد که عبارتند از: * اگر لباس یا بدن ما به ترشحات خون نجس شده باشد، به طوری که ترشح از یک سکه دو ریالی (اندازه یک درهم) کمتر باشد، نماز با آن لباس و بدن اشکال ندارد. * لباس خونی شده را اگر یک بار در آب کر یا جاری فرو ببرند یا زیر شیری که به کر متصل است بگیرند، به طوری که آب به همه جاهایی که نجس شده برسد، پاک می شود.

می دانند که گاهی ممکن است بر اثر پیاده روی طولانی و ایجاد تاول در پاها، لباس هایمان خونی شود. خون جزء نجاسات در دین ماست و به همین دلیل لباس را هم نجس می کند. * یکی از شروط لباس نمازگزار این است که باید پاک باشد. یعنی اگر در این سفر، لباس هایمان بر اثر مثلا ترکیدن تاول ها خونی شده است، قبل از نماز باید این نجاست را تطهیر کنید. * کسی که نمی داند نماز با بدن و لباس نجس، باطل است، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

* اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است، ولی اگر قبلا نجاست آن را می دانسته و فراموش کرده

شما دعوت شده اید که در مراسم باشکوه معنوی حضور یابید. شما فرسنگ ها از شهر و دیارتان دور می شوید و مسافر خواهید بود. حتما با احکام شرعی مربوط به مسافران آشنا هستید، اما احکام دیگری هم هستند که شاید در سفر پیاده روی اربعین مبتلا به باشند و شما زیاد با آنها آشنایی نداشته باشید. مثلا ممکن است در این سفر طولانی پیاده که حداقل سه روز طول می کشد، لباس تان بر اثر خون ترکیدن تاول های پا نجس شود، خب چه باید کرد؟ در اینجا به برخی از احکام مهم اشاره شده است.

« وقتی لباس زائران نجس می شود »
کسانی که سال های گذشته تجربه پیاده روی اربعین را داشته اند،

شامل شبستان‌ها، رواق‌ها و حیاط و صحن‌های فرعی شامل این حکم نمی‌شود. بلکه تنها حضور اشخاص معذور در بخش اصلی حرم‌ها جایز است. دیگر اماکن زیارتی حکم مسجد را ندارد، اما بهتر است افراد معذور به حرمت آن بزرگان وارد بخش حرم اصلی نشوند یا از فاصله دور، ادای احترام کنند.

*حواستان باشد که برخی از اماکن زیارتی عراق، با اینکه حرم ائمه معصومین (ع) نیستند، اما صیغه مسجد برای آنها خوانده شده و حکم مسجد را پیدا کرده‌اند.

*بوسیدن در و درگاه حرم‌های مطهر اشکال ندارد؛ ولی سجده کردن در مقابل ضریح و قبر مطهر جایز نیست؛ مگر سجده شکر خدا، به جهت توفیق این زیارت. بهتر است زائران اربعین سجده شکر را هم روبه روی قبر و ضریح مطهر انجام ندهند.

*بردن مهر و قرآن و کتاب‌های دعای حرم به بیرون جایز نیست و چنانچه کسی عمدا یا سهوا برده باشد، باید به جای آن برگرداند.

نجس شده است بریزند، آنها را پاک می‌کند، ولی آن مقدار آبی که پس از ریخته شدن روی نجس، از آن سرازیر می‌شود، نجس است.

« احکام مربوط به زیارت قبور ائمه (ع) »

شما در سفر اربعین به حرم مطهر امیرالمومنین (ع) و حرم امام حسین (ع) و در صورت سفر به کاظمین و سامرا، به حرم معصومین دیگر هم می‌روید. ورود به حرم ائمه معصومین احکامی دارد که به برخی از آنها در اینجا اشاره شده است. *حرم مطهر ائمه معصومین حتی اگر حکم مسجد شرعی را هم نداشته باشد، احکام شرعی مسجد بر آن جاری است. به این ترتیب، نجس کردن آن حرام است و اگر به هر دلیلی این اتفاق افتاد، تطهیر آن فوریت دارد و باید سریعاً اقدام شود.

*ورود افراد معذور (مانند شخص جنب یا زنان در زمان عادت ماهیانه) همان‌طور که به مسجد جایز نیست، به داخل حرم مطهر ائمه معصومین (ع) نیز جایز نیست.

*بخش‌هایی از حرم ائمه معصومین



کسانی که سال‌های گذشته تجربه پیاده‌روی اربعین را داشته‌اند، می‌دانند که گاهی ممکن است بر اثر پیاده‌روی طولانی و ایجاد تاول در پاها، لباس‌هایمان خونی شود. خون جزء نجاسات در دین ماست و به همین دلیل لباس را هم نجس می‌کند

*یادتان باشد که در مسیر پیاده‌روی اربعین، شاید آب شیرها به تانکرها و مخازنی وصل باشد که حجم آنها به اندازه شرعی آب کر نباشد. آب کر تقریباً باید ۳۸۴ لیتر باشد. کمتر از آن آب قلیل است. اگر چیز نجسی در آب قلیل فرو برده شود، نجس می‌شود و چیزی را که نجس شده پاک نمی‌کند. اما اگر آب قلیل را روی چیزهایی که

حکم سفر به عراق، بدون ویزا

در سال‌های گذشته برخی‌ها از طریق مرزها، بدون گرفتن ویزا و رواید وارد کشور عراق شدند. البته در مقاطعی این کار با اجازه رسمی هر دو دولت عراق و ایران صورت گرفت، اما امسال قرار است به هیچ وجه کسی بدون داشتن ویزا راهی سفر اربعین نشود. اما بد نیست نظر مراجع تقلید را هم در این زمینه بدانید که سفر به عراق و حضور در مراسم راهپیمایی اربعین بدون داشتن ویزا چه حکمی دارد؟

مقام معظم رهبری: عدم رعایت قوانین، شرعاً جایز نیست.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: زوار محترم لازم است قوانین و مقررات هر دو کشور را رعایت کنند؛ برای موفقیت همه آنها دعا می‌کنیم.

آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی: جایز نیست.

آیت‌الله العظمی نوری همدانی: لازم است براساس مقررات حکومت اسلامی عمل و معیارها رعایت شود.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی: عدم رعایت قوانین، شرعاً جایز نیست.

آیت‌الله العظمی سبحانی: یک فرد مومن باید قوانین کشور را که از نظر شورای نگهبان گذشته است، رعایت کند. هر نوع بی‌نظمی و بی‌انضباطی بر خلاف موازین شرعی حرام است.

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی: مومنین مقررات را رعایت کنند.

آیت‌الله العظمی علوی گرگانی: رعایت نکردن قوانین دو کشور ایران و عراق حرام و چه بسا موجب ضمان هم خواهد بود.



حسین (ع) فراتر از زمان فراتر از مکان فراتر از دین و مذهب

آنتوان بارا درباره نظر خانواده‌اش در مورد توجه به دین اسلام می‌گوید: «مسیحیان عرب همیشه به دین اسلام احترام می‌گذارند و من در دوره جوانی در اتاقم ۴۰۰ کتاب اسلامی داشتم. همین زمینه باعث شد تا با اسلام و پس از آن با تاریخ اسلام و شخصیت‌های بزرگ آن آشنا شوم.»

«نویسنده مسیحی، کتاب اسلامی آنتوان بارا، پس از آشنایی با اسلام و بزرگان اسلام، به شخصیت امام حسین (ع) علاقه‌مند می‌شود تا جایی که ۱۰ سال از عمرش را صرف نوشتن کتابی با عنوان «حسین در اندیشه مسیحیت» می‌کند. او در این باره می‌گوید: «وقتی جوان بودم با ایشان آشنا شدم و کتاب‌هایی در این باره خواندم. اولین کتاب، مقتل سید مقرر بود. این کتاب را خواندم و بر آن حاشیه نوشتم تا اینکه به پیشنهاد یکی از دوستانم به این نتیجه رسیدم که نوشته‌هایم را چاپ کنم. این، اولین جرقه نوشتن کتاب درباره این حضرت بود.»

محقق که سال‌های زیادی را صرف تحقیق درباره امام حسین (ع) و خانواده او کرده، از تاثیری که این خاندان و علاقه به ایشان در زندگی‌اش گذاشته می‌گوید و معتقد است امام حسین (ع) تنها یک شخصیت تاریخی نیست بلکه دریایی است که هنوز وجوه زیادی از شخصیت و زندگی ایشان کشف نشده است.

«چطور یک مسیحی شیفته امام حسین (ع) شد؟»

آنتوان بارا در خانواده‌ای از طبقه متوسط زندگی می‌کرد. در دوره راهنمایی او در مدرسه‌ای درس می‌خواند که همه دانش‌آموزانش مسلمان بودند. با اینکه مدرسه اصراری نداشت که آنتوان دروس تعلیمات دینی مسلمانان را بگذراند، اما پدر آنتوان معتقد بود که فرزندانش باید با سایر ادیان آشنا شوند و به عنوان اعراب مسیحی باید از فرهنگ اسلامی هم چیزهایی بیاموزند و به این ترتیب بود که آنتوان بارا با اسلام آشنا شد.

آزادی و آزادی‌مرز تاریخی و جغرافیایی نمی‌شناسد، دسته‌بندی دینی و مذهبی ندارد، محصور به زمان و مکان هم نیست. هر انسان آزاده‌ای در جهان، پیامی از آزادگان پیش از خود دریافت کرده و آن را سرلوحه تفکر و اقدامات خود قرار داده و مبارزه با ظلم، همین‌طور سینه به سینه توسط ظلم‌ستیزان بزرگ تاریخ به نسل‌های بعد انتقال داده شده است.

امام حسین (ع) بزرگ‌ترین آزاده تاریخ، نه تنها برای مسلمانان که برای همگان است. درسی که مکتب عاشورا به همراه داشت، درسی است که سال‌های سال می‌توان آن را تدریس کرد و از جنبه‌های مختلفش بهره برد. یکی از کسانی که پیام فرادینی عاشورا را دریافت کرده، نویسنده و پژوهشگر مسیحی، «آنتوان بارا» است. آنتوان برای مسیحی سوریتهار کتابی را با عنوان «الحسین (ع) فی الفكر المسيحي» - نوشته است و در آن به شخصیت عظیم سید و سالار شهیدان پرداخته و از اسباب و علل قیام این حضرت سخن‌ها رانده است. این مسیحی

اصلاح در امت جدم و برای امر به معروف و نهی از منکر و حرکت براساس سیره جد و پدرم است.»

به عقیده آنتوان بارا، این روح انقلابی معجزه آساست. نکته دیگری که این فرد مسیحی را مجذوب خود کرده، تواضع حضرت در کنار روح انقلابی اوست. به گفته آنتوان بارا، این دو خصوصیت در یک انسان جمع نمی شود اما در امام(ع) این اتفاق افتاده است و حضرت در عین احساس عزت و آزادگی و سرافرازی در برابر دشمنان، تواضع نیز دارد.

«حماسه حسینی شیعه و سنی و

مسلمان و غیرمسلمان نمی شناسد

بارای مسیحی مرزبندی های مرسوم بین ادیان را قبول ندارد. او معتقد است: «حماسه حسین (علیه السلام) تنها مختص شیعه و سنی و مسلمان نیست، بلکه متعلق به هر مومن است؛ چنانکه در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام آمده: «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَّارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ به راستی از قتل و شهادت امام حسین (علیه السلام) در دل های مومنان حرارت و گرمایی ایجاد می شود که هیچ گاه به سردی نمی گراید.»

او می گوید که چون در این حدیث «فی قلب المسلم» نیامده، پس هر انسان آزاده ای که به راه و رسم حسین (علیه السلام) ایمان دارد را شامل می شود. تعبیر زیبایی که آنتوان بارا برای امام حسین(ع) به کار می برد، «گوهر ادیان» است و جایگاه او را در قلب هر آزاده ای می داند.

«حضرت زینب

سخنگوی بی نظیر کربلا

نوشتن کتاب «حسین در اندیشه مسیحیت» پایان کار آنتوان بارا با موضوع کربلا و عاشورا نبود. او در جریان تحقیقاتش، شیفته شخصیت های دیگر واقعه عاشورا شد و تصمیم گرفت به آنها نیز بپردازد. او در مورد حضرت عباس می گوید: «حضرت ابوالفضل(ع) سمبل وفاداری است؛ به طوری که در شرایطی که می توانست جانش را نجات دهد و خود را از آن شرایط بیرون بکشد، این کار را نکرد و به برادر وفادار

و جان های خود در راه خدا جهاد کنید» (توبه/۴۱)، حرکت می کند و به امتیازات دنیوی و تطمیع هایی که می شد توجه نکرد. دنیادوستی و مال دوستی و شهرت و مقام را رها کرد و شهادت را انتخاب کرد. شهادتی که در راه عقیده اش بود.

او قبل از نوشتن کتاب، برای شناختن بهتر امام حسین زندگی خانوادگی او را هم بررسی کرده است و با حضرت علی(ع) آشنایی کامل دارد. برای این آشنایی بیش از ۲۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کرده و هر بار نکات تازه ای از آن آموخته است.



«شیفتگی به

بعد انقلابی شخصیت سیدالشهدا(ع)

آنتوان بارا پس از بررسی های زیاد و کنکاش هایی که در زندگی امام حسین(ع) انجام داده، بیشتر از هر چیزی شیفته بعد انقلابی شخصیت ایشان شده است. او می گوید: «من در مورد زندگی و حرکت حسین (علیه السلام) بیشتر به بعد انقلابی شخصیت ایشان شیفته شده ام. آن حضرت در مرامنامه قیام خود اعلام می کند: «من از روی هوسرانی و خوشگذرانی و برای افساد و ستمگری قیام نکرده ام، بلکه قیام من برای

آنتوان بارا پیش از نوشتن کتاب درباره امام حسین، سال ها نویسنده می کرد و بیشتر تالیفاتش داستان و رمان هستند. اما از یک زمان به بعد به تاریخ اسلام علاقه پیدا کرد و به دنبال منابعی برای تحقیق درباره امام حسین(ع) رفت.

به گفته این نویسنده مسیحی، منابعی که در این موضوع به آنها مراجعه کرد آنقدر زیاد بودند که او را سردرگم کرده بودند اما اتفاقی افتاد که بارا را مصمم کرد حتما کتابش درباره سیدالشهدا را بنویسد. او می گوید: «پیش از اینکه کتاب را بنویسم، خواب امام حسین(ع) را دیدم. و بعد از دیدن خواب احساس آرامش عجیبی کردم و از آن به بعد تصمیم جدی گرفتم که «حسین در اندیشه مسیحیت» را بنویسم.»

«ویژگی های کتاب

امام حسین(ع) و واقعه عاشورا مورد توجه بسیاری از مسلمانان و مستشرقان بوده است و تالیفات بسیاری با این موضوعات وجود دارد اما ویژگی کتابی که آنتوان بارا درباره سیدالشهدا نوشته، نگاه متفاوت نویسنده و شیوه پرداخت به موضوع عاشورا است.

در کتاب آنتوان بارا درباره امام حسین(ع) شخصیت این حضرت و عیسی بن مریم مقایسه شده است و نظرات و سخنان و کیفیت زندگی و... آنان بررسی شده است. به گفته بارا، شخصیت عیسی بن مریم و امام حسین(ع) شباهت های بسیاری با یکدیگر دارند. آنتوان بارا در این باره می گوید: «من در انجیل و کتاب های مربوط به زندگی امام حسین تحقیقات بسیاری کردم و متوجه شدم که تشابه زیاد و عجیبی بین رفتارها و اقدامات، عقاید و نحوه ابراز آن بین حضرت عیسی و امام حسین(ع) وجود دارد. یکی از چیزهایی که در هر دو بزرگوار مشترک بود، بی میلی آنها به مال و پست و مقام دنیایی بود.»

آنتوان بارا ادامه می دهد: «اما امام حسین(ع) براساس آیه «انفروا خفافا و ثقلا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل...» (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید، سبکبار باشید یا سنگین بار و با اموال

ماند.»

اما شخصیت دیگری که آنتوان بارا را شیفته خود کرده، حضرت زینب(س) است. او درباره حضرت زینب(س) می‌گوید: «دین اسلام را حضرت محمد(ص) پایه‌گذاری کرد و شکل داد و با امام حسین این دین ادامه پیدا کرد چرا که نهضت عاشورا را امام حسین و یارانش به وجود آوردند که موجب تثبیت دین اسلام شد. در این میان حضرت زینب نقش بزرگی دارد. وقتی تاریخ را می‌بینیم شگفتزده می‌شویم که حضرت زینب چه نقش پررنگی ایفا کرده است. او بود که آتش نهضت عاشورا را روشن نگه داشت. یزید بر این باور بود که اگر آن کار را در روز عاشورا انجام دهد، همه چیز تمام می‌شود و فکری درباره حضرت زینب(س) نکرده بود. فکر نمی‌کرد او این‌طور استقامت کند و در کاخ یزید پیام‌رسان واقعه کربلا باشد و این واقعه را در تاریخ ثبت کند.

به عقیده آنتوان بارا شخصیت حضرت زینب مثل یک اقیانوس بیکران وقایع کربلا را در خود جای داده است؛ حادثه‌ای که مانند آن در تاریخ وجود ندارد. او معتقد است که زندگی حضرت زینب حاوی معانی و مضامین والای انسانی و اجتماعی است. زندگی ایشان و علاقه اش به برادرش برای این نویسنده مسیحی بسیار عجیب است. او از این علاقه با شگفتی صحبت می‌کند و می‌گوید: آن‌طور که خواندم حضرت زینب از کودکی علاقه بسیاری به برادرش داشت و حتی شرطش برای ازدواج هم این بود که هر وقت بخواهد بدون اذن شوهر بتواند برادرش را ببیند. در واقعه کربلا هم او با اینکه این اجازه را داشت که همراه برادرش برود اما پیش همسرش می‌رود اذن می‌گیرد. این علاقه را ما تا زمان شهادت امام حسین(ع) و بعد از آن در وجود حضرت زینب مشاهده می‌کنیم...

زندگی و شخصیت حضرت زینب و مضامین والای انسانی و اجتماعی که در زندگی ایشان وجود دارد این نویسنده مسیحی را بر آن داشت تا درباره پیام رسان مهم کربلا کتابی بنویسد تا نشان دهد اگر حضرت زینب نبود، پیام کربلا به جهانیان مخابره نمی‌شد و همه چیز در کربلا باقی می‌ماند. این کتاب «زینب صرخه اُکملت مسیره»



سرداری آزاده و بی‌همتا در جهان می‌داند و معتقد است هیچ کس دیگری جز حضرت زینب نمی‌توانست سخنگوی خوبی برای واقعه عاشورا باشد و این مصائب و سختی‌ها را تحمل کند و با صبر و استقامتش این چنین وقایع را به گوش همگان برساند.

«معجزه امام حسین(ع) برای نویسنده مسیحی»

نویسنده مسیحی کتاب «حسین در تفکر مسیحیت» بارها توفیق زیارت اهل بیت(ع) را داشته است. او احساس خود را درباره این تشریف این چنین بیان می‌کند: «در حرم اهل بیت، حس و حال خاصی حاکم است. هر کس که آنجاست با زبان دل با اهل بیت صحبت می‌کند که عجیب است و بیان کردنی نیست. یک بار از نجف تا کربلا پیاده‌روی کردم تا بتوانم به زیارت امام حسین بروم بدون اینکه کسی از من خواسته باشد. فقط عشق به امام حسین بود که مرا این‌طور گرسنه و تشنه به سمت خودش

است که دلیل این نامگذاری هم مسئولیت بزرگی است که به دوش حضرت زینب گذاشته شد و ایشان توانست به خوبی از پس آن بربیاید. آنتوان بارا می‌گوید: حضرت زینب با فریادهای خود از زمان به شهادت رسیدن امام حسین(ع) تا لحظه اسارت و وارد شدن به کاخ یزید پیام نهضت کربلا را به همه ابلاغ کرد. اسم کتاب در چاپ فارسی «زینب، فریاد فرمند» است که با ترجمه غلامرضا انصاری در ایران منتشر شده است. به گفته آنتوان بارا، او این کتاب را بعد از ۲۵ سال تحقیق و پژوهش درباره زندگی خانوادگی حضرت زینب(س) و فعالیت‌های او پس از واقعه خونین عاشورا گردآوری کرده است. او در این کتاب تلاش کرده که با کلامی ساده و با روایت ادبی، به بیان تاریخ تلخ و حقیقت غم‌انگیز کربلا بپردازد که خواننده را جذب و متأثر کند. او می‌گوید که می‌خواسته به همه ثابت کند تا دنیا هست کربلا هم هست و عشق و شور امام حسین(ع) هم تداوم دارد. آنتوان بارا امام حسین(ع) را

تفاوت دارد. « آنتوان بارا، بارها در حین سخنرانی درباره زندگی امام حسین (ع) چنان متأثر شده که برای ابعاد... اشک هم ریخته است. می گوید: «نمی شود داستان زندگی و مصائبی که در روز عاشورا پیش آمد را بخوانیم و اشک نریزیم. خصوصا ماجرای علی اصغر شش ماهه و تیری که به گلولی این نوزاد اصابت کرد، بیشتر از هر کدام از مصیبت ها مرا متأثر می کند و از من اشک می گیرد. من برای همه ادیان از این واقعه صحبت کرده ام و می بینم که آنها هم با گوش دادن به این وقایع، متأثر می شوند.»

« قدر امام تان را نمی دانید

آنتوان بارا، نویسنده و محقق مسیحی که سال های زیادی را صرف تحقیق و پژوهش درباره زندگی این حضرت کرده معتقد است که مسلمانان و شیعیان، قدر این بزرگوار را نمی دانند و آن طور که باید و شاید از شخصیت و زندگی او استفاده نمی برند. او در این باره می گوید: «قیام امام حسین تنها یک واقعه تاریخی نیست و نباید فقط آن را یک حماسه دانست. این حماسه، میزان زیادی تعالیم و آموزه دارد که مغفول مانده است و دیده نمی شود. حسین (ع) به ما یاد داد که وقتی حب دنیا مطرح است، باید با دنیادوستی هم جنگید و همه چیز را بر سر عقاید معنوی گذاشت.» به اعتقاد این نویسنده سوری تبار، باید آموزه هایی مثل دوری از دنیا، پرهیز از حرص و توجه نسبت به زرق و برق دنیا و مردم دوستی را از این حماسه درک کنیم و در زندگی امروزمان به کار گیریم. او می گوید که نباید صرفا به وقایع ظاهری کربلا اکتفا کنیم بلکه باید مفاهیم عمیق تری را از آن کسب کرده و اجرا کنیم. از نظر آنتوان بارا، ما آموزه های این نهضت را در عمل پیاده نکردیم و به آن بی توجه بوده ایم. او می گوید: «وظیفه شما این است که بدانید امروز از طریق بیان سخنان حق و یاری مظلوم، چطور به اصلاح جامعه بپردازید و امانتی را که امام حسین (ع) بر دوشتان گذاشته را این طور به جهانیان برسانید. نباید از حسین تنها عزاداری در ایام خاص باقی بماند بلکه باید روح قیام او، یعنی مبارزه با ظلم و نابرابری هم تحقق پیدا کند.»



ماشین خاموش شد و دیگر روشن نشد. تعمیرکاری که برای درست کردنش آمده بود می گفت چطور توانستی با این ماشین رانندگی کنی چون قطعه ای از آن ذوب شده و اصلا نباید ماشین روشن شود! من این واقعه را معجزه می دانم که ماشین مرا برای زیارت به کربلا رساند....»

« تاثیر سیدالشهدا در زندگی

آنتوان بارا درباره تأثیری که امام حسین (ع) در زندگی او داشته می گوید: «وقتی به زندگی این حضرت فکر می کنم از حالت دنیایی و مادی کنده می شوم و به سمت معنویت می روم. سبک زندگی ایشان باید الگویی برای همه عالم باشد. همه فکر و اعتقادات من هم تحت تأثیر شخصیت امام حسین قرار گرفته و معتقدم که با این همه تحقیق و پژوهش درباره عاشورا و خود امام حسین، هنوز ناگفته های بسیاری وجود دارد و این شخصیت، مانند دریا تمام ناشدنی است و با شخصیت های عادی تاریخی

می کشاند. در یکی از این سفرها، معجزه ای هم دیدم. یک روز در یکی از خیابان های بغداد در حال رانندگی بودم که ماشینم خراب شد. با کمک مردم ماشین را پایین پل بردم و به تعمیرگاه زنگ زدم تا کسی را برای درست کردنش بفرستند.

همان موقع که داشتم با تلفن حرف می زدم یک پیرزن خرما فروش را دیدم که در کنار خیابان بساط کرده بود. رو به من کرد و گفت که بیا این خرماها را بگیر و بخور و برای زائران امام حسین هم ببر. قبول کردم و خرماها را در ماشین گذاشتم و ناامیدانه استارت زدم. ماشین روشن شد و قبل از اینکه تعمیرکار بیاید مرا به کربلا رساند. هنوز هم نمی دانم آن پیرزن از کجا می دانست من به کربلا می روم! وقتی به کربلا رسیدم، فردی که نمیشناختمش جلوی من را گرفت و گفت که چرا خبر ندادم به کربلا می روم؟! بعد هم سراغ خرماها را گرفت.

چند روزی در کربلا ماندم و سپس به سمت کشورم حرکت کردم. وقتی به خانه رسیدم



کلام اندیشمندان ادیان دیگر درباره سیدالشهدا

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست

به او گفتند ما با تو هستیم و اگر ۷۰ بار کشته شویم، باز می‌خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم.»

« گابریل انگری

انگری، نویسنده فرانسوی در کتاب «علی (ع) و حسین (ع) دو قهرمان اسلام» می‌نویسد: «به عوض اینکه واقعه کربلا، موجب ترس طرفداران حسین (ع) و علی (ع) شود، شجاعت شیعیان را برانگیخت و آنان را به گرفتن انتقام تهییج کرد. آرامگاه حسین در کربلا بعد از کعبه، بدون تردید دومین زیارتگاه مسلمانان است. جنایت کربلا وحشت‌انگیز و غیرانسانی بود.»

« کارل بروکلمان

بروکلمان، خاورشناس و محقق آلمانی در کتاب «تاریخ و ملل دول اسلامی» آورده است: «شهادت حسین (ع) علاوه بر نتایج و اثرات سیاسی، موجب تحکیم و اشاعه مذهب شیعه شد و این مذهب مرکز و مظهر تمایلات ضدعرب شد.»

شخصیت و زندگی اباعبدا... و قیام عظیم آن حضرت آنقدر بزرگ و تاثیرگذار است که از دید متفکران و پژوهشگران غیرمسلمان هم پنهان نمانده و اندیشمندان و بزرگان بسیاری درباره این حضرت و حماسه کربلا اظهارنظر داشته‌اند. در اینجا به بیان نظریات چند تن از آنان می‌پردازیم.

« جرج جرداق

این پژوهشگر فقید که زمان زیادی را صرف مطالعه روی زندگی امیرالمومنین کرده است درباره سیدالشهدا می‌گوید: «حسین بن علی (ع) امام عادل بود و در جنگ با یزید فاسق دستور شرعی داشت. من پی بردم که حسین (ع) ادامه‌دهنده راه پدرش علی (ع) است و به این موضوع نیز در نوشته‌هایم اشاره کرده‌ام. از فسق معاویه و جنایت وی و همچنین ظلم یزید و زورگویی‌های وی نیز زیاد نوشته‌ام... وقتی یزید، مردم را تشویق به قتل امام حسین (ع) و مامور به خونریزی می‌کرد، آنها می‌گفتند چه مبلغی به ما می‌دهی؟ اما انصار حسین (ع)

« ادوارد براون

این مورخ و دانشمند انگلیسی می گوید: «به عقیده ما دسته شیعه یا طرفداران علی (ع) به قدر کافی هیجان و ازخودگذشتگی نداشتند، ولی پس از حادثه کربلا قضیه دگرگون شد و تذکار زمین کربلا که به خون فرزند پیامبر آلوده بود و یادآوری عطش سخت وی و نعلش نزدیکیانش که اطرافش روی زمین ریخته بود، کافی بود که عواطف سست‌ترین مردم را به هیجان آورد و روح‌ها را غمگین کند؛ چنانچه به رنج و خطر و حتی نسبت به مرگ بی‌اعتنا شوند، آیا قلبی پیدا می‌شود که وقتی درباره کربلا سخن می‌شنود، آغشته به حزن و اندوه نشود؟»

« فردریک جمس

او می‌گوید: «درس امام حسین (ع) و هر قهرمان شهید دیگر این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیرند. همچنین می‌رساند که هر گاه کسی برای این صفات ابدی مقابله کند و بشر در راه آن پافشاری کند، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند.»

« رینو جوزف

این مستشرق فرانسوی و مولف کتاب اسلام و مسلمین این‌طور می‌نویسد: «شیعه دین خود را با شمشیر پیش نبرده، بلکه با نیروی تبلیغ و دعوت پیشرفت کرده و اهتمام آنها به برگزاری مراسم سوگواری موجب شده تقریباً دوثلث مسلمانان و بلکه جماعت از هند و مجوس و سایر مذاهب نیز با آنان در عزای حسین (ع) شرکت کنند.»

« چارلز دیکنز

دیکنز، نویسنده شهیر انگلیسی می‌گوید: «اگر منظور امام حسین (ع) جنگ در راه خواسته‌های دنیایی خود بود، من نمی‌فهمم چرا خواهران و زنان و اطفالش همراه او بودند. پس عقل چنین حکم می‌کند که او فقط به خاطر اسلام فداکاری کرد.»

« کورت فریشلر

این مورخ آلمانی در کتاب «امام حسین و ایران» نوشته است: «امام حسین (ع) در فداکاری قدم را از حدود فدا کردن خود برتر نهاد و فرزندان را هم فدا کرد... تصمیم ثابت حسین (ع) برای فداکاری مطلق نه ناشی از لجابت بود و نه معلول هوی و هوس. او با پیروی از عقل، مصمم شده بود به‌طور کامل فداکاری کند تا اینکه مجبور نشود برخلاف پرنسیب (عقیده، آرمان والا) خود به وسیله سازش کاری با یزید بن معاویه و زندگی ادامه دهد. می‌دانیم که حسین (ع) خود را برای کشته شدن آماده کرده بود و او که عزم داشت خویش را فدا کند. چرا توقف نکرد تا به قتلش برسانند و چرا دائم اسب می‌تاخت و شمشیر می‌انداخت... حسین (ع) دست روی دست گذاشتن و توقف برای کشته شدن را دور از مردانگی و جهاد در راه پرنسیب خود می‌دانست. در نظر حسین (ع) در همانجا توقف کردن و گردن بر قضا دادن، تا اینکه دیگران نزدیک شوند و او را به قتل برسانند خودکشی محسوب می‌شود؛ یک مرد دلیر و با ایمان خودکشی نمی‌کند.»

“

به عوض اینکه واقعه کربلا، موجب ترس طرفداران حسین (ع) و علی (ع) شود، شجاعت شیعیان را برانگیخت و آنان را به گرفتن انتقام تهییج کرد. آرامگاه حسین در کربلا بعد از کعبه، بدون تردید دومین زیارتگاه مسلمانان است. جنایت کربلا وحشت‌انگیز و غیرانسانی بود

« مسیو ماربین

او که دانشمند و محقق آلمانی بود درباره این حضرت می نویسد: «تاریخ عاشورا کاملاً نشان می دهد که هیچ یک از شهیدان کربلا عمداً خود را به کشتن نداده اند، بلکه هر یک از کشته شدگان مورد هجوم و تاخت و تاز سپاه دشمن قرار گرفته و مظلومانه از پای درآمدند. هر یک از این شهدا به اندازه مظلومیت شان بر عظمت و بزرگی اسلام افزوده اند؛ ولی شهادت حسین (ع) از همه مهم تر و از روی دانش و بصیرت و سیاست انجام گرفت و این شهادت و شهامت در تاریخ بشریت نظیر نداشته است.»

« توماس مان

این نویسنده و متفکر آلمانی می گوید:

«اگر بین فداکاری مسیح و حسین (ع) مقایسه شود، حتماً فداکاری حسین پرمغزتر و باارزش تر جلوه خواهد کرد. زیرا مسیح روزی که آماده برای فدا شدن شد زن و فرزند نداشت و در فکر آنان نبوده که بعد از او به چه سرنوشتی دچار خواهند آمد. امام حسین (ع) زن و فرزند داشت و بعضی از آنها کودک خردسال بودند و احتیاج به پدر داشتند.»

« توماس کارلایل

کارلایل دانشمند بزرگ انگلیسی است که درباره عاشورا چنین نظری دارد: «بهترین درسی که از تراژدی کربلا می گیریم این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند. آنان با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق و باطل روبه رو می شوند اهمیت ندارد. پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت موجب شگفتی من است.»

« گاندی

رهبر شهیر انقلاب بزرگ هندوستان می گوید: «من زندگی امام حسین (ع)، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده ام و توجه کافی به صفحات کربلا کرده ام، بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز شود، باید از سر مشق امام حسین (ع) پیروی کند.»

« موسیو گبن

این مورخ انگلیسی می نویسد: «با آنکه مدتی از واقعه کربلا گذشته و ما هم با صاحب واقعه هم وطن نیستیم، معذک مشقات و مشکلاتی که امام حسین (ع) تحمل کرد احساسات سنگدل ترین خواننده را برمی انگیزد، چنانکه یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد. فاجعه کربلا و مصیبتی که بر حسین بن علی (ع) وارد شده، بعد از قرن ها متمادی و اقالیم خیلی دور دست حس شفقت و همدردی خونسردترین و دل سخت ترین خواننده را تحریک کرده و منقلبش می کند.»

« توماس ماساریک

ماساریک، یک کشیش اروپایی بود. او نظرش درباره امام حسین را چنین بیان می کند: «گرچه کشیشان ما هم از ذکر مصائب حضرت مسیح مردم را متأثر می سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین (ع) یافت می شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد. گویا سبب این باشد که مصائب مسیح در برابر مصائب حسین مانند پر کاهی است در مقابل یک کره عظیم پیکر.»

« عباس محمود عقاد

این نویسنده و ادیب مصری می نویسد: «جنبش حسین، یکی از بی نظیرترین جنبش های تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوت های دینی یا نهضت های سیاسی پایدار شده است... دولت اموی پس از این جنبش، به قدر عمر یک انسان طبیعی، دوام نیاورد و از شهادت حسین تا انقراض آنان بیش از شصت و اندی سال نگذشت.»



سید مهدی حائری زاده، استاد حوزه و دانشگاه در گفت و گو با ماهنامه «هیئت» مطرح کرد

پارکاب ولایت باشید تا از نفاق نجات یابید

هیچ بهره و توشه لازم را نبرده اند. لذا می بینیم اینها ظواهر شریعت را خوب لحاظ می کردند، ولی عمل نمی کردند. کسی که امام حسین (ع) را مهدور الدم بداند، کشتن امام حسین (ع) را واجب بداند و او را بکشد و تبلیغات سوء علیه امام بکند، کاملاً مشخص است که این شخص حقیقت دین را نشناخته و اینها به قول شاعر: چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند؛ ظاهرشان را خوب حفظ می کردند ولی به جایش هم که می رسید آن حقیقت خودشان را نمایان می کردند، همانطور که در آیه آمده است: «وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ» (بقره، آیه ۱۴)، وقتی با امثال خودشان دمخور می شدند، آن حقیقت خودشان را رو می کردند و این دال بر آن است که ظرف و حقیقت دین را درک نکرده اند.

نداشتند یا اینکه حتی مقام امام را به اندازه ظرف خودشان می شناختند چون منافع دنیوی شان به خطر می افتاد به همین دلیل در مقابل امام جبهه گرفتند. من اگر بخوام شبیه سازی کنم، در واقع تفکر کسانی که مقابل امام حسین (ع) ایستاده بودند و مبتلا به نفاق بودند مثل همین تفکر داعشی ها و سلفی های امروز است که با وجود اینکه اهل نماز و روزه و مستحبات هستند، به راحتی حکم تکفیر افراد را صادر می کنند و کسانی هم که در مقابل امام ایستادند، افرادی بودند که در واقع آن حقیقت خودشان را ظاهر کردند. مثال های شخصیتی مثل شمر که ۱۶ بار به مکه رفته است و مقید به نماز جماعت بوده است، یا عمر سعد حافظ کل قرآن بوده است ولی متأسفانه از حقیقت و روح قرآن که ولایت است،

زمانی که مسلم بن عقیل به کوفه آمد و نامه امام حسین (ع) را برای مردم خواند، همه گریستند زیرا می دانستند که این نامه از جانب امام حسی (ع) است. اما جریان نفاق از همین مردم لشکری به وجود آورد که آنگونه فرزند پیغمبر (ص) را مهدور الدم کردند و با کشتن خواستار بهشت شدند! حجت الاسلام سید مهدی حائری زاده در گفت و گو با ماهنامه «هیئت» از نقش نفاق در شکل گیری حادثه کربلا می گوید.

«اگر بخواهیم از منظر فرهنگ عاشورا به مساله نفاق نگاه کنیم چه می بینیم؟ در کربلا کسانی که در جبهه مخالف امام حسین (ع) بودند، ظواهر شریعت را انجام می دادند؛ یعنی اهل نماز و روزه بودند و تقیدات دینی خودشان را داشتند ولی متأسفانه چون معرفت به مقام امام



« به نظر شما نفاق چقدر در شکل‌گیری واقعه کربلا نقش داشته است؟

قبل از اینکه من جواب شما را بدهم، بعضاً در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌گویند امام حسین (ع) را مسلمان‌ها کشته‌اند. خیر این‌گونه نبوده، امام حسین (ع) را منافقین کشته‌اند، اگر ما بخواهیم ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی کنیم، این مساله خیلی به عقب‌تر برمی‌گردد. به این معنا که قبل از اینکه امام حسین (ع) را ترور فیزیکی کنند و مهدور الدم اعلام کنند، امام حسین (ع) را ترور شخصیتی کردند، حوادثی که بعد از رحلت پیامبر (ص) پیش آمد و نقل حدیث ممنوع شد، بازار جاعلان حدیث فراوان شد؛ کار به جایی رسید که اینها روی ذهن و افکار مردم، فرهنگ و ذائقه مردم کار کردند تا جایی که امام حسین (ع) را به راحتی می‌کشند و آب از آب هم تکان نمی‌خورد، به تعبیر حضرت آقا که فرمودند حتی سر مقدس امام را می‌آورند در کوفه می‌چسبانند، کوفه‌ای که ۲۰ سال قبلش مرکز حکومت امیرالمؤمنین (ع) بوده است، آب از آب تکان نمی‌خورد. می‌خواهم بگویم این رگه‌های نفاق برمی‌گردد به وقایعی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) ایجاد شد و کسانی منافقانه آمدند بر مسندی که صلاحیت و قابلیت آن را نداشتند، تکیه زدند و امیرالمؤمنین (ع) را از خلافت دور کردند و باعث خسران خودشان و جامعه‌ی اسلامی شدند.

« چطور حرکت

در مسیر امام حسین (ع)

می‌تواند نفاق را رسوا و سرنگون کند؟

اینکه پیامبر (ص) فرمودند «کل الخیر فی باب الحسین»، یعنی اصلاً خود امام حسین (ع) نماد و هویت شیعه است، بنابراین باید دنباله‌رو امام بود. وقتی می‌گوییم: سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ؛ درواقع داریم اعلام موضع می‌کنیم، می‌بینیم

66

ما باید ببینیم حضرت آقا که ولی ما هستند چه می‌فرمایند؛ زاویه ما همان زاویه‌ای باشد که حضرت آقا دارند و ملاحظات و نکاتی که حضرت آقا دارند. ما خودمان را با این تراز در رفتار، اخلاق و اعتقادات مان تربیت کنیم. در صحنه‌های گوناگون اجتماعی مانند انتخابات، حضرت آقا همیشه نکاتی را می‌گویند که به افرادی رای بدهید که دارای فلان ویژگی‌ها باشند

همین زیارت عاشورا، قطعنامه عاشوراست، خیلی شفاف و روشن بیان می‌کند، حتی یک جاهایی اسم هم می‌برد: وَلَعِنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعِنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعِنَ اللَّهُ شَمْرًا؛ در واقع با امام حسین (ع) بودن: أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، باعث می‌شود که انسان در جبهه حق قرار بگیرد و ملاحظات فامیلی-قبیله‌ای را کنار بگذارد. با امام حسین (ع) بودن یعنی اینکه انسان باید هزینه بدهد و هزینه‌اش هم این است که ممکن است انسان را بی‌آبرو کنند، ممکن است انسان کشته شود؛ اما به هر حال با امام بودن خیر دنیا و آخرت است. در واقع نماد برخورد با مجموعه تفکر منافقین است وقتی ما در زیارت عاشورا می‌گوییم: لعن الله آل ابی سفیان، این (آل) در لغت به معنای کسانی است

«در آخر بفرمایید شناخت نفاق با توجه به شرایط موجود چطور باید صورت بگیرد و با همین شرایط چطور می شود با آن مقابله کرد؟»

مردم هر موقع که پا رکاب ولایت و پا رکاب امامشان بودند لطمه ندیدند، هر موقع که زاویه گرفتند، از منویات ولی شان دور شدند خودشان ضررش را دادند. الان هم همین جور است، ما باید ببینیم حضرت آقا که ولی ما هستند چه می فرمایند؛ زاویه ما همان زاویه ای باشد که حضرت آقا دارند و ملاحظات و نکاتی که حضرت آقا دارند. ما خودمان را با این تراز در رفتار، اخلاق و اعتقادات مان تربیت کنیم. در صحنه های گوناگون اجتماعی مانند انتخابات، حضرت آقا همیشه نکاتی را می گویند که به افرادی رای بدهید که دارای فلان ویژگی ها باشند. طبیعتاً خطوط کلی را ایشان تبیین می کنند. بنابراین کسانی می توانند از منجلاب نفاق و دنیای پرتلاطم امروزی عبور کنند که خودشان را با منویات مقام معظم رهبری وفق دهند زیرا خیر دنیا و آخرت درونش نهفته است.

تخصص های مختلف، اتفاقی که در زمان امام صادق (ع) افتاد؛ از طریق شبکه های ارتباطی توسط «وکلا»، اتفاقی که در زمان امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) افتاد؛ در واقع به نوعی با جریان نفاق و آگاه سازی آنها برخورد می کردند، در فرصت های مختلفی که پیدا می کردند، اگر دوستان در جلسه حاضر بودند جریان نفاق را کاملاً تبیین می کردند و اگر غریبه هایی بودند که به هر حال ظرفیت نداشتند یا به هر دلیل، سعی می کردند در لفافه و به صورت غیرمستقیم، این مطالب را عنوان کنند. من در روایات می گشتم، دیدم از مجموعه روایات حدود ۵۲ علامت از مجموعه آیات و روایات استفاده می شود که اینها ویژگی ها و علائم منافقان است که حتی در بعضی از روایات آمده که اگر دیدید خوب گریه می کنند به گریه شان صرفاً نگاه نکنید شاید گریه این منافقین حربه ای برای پیشبرد مقاصد شومشان باشد.

که پیوند فکری و اعتقادی (با جبهه منافقین) دارند، می گوییم تا قیامت لعن شوند: الی یوم القیامه، بنابراین وقتی ما با امام حسین (ع) باشیم به این معناست که انزجار و نفرت خودمان از جریان نفاق را که در طول تاریخ از صدر اسلام تا کنون بوده است اعلام می کنیم و کسی که در جبهه امام باشد، هم موقعیت را می شناسد، هم راهکارهای دشمن را می داند؛ لذا ما می توانیم اینها را از بیانات امام استفاده کنیم.

«اثمه بعد از امام حسین (ع) چگونه با مساله نفاق موجود در زمان خودشان برخورد کردند؟»

از چند طریق؛ یکی از راه کانال «تقیه»، یکی از روش هایی است که اثمه (ع) ما داشتند و می فرمودند: التقیه دینی و دین آبائی؛ خیلی از مطالب را به آنهایی که ظرفیتش را نداشتند نمی گفتند زیرا ممکن بود این افراد از روی سادگی و کم ظرفیتی شان بروند به دیگران بگویند؛ از طریق «تربیت شاگردان» در حوزه ها و

توجه خاص قرآن به منافقان

قرآن اهتمام بسیاری به مساله منافقان نشان می دهد. این اهتمام قرآن - که در همان آغازین سوره بقره که سوره مدنی و تبیین مساله دولت اسلامی است و نیز سوره منافقان و سوره های دیگر مطرح می شود - از این روست که می خواهد مسلمانان و امت و دولت اسلامی را از خطر مهمی پرهیز دهد که همان جریان نفاق است. جریانی ریشه دار و در حرکت و تحرک بسیار که حزب و گروه های متشکل زیرزمینی و محافل خاص خود را دارد. انعکاس کنش ها و واکنش های منافقان در آیات و سوره های مختلف قرآنی از این روست که مومنان حال و آینده از جریان نفاق اطلاعات درست و کاملی به دست آورند و خود را با خطر درونی و دشمن نزدیک آشنا کنند و به مقابله با آن برخیزند.

روش حکومتی اسلام بر این پایه بنیاد گذاشته شده بود که هر کسی که بخواهد به امت متصل شود و به عنوان شهروندان امت اسلام و دولت اسلامی درآید به سادگی بتواند به این عنوان دست یابد.

قرآن از گروهی یاد می کند که به عنوان مولفه قلوبهم در فقه اسلامی و فقه سیاسی اسلام مطرح است. این مولفه قلوبهم اختصاص به مسیحیان نداشته و ندارد و شامل همه کسانی می شود که خواه ناخواه جزئی از جامعه اسلامی و شهروندان آن به شمار می آیند. از سوی دولت اسلامی مقداری از بودجه عمومی چون زکات و صدقات به آنان داده می شود تا به تدریج جذب جامعه اسلامی شوند و از راه عاطفه و محبت، آنان را به سوی دین بکشانند. دست کم این فرصت فراهم می شود تا نسل های آینده ایشان وارد امت اسلام شده و دین حق را برگزینند. با این همه دولت اسلامی آنان را نباید وارد کارهای حساس کند و دخالت دهد.

این گونه است که جریان نفاق در نهضت عاشورایی نه تنها حاکمیت و قدرت اسلامی را در دست می گیرد و در عصر عاشورایی میدان سیاست در دستان ایشان است بلکه حتی میدان دین و شرع نیز به ایشان واگذار می شود و آنان به عنوان حاکم اسلامی، دین را به شکل واژگونه معرفی می کنند؛ جامه و پوستین اسلام وارونه پوشیده می شود و اصول، جای خود را به فروع می دهد و نمادها جای اصول را می گیرد. حق و عدالت و اختیار جای خود را به ظلم و بی عدالتی و جبر می سپارد و دین خدا با یقه هوسرانان و دنیاگرایان می شود.

نقش زنان در حضور حماسی اربعین

فاطمه چمن خواه
رئیس حوزه علمیه بانوامین

در رابطه حضور زنان در اربعین دو نکته مطرح می شود که باید به بررسی آن بپردازیم. نکته اول زیارت امام حسین (ع) در روزهای مختلف سال است و نکته دیگر هم حضور

در مناسبت ویژه اربعین است. درباره قسمت اول باید بگویم برای رسیدن به عمق مساله اربعین و اصل پیاده روی باید به روایات و سخنان ائمه رجوع کنیم تا متوجه مفهوم اصلی این حرکت حسینی بشویم. سخنانی که در آن زیارت امام حسین (ع) سفارش شده و محدودیتی برای زن و مرد یا پیر و جوان بودن آورده نشده است. مثلاً در یکی از این روایات آمده است اگر کسی فقیر است و توانایی مالی ندارد حتماً سالی یکبار به زیارت اربعین برود اما اگر فقیر نیست سالی چندبار برود. ائمه اطهار عجیب روی این موضوع تاکید دارند و هرچه بیشتر روی روایات دقیق می شویم ارتباط زیارت امام حسین (ع) با اصل شیعه بودن را بهتر متوجه می شویم.

هر چه به اهل بیت (ع) نزدیک تر باشیم معنای دیدار را بهتر می فهمیم. اگر شما کسی را خیلی دوست داشته باشید سعی می کنید مدام به دیدار او بروید و او را از نزدیک ببینید. حال اگر این فرد امام معصوم باشد که دیگر جای خود دارد. دوست دارید که بیشتر به زیارت او بروید و از حضور او استفاده کنید. اما نکته دوم که اینجا مطرح می شود زیارت امام حسین (ع) در مناسبت هاست. مناسبت هایی که گاه در نیمه شعبان، گاه در شب های قدر یا ایام ولادت خود حضرت بروز می کنند اما هیچ کدام به پای زیارت اربعین نمی رسند. در خود زیارتنامه اربعین هم ویژگی های مخصوص به این زیارت ذکر شده که حاوی نکات ارزشمندی است و یکی از آنها همین تفاوت شاخص زیارت اربعین با دیگر زیارت هاست.



کنم. می‌خواهم بگویم می‌شود این موضوع را کنترل کرد. در طول مسیر راهپیمایی مشکل چندان از نظر ازدحام وجود ندارد و در مسیر افراد با هم برخورد ندارند اما فشردگی جمعیت برخورد افراد در ورودی کربلا به قدری است که اگر کسی حواسش نباشد حتماً دچار برخورد خواهد شد. در کنار مردم رفتن ممکن است باعث شود زن و مرد با هم برخورد داشته باشند اما باز هم می‌شود آن را کنترل کرد. می‌شود این ازدحام را مدیریت کرد به شرط آنکه اصرار بر حضور در راهپیمایی باشد، نه زیارت اربعین. یعنی زائران خصوصاً زنان اصرار نکنند که وارد حرم شوند و ضریح را زیارت کنند چراکه برای رسیدن به این مهم باید سختی‌های زیادی را به جان بخرند که خیلی‌هاش لزومی ندارد. بحث محرم و نامحرمی یکی از این مصائب است.

اگر هم می‌خواهند زیارت کنند و بر این مساله اصرار دارند، زمان‌های خاصی را برای آن انتخاب کنند، اگر نصف شب رفت و آمد کنند می‌شود این موارد را رعایت کرد.

ما باید از امام خمینی (ره) یاد بگیریم که ایرادات زیادی به عدم حضور زنان وارد می‌کردند چون می‌دانست افرادی می‌خواستند خانم‌ها را کنار بگذارند اما امام این را نمی‌خواست و با آن مبارزه می‌کرد. اکنون هم من به همراه بچه‌ها و نوه‌هایم به زیارت اربعین می‌روم کار سختی است، شرایط سخت است اما ناممکن نیست. همین بچه‌ها اگر بیایند و کودکان هفت، هشت ساله عراقی را ببینند که چه طور از زائران اباعبد... پذیرایی می‌کنند خود بزرگ‌ترین کار فرهنگی است که پدر و مادرها می‌توانند انجام دهند. همین‌طور اینکه تحمل کودکان را بالا می‌برند پدر و مادرها خود هم باید تحمل کنند. برنامه‌ریزی کنند و کودکان خود را به این سفر بیاورند.

مطمئناً اجر معنوی و تاثیرات روانی بر عاقبت بخیر شدن کودکان‌شان را در این سفر بعدها مشاهده خواهند کرد.



حضور در راهپیمایی اربعین باید بتوانند یاد آنها را زنده نگاه دارند. در واقع ما به پیروی از آنها به پیاده‌روی می‌رویم. برای دفاع از حضرت زینب و راه ایشان، مسیری که ممکن است با سختی همراه باشد اما سخت‌تر از مصیبت‌های حضرت زینب (س) نیست. مقام معظم رهبری هم تأکید ویژه‌ای می‌کنند بر این نکته که جمعیت بانوان هم به اضافه شدن جمعیت شیعیان کمک می‌کند. البته یک عده‌ای هم بحث محرم و نامحرم را مطرح می‌کنند که البته راست هم می‌گویند.

به هر حال حضور در جایی که جمعیت فراوانی آنجاست و احتمال برخورد زن و مرد وجود دارد خطرپذیری بالایی است و افرادی که به این سفر می‌روند باید رعایت کنند اما من خودم به این سفر رفته‌ام و این موضوع هم برایم مهم است بنابراین حواسم را جمع می‌کردم که رعایت

نکته دیگری هم اینجا مطرح می‌شود که البته نظیر آن را در روایات بسیار دیده‌اید. یکی از صفات مومن زیارت اباعبد... در اربعین است.

تمام اینها نکات بسیار مهمی هستند، از اینها مهم‌تر مساله عقیدتی اربعین است. اخیراً زیارت اربعین حکم راهپیمایی را برای ما دارد، مثل دهه فجر یا مثلاً راهپیمایی روز قدس. حضور زن یا مرد هیچ فرقی ندارد. پیر و جوان، مریض و سالم در هر حالتی که هستند همه باید بروند حتی در طول مسیر ما کسانی را می‌بینیم که با پاهای فلج یا دست شکسته مسیر را طی می‌کنند بنابراین عذر کمتر از اینها پذیرفته نیست، گرچه همین‌ها هم رفع شدنی هستند.

از طرفی این راهپیمایی شعار اسلام است مثلاً ما یک شعاری داریم در حج که در آنجا همه مسلمانان اعم از حنفی، شافعی و شیعه یک شعار را سر می‌دهند و آن حمایت از اسلام است اما در راهپیمایی اربعین بحث جزئی‌تر می‌شود و این حضور شیعیان است که به رخ جهانیان کشیده می‌شود.

در اینجا مهم‌ترین نکته برای ما ولایت است. ولایت همیشه برای شیعه خاص و روشن بوده است. دفاع از ولایت هم وظیفه ماست. اصل ولایت همان تفکر حسینی است که امام حسین (ع) خود را به خاطر آن به کربلا رساندند و ما اکنون باید در این راهپیمایی حضور پیدا کنیم تا ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین (ع) را لبیک گفته باشیم و ادامه‌دهنده راه ایشان باشیم. حضور در راهپیمایی اربعین نماد اتحاد شیعیان در مقابل دشمنان اهل بیت است. نماد اتحاد مسلمانان به خصوص شیعیان است.

از سوی دیگر در زیارت اربعین خانواده امام حسین (ع) نیز نقش ویژه و مهمی دارند که باید به آن توجه شود. اسارت حضرت زینب (س) و حضرت رباب یا شهادت حضرت رقیه (س) در خرابه‌های شام ادامه راه کربلاست که بانوان با



مسئول واحد خواهران هیات قرآن و عترت:

تاکید ما بر اجرای منویات رهبری در هیات است

برنامه‌های ویژه هیات پیروان عترت در سراسر کشور است.»

برگزاری دوره‌های آموزشی از دیگر برنامه‌های پیروان عترت است که تاکنون چهار دوره ویژه مسئولان هیات‌های کشور، به صورت متمرکز برگزار شده است.

مسئول خواهران هیات رزمندگان اضافه کرد: «فعالان هیات روایات و احادیثی را که از این عزیزان در دست است جمع‌آوری می‌کنند و در هیات در قالب روضه برای مخاطبان قرائت می‌کنند و جلسات هم‌گاهی به صورت تفریحی، مناسبتی و خانگی برگزار می‌شود که این برنامه‌ها، مراسمات دیگری را نیز در برمی‌گیرد. مثلاً کلاس‌های معرفتی و سبک زندگی اسلامی یکی از کارهایی است که انجام می‌دهند. همین‌طور اجرای منویات رهبری که در بحث تربیتی مطرح می‌شود نیز در

پیوستند. حدود ۳۰۰ هیات در کشور داریم که فعالیت‌های تقریبی می‌کنند و بخش عظیمی از این هیات‌ها چیزی در حدود ۲۷۰ تا ۲۸۰ هیات هستند که فعالیت مداوم دارند و یک تعدادی هم نیمه‌فعالند که البته به بخش‌ها و شهرستان‌ها هم کشیده شده است.»

او ادامه داد: «موضوعی هم که در هیات‌ها وجود دارد مناقب و تمجید از بانوان ائمه اطهار است مثل حضرت زهرا سلام... علیها، حضرت زینب سلام... علیها و حضرت معصومه سلام... علیها.»

ساکت همچنین درمورد موضوعات مورد بحث در هیات هم گفت: «ازدواج آسان، عفاف و حجاب، بزرگداشت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام... علیها، وفات حضرت زینب و حضرت خدیجه سلام... علیها، سه سالگان حسینی، شیرخوارگان و... ازجمله

فعالیت‌های هیات‌های حسینی در سراسر کشور سال‌های زیادی است که مخاطبان جوان را به خود جذب کرده و به تربیت دینی آنان می‌پردازد.

هیات پیروان عترت رزمندگان اسلام نیز یکی از همان‌هاست. جایی که علاوه بر یادآوری اصل دین و اتفاقات به جوانان الگوهای عصر جدید را هم به این بچه‌ها نشان می‌دهند تا رسیدن به مقام شهادت دور از دسترس نباشد.

در همین راستا گفت‌وگویی با مسئول واحد خواهران هیات پیروان داشتیم که ابعاد این قضایا را بیشتر برای مخاطبان روشن می‌کند. زهرا ساکت در گفت‌وگو با ماهنامه «هیات» درباره فعالیت‌های هیات پیروان عترت واحد خواهران و نیز سیاست‌های کلی آن گفت: «از سال ۸۰ در تهران شروع به فعالیت کردیم و بعد از مدتی بقیه شهرستان‌ها نیز به ما

وظایف سنگینی برعهده دارند. فردای قیامت باید پاسخگو باشند. این بودجه‌ها در چه مصارفی خرج می‌شود. باید بتوانند با بودجه‌هایی که دولت در اختیارشان قرار می‌دهد اقدامات فرهنگی بیشتری انجام دهند چراکه دست و بال‌شان در خیلی از امور از ما بازتر است. متأسفانه هیات‌های ما با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند هیات‌های



فعالان هیات روایات و احادیثی را که از این عزیزان در دست است جمع‌آوری می‌کنند و در هیات در قالب روضه برای مخاطبان قرائت می‌کنند و جلسات هم‌گاهی به صورت تفریحی، مناسبتی و خانگی برگزار می‌شود که این برنامه‌ها، مراسمات دیگری را نیز در برمی‌گیرد

خواهران با وجود اینکه در مضیقه هستند اما با اعتقاد زیادی کار می‌کنند و همین اعتقادشان باعث می‌شود کارشان برکت زیادی پیدا کند. بنابراین وقتی مسئولان ما این حرکت‌ها را می‌بینند که یک هیات این چنینی در شهر یا بخش‌های کوچک این‌طور تاثیرگذار است بهتر است کمک مالی کنند تا از این‌گونه هیات‌ها حمایت شود. خیلی کارها هم می‌توانند بکنند. الان مسئولان هیات‌های ما دلی کار می‌کنند. مثلاً همایش سه ساله‌ها در تمام هیات‌های رزمندگان در سراسر کشور برگزار شد آن هم با همین اعتقاد برگزار کنندگان نه بودجه‌های هنگفت. البته نهادهایی هستند که کمک می‌کنند اما هزینه‌های اصلی را افراد هیات برعهده می‌گیرند یا به‌عنوان مثال نذورات فرهنگی می‌آورند و کار جلو می‌رود. توقع داریم مسئولان کمک کنند اگرچه با وجود همه این‌ها کار برکات زیادی دارد و تاثیر خود را می‌گذارد.

اما همه این کارها صورت می‌گیرد که ما حسینی شویم. برای حسینی شدن باید بگویم بهترین الگوی ما برای عاشورایی شدن خود اهل بیت و به‌خصوص حضرت زینب هستند وقتی ما در زندگی ائمه اطهار عمیق می‌شویم می‌توانیم جوان عاشورایی تربیت کنیم همان‌طور که مادران ما رزمندگان هشت سال دفاع مقدس را تربیت کردند. زندگی آنان و خط‌مشی آنان می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای ما باشد. یکی از کارهای ما در هیات زنده نگه داشتن یاد شهداست البته مثل آنها شدن هم به همین آسانی نیست، زحمت دارد، خودسازی دارد که آشنا شدن با سیره شهدا و ائمه می‌تواند جوان‌ها را به آن درجه برساند.

او ادامه داد: «مقام معظم رهبری هم مدام تاکید می‌کنند که خاطرات رزمندگان را زنده کنید. در این راستا ما در هیات به جوان‌ها کتاب شهید ابراهیم هادی تحت عنوان «سلام بر ابراهیم» را هدیه می‌کنیم. وقتی جوانان این کتاب را می‌خوانند متوجه می‌شوند که شهدا نه اهل بیت بودند و نه امام معصوم ولی با سیره و روش معصومین آشنا شده و آن را در زندگی‌شان پیاده کرده‌اند تا به شهادت برسند. همچنین کتاب «وقتی مهتاب گم شد» را به آنها معرفی می‌کنیم تا بخوانند و متوجه شوند که یک رزمنده عادی چگونه می‌تواند به درجات بالای عرفان برسد. از این نمونه‌ها در دفاع مقدس زیاد داریم، مثلاً آیت‌الله جواد آملی در آن خاطره معروف خود وقتی در نهایت می‌بینند آن جوان به راحتی زیر رگبار دشمن برای وضو گرفتن می‌رود به خود می‌گویند جواد آملی حالا تو همی عرفان بخوان. عرفان واقعی اینجاست. جوانان ما بهتر است برای رسیدن به این مقام از ابتدایی‌ترین نقطه‌ها شروع کنند. مثلاً اینکه به دیدار جانبازان بروند و خاطرات آنها را بشوند. متأسفانه ما از این‌گونه اقدامات کم داریم و از فرهنگ شهادت دور شده‌ایم اما هنوز هستند جوانانی که به پاکی شهدا هستند.» ساکت درباره وظایف و حمایت‌های مسئولان از هیات‌ها هم گفت: «در مورد رسالت مسئولان باید بگویم که مسئولانی که در نهادهای فرهنگی کار می‌کنند خیلی

این هیات‌ها وجود دارد و ما خود را موظف می‌دانیم تا آنها را اجرا کرده و در کنار آن معضلات خانم‌ها را هم بازگو کنیم و تحت عنوان مناسبت‌های هفتگی یا دینی برای فرهنگ‌سازی در مجالس عنوان کنیم.» او اضافه کرد: «بازخورد و استقلال بانوان نیز از این مراسم و هیات‌ها بسیار خوب بوده و نتیجه‌های آن مرتب برای ما ارسال می‌شود. ما می‌بینیم که استقبال خانم‌ها خیلی زیاد است، دلیل آن هم این است که اجرای هیات‌ها به این نحو از استقلال بیشتری برخوردار است و خانم‌ها از این مستقل بودن استقبال می‌کنند.»

ساکت با اشاره به برگزاری دیگر برنامه‌های مذهبی تصریح کرد: «هیات پیروان عترت رزمندگان در طول سال سه همایش بزرگ برگزار می‌کند. یکی از آنها همایش شیرخوارگان حسینی یکی دیگر همایش سه ساله‌های حسینی و دیگری همایش زینبیون است که خطبه حضرت زینب در آن کار می‌شود و سیاست‌های کلی هیات در آن جلسه اعلام می‌شود.»

تربت شفای دل‌هاست

بزرگی می‌گفت از خدا بخواهید آخرین آبی که در زندگی‌تان می‌خورید آب زمزم باشد و آخرین غذایتان تربت سیدالشهدا(ع).

برای خیلی از ما شیعیان این مساله آرزو است. خیلی از ما وقتی به دنیا می‌آییم در دهانمان تربت سیدالشهدا می‌گذارند و وقتی هم از دنیا می‌رویم بین کفن‌مان تربت هست. اما به‌دست آوردن این تربت همیشه دغدغه‌های خاص خودش را داشته است؛ اینکه از کجا بیاوریم؟ از کجا بفهمیم تربت واقعی است؟ چند سالی می‌شود که راهی برای این مساله پیدا شده است؛ فروشگاه سیدطباطبایی در کربلا. فروشگاه‌هایی که در آن تربت و مهر رایگان به زوار امام حسین(ع) هدیه می‌دهند. سراغ مسئولان این فروشگاه رفتیم و چند دقیقه‌ای با آنها هم‌کلام شدیم تا ببینیم از کجا این خاک تربت را آورده و چرا این‌طور آن را بذل و بخشش می‌کنند.

از باب‌السدره حرم اباعبدا... (ع) به سمت مقام‌امام زمان (عج) راه می‌افتیم؛ ساعت ۸ شب است و خیابان مملو از جمعیت. فروشگاه‌های تسبیح و انگشتر با آن رنگ‌های خیره‌کننده همه جا هست. قبل از حرکت خیلی‌ها می‌گفتند که حتما سراغ سیدطباطبایی را در کربلا بگیر و برایمان تربت و مهر بیاور. سراغش

را که گرفتیم به ما آخر شارع‌السدره را نشان دادند و گفتند الان که بروید حتما پیدایش می‌کنید. راستش وقتی رسیدیم تازه فهمیدیم چرا الان؟! ساعت ۸ شب صف طولی از مقابل فروشگاه طباطبایی تشکیل می‌شود و زائران زیادی را می‌بینی که ایستاده‌اند تا تربت حرم سیدالشهدا را از سید بگیرند و در کنارش سهمیه مهرشان را بردارند.

قبل از وارد شدن به مغازه سید، سراغ یکی از زوار می‌رویم؛ مردی تقریباً ۴۰ ساله که با پسر کوچکش ایستاده و منتظر است نوبتش بشود. از او می‌پرسیم: «آقا اینجا چه خبر است؟» و با لبخند و برقی در چشمانش می‌گوید: «آمده‌ایم تربت اصل بگیریم. سید به همه زائران مهر و تربت اصل می‌دهد. یعنی همه می‌گویند که تنها تربت اصلی که می‌شود راحت در کربلا به‌دست آورد از همین مغازه طباطبایی است.» یکی دیگر از زائران که حواسش به ماست اجازه می‌خواهد که داستانی از تربت‌های سید تعریف

کند؛ «خواهر من سه سال پیش سرطان داشت ما به هر دکتري که بود سر زدیم تا اینکه یکی از آنها گفت کار زیادی از دست ما بر نمی‌آید. بهتر است از درگاه خدا و اهل‌بیت(ع) کمک بخواهید ما هم او را به کربلا آوردیم. اتفاقاً اربعین هم نزدیک بود. از همه جا ناامید شده بودیم. به قسمت زائران حرم سیدالشهدا(ع) که رفتیم خیلی درخواست کردیم که کمی از تربت قبر امام را به ما بدهند بلکه شفایی حاصل شود ولی متأسفانه قبول نکردند. یکی از زائران کاروانمان گفت بروید از سیدطباطبایی تربت بگیرید. ما وقتی اینجا آمدیم و ماجرا را گفتیم سید کمی بیشتر از بقیه به ما تربت داد و گفت ان‌شاء... که شفاست؛ واقعا هم شفا بود. خدا گواه است که خواهر من خیلی به امام حسین(ع) و به‌خصوص حضرت عباس(ع) توسل کرد و به نیت شفا هم آن تربت را خورد. شب آخری که در کربلا بودیم خوابی دید و شفایش را از باب‌الحوائج گرفت. وقتی به تهران



همه عالم يك طرف و كربلا طرف ديگر. واقعا هم همین است، وقتی که مدتی در اینجا زندگی کنید حاضر نمی‌شوید جایی بروید؛ اصلاً کجا بهتر از اینجا. اما این همه تربت از کجا آمده و چرا همه، این تربت‌ها را اصل می‌دانند؛ «برگشت دوباره برادرم همزمان بود با تعمیرات حرم سیدالشهدا؛ آن زمان تصمیم گرفته بودند که بخش‌های مختلفی از حرم را بازسازی کنند و بخش‌هایی که در جنگ آسیب دیده بود را ترمیم. یکی از جاهایی که تعمیرات در آن انجام دادند نزدیک قبر حضرت بود. برادر من هم به‌عنوان کارگر در آنجا مشغول به کار شد و همان موقع بود که به همراه بعضی از اقوام و آشنایان توانست چند گونی خاک نزدیک قبر را بیرون بیاورد. بعد از آن بود که تصمیم گرفت بخشی از این تربت‌ها را تبدیل به مهر کند و مقداری از آنها را هم به زائران حضرت بدهد.»

«حبیب‌خدا در كربلا»

به هر حال سیدطباطبایی علاوه بر هدیه دادن تربت و مهر به زائران، به کسب و کار هم مشغول است، آن هم نزدیک عزیزترین نقاط روی زمین. با سیداحمد درباره کاسبی حرف می‌زنیم و اینکه کار در نزدیک حرم سیدالشهدا (ع) چه تأثیری روی انسان می‌گذارد؛ «کار کردن در نزدیکی حرمین شریفین سعادت بزرگی برای انسان است و خیلی‌ها علاقه دارند که اینجا حتی به اندازه يك دکه جا داشته باشند. شاید از دید شما این فقط کاسبی باشد؛ کسب درآمد، ولی ما اعتقادمان چیز دیگری است. اعتقاد داریم هرکسی سعادت آن را ندارد که زیر سایه امام حسین (ع) کار کند. این کار کردن آنقدر مهم است که بچه‌های ما هم علاقه زیادی دارند که کار من و سیدمهدی را ادامه دهند. در فقه ما هم، يك باب مهم وجود دارد که آن مکاسب

برگشتیم و پیش پزشک‌ها رفتیم همه با تعجب سلامتی او را تأیید کردند.»

«فراری از كربلا»

حرف‌هایی که آن مرد زد ما را راغب کرد پیش سیدطباطبایی برویم و راز تربت‌ها و مهرهایش را بپرسیم. اول مغازه دو ظرف بزرگ پر از مهر است که هر زائر می‌تواند ۳۰ مهر را رایگان بردارد. چند نفر هم هستند که به زوار بسته‌های کوچکی می‌دهند که داخل آن تربت است؛ البته نه آنقدر که فکر کنید! بیشتر گرد تربت است. سراغ سید را می‌گیریم؛ مردی که پشت دخل ایستاده است و فارسی هم صحبت می‌کند. می‌گوید: «سید چند وقتی است برای کاری از كربلا رفته است.» ناامید از حضور سید ادامه می‌دهد؛ «اگر کار خاصی دارید من برادرش هستم می‌توانید به من بگویید.» سیداحمد برادر کوچک‌تر سیدمهدی طباطبایی است که این روزها کارهای مغازه را انجام می‌دهد. با او درباره برادرش صحبت می‌کنیم و اینکه چطور مسیر زندگی‌اش به این سمت کشیده شد؛ «ما اصالتاً اهل زواره اصفهان هستیم. خانواده ما از قدیم هم ارادت خاصی به اهل بیت به‌خصوص امام حسین (ع) داشتند به همین خاطر هم راهی كربلا شدند. سیدمهدی خیلی قبل‌تر از حکومت صدام مقیم كربلا شده بود. وقتی که صدام حکومت را به‌دست گرفت، برادرم به‌خاطر مخالفتش با حکومت صدام از كربلا فرار کرد و راهی ایران شد. او سال‌هایی که صدام روی کار بود در نزدیکی حرم حضرت عبدالعظیم کتاب‌های تاریخی می‌نوشت که مختص به اهل بیت (ع) بود و از این راه امرار معاش می‌کرد. وقتی که صدام سقوط کرد سیدمهدی بلافاصله راهی كربلا شد. خودش اینطور می‌گوید که





است، یعنی کسب و بازار. اسلام برای کسب و کار و تجارت اهمیت فراوانی قائل شده است.

در این باره فرموده شده: «الكاسب حبيب...»؛ کاسب حبيب خداست و همچنین کسی که برای اهل و عیالش کاسبی حلال می‌کند، مثل کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند و باز فرموده شده است: «تاجری که راستگو و در کارش صادق باشد، در روز قیامت با شهدا محشور می‌شود.» اما اینها شرایطی هم دارند. شرایطش این است که آن‌طور که اسلام دستور داده است و می‌خواهد، کاسبی کنیم. اسلام شرایط زیادی را برای کاسب و تاجر تعیین کرده است. حدیثی داریم از قول پیامبر اکرم (ص) که می‌فرمایند: «السُّوقُ دَارُ سَهْوٍ وَ دَارُ غَفْلَةٍ»، بازار جای فراموشی آخرت و غفلت است، یعنی انسان وقتی مشغول کار مادی می‌شود، گاهی از خدا و آخرت غافل می‌شود. بعد فرمودند: «فَمَنْ سَبَحَ فِيهَا تَسْبِيحَةَ كِتَابٍ... لَهٗ بِهَا أَلْفُ أَلْفِ حَسَنَةٍ»؛ اگر کسی در این بازاری که جای غفلت و فراموشی است، مرتب به یاد خدا باشد و خدا را فراموش نکند، خدا هزار هزار حسنه برایش قرار می‌دهد. وقتی شما در بازاری نزدیک حرم امام حسین (ع) کار کنید این شرایط دوچندان سخت

می‌شود؛ یعنی اگر خدای ناکرده در فروش تان تقلب کنید حتماً چوبش را خواهید خورد. خود ما زیاد دیده‌ایم که کسی خاکی را به اسم تربت حرم سیدالشهدا (ع) فروخته، یعنی خاک خالی بوده که از اطراف شهر جمع کرده بعد آن را فروخته است به زوار و گرفتار عقوبت شده است.

«معجزه‌ای به نام اربعین»

درباره ایام اربعین هم با سیداحمد حرف می‌زنیم؛ اینکه شهر چه حال و هوایی را تجربه می‌کند؛ «اربعین امام حسین (ع) بدون شك یکی از عجیب‌ترین روزهای سال است؛ باید دید در کهن‌ترین متون مذهبی ما، از «اربعین» چگونه یاد شده است. مهم‌ترین نکته درباره اربعین، روایت امام حسن عسکری (ع) است. حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده فرموده‌اند: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۱- خواندن ۵۱ رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب + ۱۱ رکعت نماز شب + ۲۳ رکعت نوافل)، ۲- زیارت اربعین، ۳- انگشتی در دست راست، ۴- وجود آثار سجده بر پیشانی، ۵- بلند خواندن بسم... در نماز. وقتی امام معصوم زیارت اربعین را از نشانه‌های ایمان می‌داند دیگر تکلیف ما معلوم

می‌شود. برای همین هم هر سال اربعین شلوغ‌تر می‌شود؛ چرا که مسلمانان واقعا به این قضیه پی برده‌اند. يك زمانی کسی جرأت نمی‌کرد به کربلا بیاید؛ اما امروز به برکت خون شهیدان می‌بینیم که هر سال کربلا شلوغ‌تر می‌شود. ما باید قدر این را بدانیم تا مبدا دوباره زیارت اربعین را از دست بدهیم.» از سیداحمد می‌پرسیم چیز خاصی در مراسم اربعین دیده است؟ او گفت: «باید به شما بگویم که معجزات و کرامات برای شما زوار کمی عجیب است و گرنه ما که در نزدیکی حرم هستیم تقریباً همیشه این مسائل را می‌بینیم. اربعین سال گذشته من خودم در حرم حضرت عباس (ع) مشغول نماز بودم که يك مرتبه نوجوانی روی سجاده‌ام افتاد و بیهوش شد. من به ناچار نماز را قطع کردم و دیدم در دهانش پارچه‌ای سبز رنگ هست. پارچه را که در آوردیم مردم سریع آن را برداشتند و هرکس تکه‌ای برای خودش برد. بعد که پسر بیهوش آمد فهمیدیم کربلای بوده و مسیر نجف تا کربلا را پیاده آمده و در حرم حضرت عباس (ع) شفا گرفته. این معجزات از خاندان اهل بیت (ع) دور نیست، کافی است کمی نیت‌تان را خالص کنید و مطمئن باشید که آنها به شما عنایت می‌کنند.»



چشم دیگر گشاده‌ام

حاج علیرضا نهادی، مردی ۵۵ ساله و روشمند است اما مثل همه ما دوره کودکی داشته، تحصیل کرده، به دانشگاه رفته و تشکیل خانواده داده است.

حتی مثل خیلی از روشندان دیگر هم گاه و بیگاه حسرت داشتن بینایی را خورده و شاید قطره اشکی هم صورتش را تر کرده است. اما آنچه او را از همه مردم عادی این شهر جدا می‌کند راهی است که او با این شرایط زندگی طی کرده و حالا حسرت خیلی‌ها را نسبت به خودش برانگیخته است. علیرضا نهادی مردی است که زندگی خود را مدیون اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌داند و به قول خودش هرچه دارد از آنها دارد. او با پایه‌گذاری مؤسسه مکتب‌الذاکرین راهی را برای جوانان مشتاق گشود تا بتوانند مداحی را براساس اصول و ضوابط یاد بگیرند و با همت خود راه طلبگی را هم هرچند مختصر بپیمایند. راهی که نزدیک به ۲۴ سال است او پیموده و باعث شده تا جلوی گوشه‌ای از آفت‌های مداحی و ذکر اهل بیت (ع) را

بگیرد و با آموزه‌های مذهبی در کنار هنر مداحی مانع الگوگیری جوانان ذاکر از سبک آهنگ‌های غربی با تغییر محتوا شود. خود حاج آقای نهادی معتقد است که رسیدن سن و سال این مکتب به ۲۴ سال فقط مدیون نظر امام حسین (ع) است و خود نیز «نهادی» را وقف دستگاه آل... (ع) کرده؛ در این مسیر نیز آن‌طور که خودش می‌گوید معلولیتش هرگز مانعی برای رسیدن به مقاصد مطلوبش نبوده است.

«روایت کودکی

حاج آقای نهادی در یک سالگی از ناحیه چشم دچار آسیب دیدگی شد و الان ۵۴ سال است که با وجود این مشکل توانسته زندگی‌اش را اداره کند، به مردم خدمت کند و خود افتخار می‌کند که در مسیر اهل بیت (ع) قدم گذاشته و با چشم‌دل در مسیر آنها حرکت کرده است. می‌گوید رمز این موفقیت‌ها را در این بیت حافظ دیده است که: «صبر بیايد که گفته‌اند بزرگان/

بر اثر صبر نوبت ظفر آید» و ادامه می‌دهد: «در کاشان زیرزمین‌های بسیار عمیقی وجود داشت، شبیه آب انبار. من یک‌ساله بودم که از پله‌های زیرزمین منزل‌مان به پایین سقوط کردم و مویرگ‌های بینایی من آسیب دید. راه درمانی هم در داخل و خارج از کشور برای آن وجود نداشت و من اینگونه بینایی‌ام را از دست دادم.» این نابینایی دالانی می‌شود تا چشم او را به دنیای دیگری باز کند و آن‌طور که خودش می‌گوید در پنج سالگی حفظ قرآن را شروع می‌کند، ۶ ساله که می‌شود شروع به فراگرفتن مداحی می‌کند و در ۱۰ سالگی وارد حوزه علمیه مرحوم آیت‌ا... یثربی کاشانی می‌شود. ۱۲ ساله بودم که خط بریل به کاشان آمد و من هر دو سال را جهشی در یک سال خواندم و بعد از آن به دانشگاه رفتم و با مدرک کارشناسی در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شدم. مدتی در وزارت صنایع سنگین کار می‌کردم اما چون از طفولیت نوکری دستگاه سیدالشهدا (ع) را برگزیده بودم، احساس کردم

که امام حسین (ع) من را برای تشکیلات خودش می‌خواهد.» و این می‌شود انگیزه و شوری که مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. از سال ۶۵ تا سال ۶۹ کار پژوهشی انجام می‌دهد تا مکتب‌الذاکرین را آماده تأسیس کند و این محل را به‌طور رسمی از سال ۷۰ مرکز آموزش مداحان نوجوان و جوان قرار می‌دهد که تا به امروز نیز به خوبی فعالیت‌های خود را ادامه داده است. حاج آقای نهادی با وجود معلولیت از ناحیه چشم و نابینایی همه عمر خود را برای خدمت به دستگاه ابا عیسیا... (ع) گذاشته و وقتی از وی می‌پرسم که تاکنون شده شقای چشم خود را از امام (ع) بخواهد با قاطعیت می‌گوید: «نه. از آدم بزرگ باید کار بزرگ خواست؛ در مقابل کرامات اربابم، چشم چیز کوچکی است. در یک جشن تولد هر کس هدیه‌ای می‌آورد ولی شما از بزرگ خانه انتظار دارید که بهترین هدیه را به شما بدهد و از او توقع دیگری دارید. من هم از آدم بزرگ توقع بزرگ دارم و از زندگی خودم راضی هستم اما باید از سیدالشهدا (ع) چیزی را بخواهی که دیگران نمی‌توانند به تو بدهند.»

« آغاز یک زندگی مشترک »

علیرضا نهادی هم مثل بقیه به خواستگاری همسرش رفته است و زندگی مشترکش را شروع کرد؛ «روز اول خواستگاری داشته‌ها و نداشته‌های خود را به خانواده همسرم گفتم و همه شروط خود را مطرح کردم. حتی یادم هست که روز خواستگاری تمام قد ایستادم و گفتم که این قد من است، این وضعیت چشمان من است و اگر قرار است من را بپذیرید باید با این شرایط قبول کنید. حتی به یاد دارم که وقتی قرار شد به خانه خود برویم مادر همسرم گفت که جهیزیه آماده نیست که من گفتم با همین مقدار کمی که هست شروع می‌کنیم و بعدا وسایل خانه را کامل کردیم.» اما وقتی حرف درباره شروع سخت زندگی‌ها در این دوره به میان می‌آید، می‌گوید: «زندگی را هر قدر سخت بگیریم، سخت جلو خواهد رفت و اگر آسان بگیریم قطعا آسان خواهد بود. باید ابتدا باورهای خود را حلاجی کنیم یعنی اگر کسی باور قوی دینی داشته باشد



و بداند که خدایی که وی را خلق و هدایت کرده، روزی او را هم خواهد داد، خیلی از مشکلات در زمینه ازدواج برای جوانان حل خواهد شد.» گریزی می‌زند به باورهای خودش و می‌گوید «جوانان ما باید ابتدا باور رزاق بودن خدا را در خود تقویت کنند و بعد از آن نیز زندگی علما و بزرگان را الگو قرار دهند.» بعد مثالی می‌زند: «شما اگر زندگی آیت... العظمی گلپایگانی را بررسی کنید می‌بینید که این مرجع بزرگ شیعه تا چند سال قبل از پایان عمر شریف‌شان مستأجر بودند. حالا فکر کنید همان موقع ایشان وجوهات زیادی در دست‌شان بود ولی وقتی می‌پرسند چرا برای خود خانه نمی‌خرید آیت... گلپایگانی می‌گویند که این وجوهات برای طلبه‌هاست و باید ما تلاش کنیم که با این پول کارشناس دینی تربیت کنیم تا در جوامع مردم را هدایت کنند.»

« گلابه از جوانان »

«خانم در ابتدای خواستگاری از یک پسر جوان می‌پرسد که چقدر درآمد داری؟ کجا کار می‌کنی؟ خانه و ماشین چی داری؟ شاید آخر هم از او نپرسد که دین هم داری



یا نه؟ این مشکل اساسی بین جوانان است که دنبال هم‌سنخ خود نیستند. باید به این یقین رسید که برای یک مرد، چهار آرامش نمی‌آورد و برای یک دختر هم دارایی همسر و میزان مهریه خوشبختی نمی‌شود.» حاج آقای نهادی درباره ازدواج هر چهار فرزند خود هم سخت نگرفته است: «برای ازدواج هر یک از فرزندانم این شرط را گذاشتم که چه عروس‌ها و چه دامادها را باید ابتدا من تأیید کنم و اجازه ندادم کسی که با باورهای خانوادگی ما سنخیتی ندارند وارد خانواده شود. مراسم ازدواج آنها را هم خیلی ساده گرفتیم.» تفریح خانواده نهادی هم بنا به گفته پدر خانواده بیش از هر چیزی هیأت بوده؛ البته این در کنار تفریحات معمول مانند مسافرت و گشت در کوه و صحراست ولی بیش از هر چیزی فرزندان وی یاد گرفته‌اند که می‌توان از تفریحات از ظاهر جذاب دست کشید و به

هزاران مداح در این دستگاه است و وی همین را بهترین مزد خود می‌داند: «امروز از زندگی خود بسیار رضایت دارم چرا که توانسته‌ام در کنار همسری فداکار، فرزندی شیفته و نوکر اهل بیت (ع) تربیت کنم. علاوه بر آن با لطف ائمه شاگردانی را تربیت کنم که برای دستگاه امام حسین (ع) مداحی می‌کنند. شاید برای برخی افراد، نابینایی محدودیت به حساب بیاید اما باید دانست که این مشکلی نیست که بتواند به راحتی جلوی پیشرفت انسان را بگیرد. به این مساله باور قلبی دارم که هر کس می‌تواند با تلاش، همت و توسل به خدا و اهل بیت (ع) زندگی موفق‌تری را برای خود و خانواده‌اش رقم بزند به شرطی که واقعا با خدا معامله کند و به هر چیزی که وی می‌دهد یا می‌گیرد راضی باشد.»

« رخت دامادی بر تن شاگرد

زمانی شاگردی جوان بوده که پای مکتب استاد نهادی نشسته است و امروز داماد وی و قائم مقام و استاد مکتب‌الذاکرین است. حسن نادری درباره آشنایی خود با حاج علی‌رضا نهادی می‌گوید: «من سال ۷۰ بود که وارد مکتب‌الذاکرین شدم و آن موقع حاج آقا به ما موضوع می‌دادند تا شعر حفظ کنیم و من به خاطر علاقه زیاد، بیشترین شعرها را حفظ می‌کردم و این باعث می‌شد استاد برای برطرف کردن مشکلات من زمان زیادی وقت صرف کند. بعد از مدتی حاج آقا به من گفت شما هفته‌ای ۳،۲ روز به منزل بیا تا در آنجا کار کنیم.» نادری روزهایی را به یاد می‌آورد که سربازی را به پایان رسانده بود و بعد از توسل به امام رضا (ع) به خانواده می‌گوید قصد ازدواج با دختر حاج آقا نهادی دارد: «به لطف خدا ایشان هم این مساله را پذیرفتند و ما به سادگی ازدواج کردیم. آن زمان هیچ سرمایه‌ای نداشتیم. حتی پول شیرینی بله‌برون را هم قرض کردم اما این مساله هرگز مانع ازدواج ما نشد. حتی خود حاج آقا نهادی هم گفتند که زیاد برای ازدواج سخت نگیر؛ همین مساله باعث شد من و همسرمان بتوانیم زندگی را با محبت در کنار هم بسازیم.» در هر زندگی زناشویی گاهی کدورت‌هایی به وجود می‌آید که مهم‌تر از هر چیز نقش بجا و درست بزرگ‌ترها میان زوجین است.



و جایگاه یک متولی را در آن تقویت کردند در سازوکار مداحی کشور نیز چنین احساسی دست می‌داد، ما می‌توانستیم از خیلی مسائل حاشیه‌ای و تحریف‌های مختلف جلوگیری کنیم و با یک برنامه‌ریزی مدون جایگاه مداحی را در کشور ارتقا ببخشیم. اما چون چنین چیزی نبوده هر کس دو دانگ صدا داشته، مداح شده و بعد هم مردم که متخصص نبودند گاهی بدون توجه به محتوا، صرفا جذب صوت و لحن مداح شده‌اند.» او به بعضی نوآوری‌هایی که در زمینه مداحی صورت گرفته هم معترض است و اعتقاد دارد که نوآوری با ابتذال متفاوت است و برخی به اسم نوآوری به تقلید از سبک‌های مبتذل رو آورده‌اند: «متأسفانه برخی از مردم تنها کسانی را مداح می‌دانند که چهره تلویزیونی هستند و این در حالی است که خیلی از اساتید فن مداحی اصلا چهره رسانه‌ای نیستند ولی شاگردان زیادی دارند و در مداحی در دستگاه سیدالشهدا (ع) بسیار تأثیر گذارند.»

« راضی از زندگی

اما نتیجه سال‌ها مشقت در راه امام حسین (ع) برای علی‌رضا نهادی تربیت



جای آن به هیأت پرداخت تا سعادت دنیا و آخرت را داشت.

« آداب استادی

اگر شاگردی خود همت به خرج دهد قطعا روزی استاد خواهد شد و امروز علی‌رضا نهادی استادی شده که شاید هزاران نفر را برای مداحی در دستگاه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) تربیت کرده است. وقتی درباره رفتارهای نادرست برخی مداحان در دستگاه اهل بیت (ع) از او می‌پرسم پاسخ می‌دهد: «بزرگان دستگاه مداحی و علمای عظام در بعضی اتفاقات و ناهنجاری‌های موجود میان مداحان بی‌تقصیر نیستند. علت اینکه ما امروز کاسه چه کنم در دست گرفته‌ایم و شاهد برخی اتفاقات مانند چشم و هم‌چشمی هستیم این است که دستگاه مداحی ما یک متولی قوی و نکته‌سنج نداشته است. اگر همان‌طور که برای حوزه‌های علمیه احساس نیاز و خطر کردند

حتی برای حسن نادری نیز به نقطه‌ای درخشان در زندگی زناشویی تبدیل شده است: «۱۰ سال از زندگی من و همسرم گذشته بود که کدورتی بین ما به وجود آمد و نزدیک به ۲۰ روز قهر بودیم. با وجود اینکه سعی کردیم حاج آقا متوجه نشود ولی یک روز من را صدا کرد و علت را پرسید و من وقتی جایی برای کتمان ندیدم موضوع را مطرح کردم. ایشان با خونسردی به سخنان من گوش داد و بعد از چند روز من و همسر را صدا زد و بدون اینکه طرف هیچ‌یک از ما دو نفر را بگیرد به بهترین نحو مشکلاتی را که با این شیوه برای ما پیش می‌آمد بیان کرد و همین باعث شد که ما به راحتی با هم آشتی کنیم.»

«قدردان پدر و مادر»

آذرماه سال گذشته در ویژه‌برنامه‌ای از سال‌ها خدمت استاد علیرضا نهادی به‌عنوان ذاکر اهل‌بیت(ع) تجلیل و قدردانی به عمل آمد. این برنامه با عنوان «برده عشاق» و به همت سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران برگزار می‌شد. در این برنامه حجت‌الاسلام حمید وحیدی، استاد حوزه و دانشگاه به ایراد

سخن پرداخت و در مورد ویژگی‌های حاج علیرضا نهادی و خادمی ایشان به اهل‌بیت(ع) گفت: «نهادی یک عمر خادمی اهل‌بیت(ع) را برعهده داشته و شاگردان بسیاری نیز تربیت کرده که قابل تقدیر و تشکر است. حاج علیرضا نهادی نیز در این مراسم گفت خود را لایق این قدردانی نمی‌داند و از کوچک‌ترین نوکران و پابوسان امام‌حسین(ع) است و تمام موفقیتش را مدیون پدر و مادر پیری دانست که اکنون در کاشان زندگی می‌کنند.» نهادی گفت: «آرزو داشتم که آنها در این مجلس حضور داشتند و می‌توانستم همین جادست‌شان را ببوسم و از خدا می‌خواهم که سالیان سال زنده باشند و من نوکری پدر و مادرم را داشته باشم.»

«۵۰ دلار برای عزاداری»

بنده در زمان حکومت صدام به کربلا مشرف شده بودم، آن زمان محدودیت‌هایی برای زوار کربلا وجود داشت و عراقی‌ها مشکلاتی را برای عزاداران ایرانی ایجاد می‌کردند. در کربلا در دو نقطه خیلی احساس دل‌شکستگی داشتم. نخستین مکانی که دلم شکست

کنار حرم امام‌حسین(ع) بود که حال عجیبی داشتم و آنجا هرچه از امام حسین(ع) خواستم گرفتم. جای دیگری که در کربلا دل من شکست، کنار قتلگاه بود. زمانی که آدم به قتلگاه می‌رود حال عجیبی درون خود حس می‌کند که قابل وصف نیست. آن زمان عراقی‌ها اجازه روضه‌خوانی در گودال را نمی‌دادند. یک شب که ما به حرم رفته بودیم، ۵۰ دلار به یکی از مسئولان آنجا دادم و گفتم که این را بین خادمین تقسیم کنید اما به ما اجازه عزاداری بدهید.

«عجب کمک کردید!»

زمانی در مشهد برای مکتب‌الذاکرین کاری را شروع کرده بودم که متأسفانه در این کار شکست خوردم. حتی ضرر مالی هم کردم. آمدم حرم امام‌رضا(ع) و خطاب به امام گفتم که من روزی که آمدم مشهد کسی را نداشتم و از شما خواستم که به من کمک کنید؛ عجب کمک کردید! با خودم گفتم که می‌روم و بر نمی‌گردم اما هنگام خروج انگار کسی به من گفت که برگرد و من وقتی برگشتم گفتم که آقا اشتباه کردم؛ همه‌چیز از سمت شماست. داشتم عذرخواهی می‌کردم که دیدم یکی

باز این پورس که خلق عالم باز این پورس که پخته تا تم

چهار ترم داریم که هر ترم تا سه ماه طول می کشد. علی اکبر نامنی که از شاگردان جوان مکتب الذاکرین است و از سال ۸۱ در این دوره ها شرکت کرده، درباره مطالبی که در این دوره ها به مداحان ارائه می شود، می گوید: «سیره اهل بیت (ع) و حفظ شعر از کلاس های مهم در مکتب الذاکرین است و اساتید در این کلاس ها همواره تلاش می کنند تا هنرجویان بیش از هر چیز اخلاق را محور زندگی شخصی و حرفه مداحی خود قرار دهند. زمانی که من وارد مجموعه شدم تعداد شاگردان کم بود اما امروز در هر کلاس شاید نزدیک به ۴۰ نفر حضور دارند که این تعداد مربوط به کلاس های عمومی است. اما در کلاس های آموزشی تعداد نفرات کمتر است و هر استاد به طور فردی به هنرجویان آموزش می دهد تا از نظر کمی و کیفی در مداحی پیشرفت کنند.» درباره اساتید نیز اضافه می کند: «امروز افرادی که در کنار حاج علی رضا نهادی وظیفه آموزش هنرجویان را بر عهده گرفته اند استاد نادری، منشی زاده و آیینی هستند که از شاگردان خود مکتب بوده اند و حتی گاهی این وظیفه را هنرجویان جوان و با سابقه تر بر عهده می گیرند.»

برای آقای نهادی بسیار دشوار بود چون هیچ نمونه و الگوی مشابهی از چنین مرکز آموزشی وجود نداشت اما اینها او را دلسرد نکرد؛ «زمان زیادی طول کشید تا ما ترم بندی و آیتم بندی کنیم. در این زمینه و وقتی که نخستین کلاس را به همراهی استاد سازگار شروع کردیم خود من در کلاس ها می نشستیم تا اگر مشکلی پیش آمد برای هنرجو همانجا آن را برطرف کنیم.» زمانی کلاس ها تنها با ۲۵ تا ۳۰ شاگرد برگزار می شد ولی امروز در هر دوره بیش از ۱۰۰ شاگرد تربیت می شود. وقتی از حسین صفری که از سال ۷۵ شاگرد آقای نهادی بوده درباره موضوعات مورد تدریس در مکتب الذاکرین می پرسیم اینگونه جواب می دهد: «کلامداحی امروز واحد بندی شده است. ما یکسری دروس پایه داریم که فنون صوت و صدا و صعود و فرود خواندن است. درس دیگر آموزش قرآن است که از روخوانی و روان خوانی شروع می شود تا صوت و لحن. درس سوم اخلاق مداحی است. بسیار مهم است که یک مداح با باورهای دینی آموزش ببیند تا بتواند این آموزه ها را به مردم انتقال دهد و در پایان هم مقتل و روضه خوانی است. ما در مجموع چهار دوره داریم که در هر دوره

از دوستان که محل سکونتش مشهد است دست روی شانه من گذاشت و گفت که در خواب امام رضا (ع) را دیدم که گفت فلانی آمده و گلایه می کند، برو گره از کارش باز کن. دست من را گرفت و به خانه اش برد و گره ها را باز کرد. بعد از آن هر قدر دیگران خواستند ما را اذیت کنند خدا کارها را محکم تر کرد.

« جمعه به مکتب آورد

نگاهی به فعالیت های

مؤسسه مکتب الذاکرین

اگر امروز به مکتب الذاکرین سر بزنید با ساختمانی دو طبقه مواجه خواهید شد که روبه روی مسجد سید الساجدین (ع) در محدوده تهرانپارس قرار دارد. بعد از ورود به محوطه ساختمان تابلوی کتابخانه در طبقه بالا به چشم می خورد اما زیرزمین این ساختمان قلب تپنده ای است که در آنجا تاکنون هزاران مشتاق یادگیری مداحی را در خود جای داده تا زیر نظر اساتید این فن مداحی را فرا بگیرند. به گفته حاج علی رضا نهادی مکتب الذاکرین تاکنون نزدیک به ۶ هزار ورودی داشته است که ۳۰۰ نفر از خروجی های آن در سطح عالی قرار دارند. در ابتدا، کار

باز این چه عظیم انبیا کزین بی نوح ضو خاتما عترت عظم



داریم با حسین حسین پیر می شویم

و می‌خواهیم شعر بگوییم ناخودآگاه چون زاویه نگاه‌مان ریشه‌های اسلامی دارد، اشعارمان هم بن‌مایه‌های مذهبی به‌خودش می‌گیرد. بن‌مایه‌های لیبرالی یا دموکراتیک به‌خودش نمی‌گیرد، با این همه باز هم شعر انقلاب است تا هیاتی. خیلی مشکل است که سریع به یک شعر عنوان شعر مذهبی و به شعر دیگر عنوان شعر انقلابی بدهیم. مثلاً مثالی برای‌تان می‌زنم؛ سهراب سپهری می‌گوید: «من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف، قدقامت موج... وقتی شعر می‌گوید کلماتی دارد که حرف از نماز و قدقامت می‌زند. ما می‌توانیم بگوییم این شعر مذهبی است؟ شاید اصطلاحات مذهبی داشته باشد ولی نمی‌توانیم مشخصاً بگوییم این شعر مذهبی است. در فضای شعر انقلاب هم همین‌طور است چون شاعر شعر انقلاب بن‌مایه‌های فکری دینی دارد ناخودآگاه از اصطلاحات مذهبی استفاده می‌کند اما ما نمی‌توانیم این

هم از آیین‌های مردم ایران است. این با آیین‌های مذهبی فرق می‌کند. در چنین فضایی استفاده کلمه آیینی برای آداب و رسوم مذهبی ما کمی انتخاب جامعی است اما مانع نیست. بهتر است بگوییم شعر مذهبی داریم و شعر آیینی خیلی گسترده‌تر است. شعر مذهبی، شعر ولایی، شیعی بخشی از شعر آیینی مردم ایران است. حتی شعر مذهبی هم تفکیک می‌شود و مثلاً شعر هیاتی زیرشاخه شعر مذهبی قرار می‌گیرد.

« ما شاهدهیم که درباره سری اتفاقاتی مثل اتفاق یمن هم جنبش‌هایی راه می‌افتد و شعرهایی گفته می‌شود. اگر شعرا درباره اینها هم شعر بگویند شعر آیینی محسوب می‌شود یا مناسبی است؟

مهدی زنگنه: ما شعر انقلاب داریم، از آنجا که انقلاب‌مان اسلامی است وقتی به پدیده انقلاب‌های دنیا نگاه می‌کنیم

وقتی نگاه به شعر آیینی در کشور می‌کنیم شعرای جوانانی را می‌بینیم که با وجود سن و سال کم توانسته‌اند تحول عظیمی در این عرصه ایجاد کنند و حتی به نوعی برندساز در سبک‌های جدید شعری و مداحی کشور باشند. برای شناخت بیشتر موفقیت این قشر از جوانان سراغ مهدی زنگنه و محمد رسولی آمدیم و پای صحبت‌های آنها نشستیم.

|||||

زمانی می‌گفتند شعر آیینی، شعر محتشم، عمان، نبر و... است؛ الان اگر بخواهیم تعریفی از شعر آیینی داشته باشیم چیست؟

مهدی زنگنه: شخصاً با اصطلاح شعر آیینی برای شعر مذهبی و هیاتی مخالفم. وقتی ما می‌گوییم شعر آیینی، داریم از مجموعه آیین‌های یک توده مردمی، یک جامعه، کشور، قوم و قبیله و از مجموعه آیین‌هایش حرف می‌زنیم. مثلاً بین مردم ایران، نوروز و چهارشنبه‌سوری

« آقای زنگنه درباره شما هم این حرف صدق می‌کند، یعنی خود شما در دهه ۸۰ خیلی شعرها و به خصوص نوحه‌هایی داشتید که دهان به دهان می‌چرخید و خیلی از مداحان آنها را می‌خواندند، چطور شد که شما شروع کردید و جنس کارهایتان فرق با بقیه کرد؟

مهدی زنگنه: يك دليل عمده‌اش این بود که در آن دوره، یعنی اوایل دهه ۸۰، جامعه مداحی نیاز به تغییراتی در عرصه ملودی و شعر داشت و فضای مداحی کشور آماده پذیرایی جنس جدیدی از اشعار جدید بود؛ چه در نوحه و چه در ملودی. من به‌عنوان بچه‌ای که از ۷،۶ سالگی در این هیات‌ها بودم و از هر کدام از مداحان چیزی یاد گرفته بودم، بعد امثال ما به‌عنوان کسانی که معتقد به مداحی فاخر بودند، دلمان خواست چیزهایی بسازیم که متفاوت باشد؛ هم با شورخوانی‌ها و پرسرعت‌خوانی‌های اوایل دهه ۸۰ متفاوت باشد و هم با کندخوانی‌های دهه ۷۰، بنابراین آمدم چیزی ساختم که با هر دو مداحی که آن دوره بود کمی متفاوت باشد، سردمدار این مدل خواندن هم حاج محمود کریمی بود؛ یعنی او برآمده از مداحی سنتی خواست سبک‌هایی بخواند که با مدل

66

وقتی شعر می‌گوید
کلماتی دارد که حرف از
نماز و قدقامت می‌زند.
ما می‌توانیم بگوییم این
شعر مذهبی است؟ شاید
اصطلاحات مذهبی داشته
باشد ولی نمی‌توانیم
مشخصاً بگوییم این شعر
مذهبی است



این شعرها چیست؟ آیا فن شاعرانه است یا نظرکرده شده است. این شعرها یا هردوی این مسائل و یا اینکه وزن کدام بیشتر است؟ چیزی که من به‌نظرم می‌آید این است که هیچ شعری را نمی‌توان پیدا کرد که ماندگار شده باشد اما ضعیف هم بوده باشد. می‌خواهم به این داستان برسم که نظرکرده بودنش هست و عنایت هست اما چیزی که در همه این اشعار مانده و نمود دارد، خصوصاً مراثی، بحث احساس و عاطفه است. مثلاً «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» آدم را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، یا «هوا از جور مخالف قیرگون گردید»... این شعر را هر وقت می‌شنوم موبه تنم سیخ می‌شود. قطعاً تمام عناصر شاعرانه‌ای که لازم بوده در ماندگاری شعر، اتفاق افتاده. فصیح، بلیغ و روان بوده، حرف را در کوتاه‌ترین حالت زده و... مرحله بعد از این داستان یا شاید همراه این داستان همان موضوع عنایت است. حالا خیلی قصه‌ها هم درباره این شعرها وجود دارد.

شعر را مستقیماً در هیات بخوانیم. شاید گاهی هم بخوانیم اما شعری نیست که همیشه بتوانیم در هیات بخوانیم.»

محمد رسولی: دسته‌بندی شعر انقلاب جدا از دسته‌بندی شعر هیات است؛ از نظر محتوا و مضمون دغدغه‌ای که وجود دارد این است که شاعر آیینی و مذهبی به مسائل انقلاب و دنیای اسلام بی‌تفاوت نباشد. يك آفت داشت دامنگیر می‌شد؛ مثلاً می‌بینیم ایام محرم است و در یمن آدم می‌کشند یا در ایام فاطمیه در غزه آدم می‌کشند، نمی‌گویم خیلی این اتفاق زیاد بوده اما انگار هیچ اتفاقی نیفتاده بود. هیچ نمودی از آن اتفاقات در شعر بعضی شاعران پیدا نبود.

« اگر بخواهیم بگوییم شعرهای محتشم ماندگار شده و مانده‌اند و هنوز هم هستند، این ماندگاری و این تازگی‌اش را در چه می‌بینید؟ محمد رسولی: دعوایی سر این داستان همیشه بوده است که دلیل ماندگاری

خواندن آن روز متفاوت باشد. بنابراین خیلی چیزها را از حاج محمود یاد گرفتیم. در واقع اندیشه حاج محمود کریمی را آن موقع فهمیدیم که باید متفاوت باشد با سنتی خوانی‌های دهه ۷۰ و هم متفاوت باشد با مدرن‌خوانی‌های دهه ۸۰. خیلی از مدرن‌خوانی‌ها هم تقلیدی بود از پاپ‌های آن سوی آب، اشعاری هم وجود داشت که برای جلسات مذهبی مناسب نبود ما دنبال راه سومی بودیم که هم مخاطب جوان داشته باشد و هم اینکه خیلی سخت نباشد.

« این هدف و ابزاری که به کار گرفتید و تغییراتی که ایجاد کردید چه بود؟ »

مهدی زنگنه: ما ملودی‌هایمان را خودمان ساختیم. نمی‌خواستیم تکراری باشد، علم موسیقی نداشتیم، نت نداشتیم اما ملودی می‌ساختیم. تمام تلاشمان این بود که از لحاظ ادبی قابل دفاع باشد. تمام تلاشم این بود که وقتی یک ترانه مذهبی می‌گویم از لحاظ ارائه خیلی کامل باشد. واج‌آرایی و مراعات‌نظیر خیلی اهمیت داشت که در شعر باشد. همخوانی شعر و ملودی هم خیلی برایم اهمیت داشت.

« آقای رسولی نوحه‌سرایی دوره‌ای که شما شروع به کار کردن کردید با دوره‌ای که آقا مهدی کار کرد چقدر تفاوت داشت؟ »

محمد رسولی: من نسل خودم را ادامه‌دهنده راهی می‌دانم که امثال آقای زنگنه شروع کردند. هنوز تغییری اتفاق نیفتاده. نیازی نیست که تغییر بنیادینی اتفاق بیفتد. هم توی موسیقی و هم شعر لازم نیست ۱۰ سال به ۱۰ سال تغییر کند. بعد از سده‌های مختلف شعر نیمایی به وجود آمد. هنوز جا دارد این مدل نوحه‌گری را گسترده‌ترش کنیم؛ این مدل به بلوغش رسیده اما وقت آن نرسیده که بخواهیم فضای جدیدی شروع کنیم. ما همان راه قبل را ادامه می‌دهیم. اکثر کارهایی که الان گفته و شنیده می‌شود خوب است، ادامه‌دهنده همان مسیر است. الان هم اکثر بچه‌هایی که خوب

کار می‌کنند، مستقیم یا غیرمستقیم تحت‌تأثیر آقای زنگنه، آقای صیمی، حاج محمود کریمی و... هستند. همان مسیر را ادامه می‌دهند و رشد می‌کنند. آثاری که شنیده می‌شود و جذاب است هنوز از همان قاعده پیروی می‌کند؛ قاعده‌ای که ملودی‌محور است و اشعارش قابل دفاع است. البته باید این را بگویم، بعضی آثاری که در دهه ۹۰ مورد استقبال قرار گرفته نشان می‌دهد که سیر عمومی تغییر کرده است. در دهه ۹۰ واپس‌گرایی شروع شده است. عموماً سطح سلیقه برگشته به سطح سلیقه دهه ۸۰، در دهه ۸۰ یکسری مداح تازه‌نفس جوان وارد مداحی شدند که سبکی را جا بیندازند که شور زیادی در آن موج می‌زند. بخشی از مداحی قبل اصلاح شد اما دوباره می‌بینیم که ارجاع پیدا کرده‌اند به آن زمان. این خوب نیست چون ما تلاش کردیم تغییر ایجاد شود.

مهدی زنگنه: کار خوب کردن سخت است. متأسفانه بعضی شاعران و ذاکران اهل بیت (ع) به واسطه تعداد جلسات حوصله ندارند کاری را بسازند که برایش زحمت کشیده شده، سعی می‌کنند سریع به مقصودشان برسند؛ مثلاً کاری که ضربه‌هنگ تند دارد، همه دوست دارند، با آن جواب می‌گیرند و سینه می‌زنند اما این شور فقط در جلسه جواب می‌دهد، نه اینکه در بیرون جلسه در ماشین‌ها هم به صورت سی‌دی گوش داده شود. نوحه زمینه‌آرامی که ملودی‌محور و ملایم است در جلسه جواب می‌دهد اما قطعه صوتی آن شاید بیشتر جواب دهد. این دسته از مداحان و شاعران دیگر به این فکر نمی‌کنند بعداً چه اتفاقی برای کارشان می‌افتد. در جلسه مردم برایش سینه زدند یا نه. عین این ماجرا در روضه هم هست. در روضه‌خوانی، خیلی از ذاکران اهل بیت (ع) به این فکر می‌کنند که حق روضه ادا شود و مردم گریه کنند. ساده‌ترین کاری که وجود دارد این است که شما شعری بخوانید که اشاره مستقیم به مقاتل داشته باشد. بنابراین شعری را انتخاب می‌کنند که مردم خوب با آن گریه کنند. اما اینکه مردم با آن خوب گریه

می‌کنند، آیا سی‌دی‌اش هم آن ظرفیت را دارد که در فضای خانه‌مان گوش دهیم؟ این باعث می‌شود که مردم یواش‌یواش از گوش دادن به قطعات مداحی در منازل و ماشین‌ها و گوشی‌هایشان فاصله بگیرند. موفقیت مداحی دهه ۸۰ این بود که بعضی از قطعات مداحی کاملاً پرمخاطب شده بود و آدم‌هایی گوش می‌دادند که شاید اعتقادی نداشتند اما به‌خاطر قشنگی گوش می‌دادند.

« آقای رسولی می‌خواهیم بدانیم اگر جوانی بن‌مایه شعری داشته باشد و بخواهد نوحه و شعر آیینی هم بگوید باید چطور و از کجا شروع کند؟ »

محمد رسولی: به‌نظر من حتماً باید استاد داشته باشد؛ یعنی دیمی بار آمدن باعث می‌شود قانون و قاعده‌ای نشناسد، شاید خودش هم نداند چه اتفاقاتی افتاده است. باید استاد پیدا کنند تا کارشان را سبک و سنگین کنند. مثلاً من ضمیمه‌ای که برای حضرت عباس (ع)



هم ندارند. آثارشان بیشتر به سمت آثار ضربی می‌رود تا ملودی‌محور. اتفاقات جزیره‌ای هیچ وقت اتفاقات تأثیرگذاری نیست. اینکه مداحی در واتس‌آپ پیام دهد به شاعری و بگوید نوحه‌ای برای من بگو و آن شاعر در واتس‌آپ شعر را بفرستد و او برود بخواند، هیچ‌وقت این اتفاق خوب نمی‌شود. وقتی اثری ماندگار می‌شود که شاعر و مداح با هم دوست باشند، سلاقی همدیگر را بشناسند، نظرهای مختلف همدیگر را بدانند و مهم‌تر از همه با هم تمرین کنند. مداح با شاعر بنشیند و با هم تمرین کنند که ظرافت‌های این ملودی چی هست، آکسان‌هایش کجاست و.... این به گفت‌وگو نیاز دارد، با نرم‌افزار و پیام دادن و گرفتن در فضای مجازی هیچ‌وقت چیز خوبی ساخته نمی‌شود. در موسیقی هم همین‌طور است؛ زمانی آهنگساز، نوازنده و خواننده موفق هستند که باهم دوست باشند. عدم دوستی آنها باهم باعث می‌شود که آثار، آثار رفیع تکلیفی باشد. تولید به مصرفی است. وقتی فقط لازم دارید که اثری را بخوانید، یعنی تمام شده است و در آینده ماندگار نمی‌شود.

هم ملودی و هم شعر آن ملودی را می‌سازد. در تمام عرصه‌های موسیقی دنیا، این دو عرصه جداست؛ یعنی آدمی در ملودی‌سازی تخصص دارد که ملودی بسازد و دیگری تخصص دارد که شعر بنویسد. این، کار یک نوحه‌سرا را صدچندان سخت می‌کند؛ یعنی باید نوحه‌سرا در هر دو عرصه تخصص داشته باشد، ملودی را درست بسازد و وقتی شعر می‌گوید درست شعر را بشناسد. با وجود اینکه نوحه‌سرا زیاد شده است و هیات‌ها نیز خیلی زیاد شده اما متأسفانه بعضی‌ها آموزش لازم را نمی‌بینند. من به عنوان نوحه‌سرای معمولی در دهه ۸۰، مثل خیلی‌های دیگر از حاج سعید حدادیان، فراوان چیز یاد گرفتم، از حاج محمود کریمی و از حاج محمد طاهری هم همین‌طور، مضاف بر اینکه من در آن دوره بیشتر از اینکه شعر هیاتی بخوانم شعر آزاد می‌خواندم. فن شاعری، فنی است که ربطی به هیات ندارد و تو باید یادگیری چطور شعر خوب بگویی. متأسفانه بعضی از جوانانی که الان دارند شعر می‌گویند و بعضی مداحان هم از آن استقبال می‌کنند بن‌مایه‌های اصیل شعر را ندارند و حتی به جرأت می‌توانم بگویم بن‌مایه‌های اصیل موسیقی را



می‌گویم فرق دارد با ضمیمه حضرت زهرا(س). باید کارهایی را که مربوط به قبل است با دقت گوش دهند. کارهای خوب و قدیمی قبل را خوب گوش دهند و گوش‌شان با آنها آشنا باشد. بسیاری از جوانان ما هم متأسفانه با شعر اصلا کاری ندارند و نمی‌شود کسی با شعر بیگانه باشد و بخواهد نوحه بنویسد. اگر با شعر بیگانه باشند بالاخره نشان می‌دهد؛ جایی که ساختار شعر را نمی‌دانند، انتخاب واژگان‌شان سبک و بی‌معنی است. باید استاد داشته باشند، گوش‌شان با نوحه آشنا باشد و قطعاً در شعر هم باید مطالعه خوبی داشته باشند. به‌نظر من از معضلات اصلی‌مان این است که بعضی‌ها با شعر کاری ندارند و بی‌مطالعه هستند. فکر می‌کنند نیازی ندارند مطالعه کنند. قطعاً سطح کار کسی که شعر را می‌شناسد و سراغ نوحه می‌رود فرق می‌کند.

مهدی زنگنه: وقتی ما می‌گوییم نوحه، یعنی کسی که نوحه‌سراست؛ یعنی

موانست لازم است

می‌خوانند و هم اینکه خودش هم با شعرش لذت می‌برده است. با این حالت، مداح وقتی می‌خواسته شعر را بخواند یاد‌گرفته‌های آقای آرام می‌افتاده و نمی‌توانسته راحت از بعضی ابیات رد شود. یکی از مشکلات بزرگی که بعضی از شعرا دارند این است که می‌گویند فلان شعر را دادیم به فلان مداح و او از این بیت که کلی برایش زحمت کشیده بودم به راحتی رد شد؛ یعنی او نفهمیده است که شاعر با چه حالی گفته است. بعضی وقت‌ها یک تحریر قرار است ضربه بزند و اگر من این تحریر را به عنوان شاعر اثر تذکر ندهم، ممکن است سبک را درست اجرا کند اما تحریر را اجرا نکرده باشد، این یعنی موانست نبوده است.»

محمد رسولی درباره رفاقتی که باید بین شاعر و مداح باشد مثالی می‌آورد و می‌گوید: «مرحوم آرام از شعرای آیینی معاصر ماست که در احوالاتش آمده، مداحان می‌آمدند خانه‌اش که از او شعر بگیرند، می‌رفتند اتاقش و آقای آرام شعری که تازه گفته بود را می‌داد به مثلاً حاج منصور ارضی و او در محضر خود آقای آرام می‌خواند و او گریه می‌کرد. مداحی ۱۵ ساله می‌آمد و شعر می‌خواست، همان شعر را می‌داد می‌گفت حالا برایم بخوان، باز آقای آرام با آن مداح جوان هم گریه می‌کرد. او به همه‌شان می‌گفت شعر را برایم بخوانید؛ با این کار دو نشان می‌زد که هم ببیند آن شعر را درست



قدم در مسیر الهی

اگر جنگ ما برکات و پیروزی ای داشته علت اصلی اش این است که با تفکر عاشورایی جنگیده است.

از خدا می‌خواهیم روزبه روز معرفت‌مان را نسبت به این مجموعه بیشتر بکند. انسان هر چقدر معرفتش بیشتر شود به همین مقدار اخلاصش در کار بیشتر می‌شود، تلاش و فعالیتش بیشتر می‌شود. امیدواریم درسایه این معرفت بتوانیم وظیفه‌مان را که همان اشاعه فرهنگ علوی است در قالب هیات رزمندگان موفق بشویم.

من بحثم را دو بخش می‌کنم؛ یکی کارهای ستاد مرکزی هیات و یک بخش هم ستاد اربعین.

در بخش ستاد مرکزی هیات رزمندگان ما هم موضوعات پشتیبانی را به عهده داریم، هم موضوعات مربوط به کمیته اقتصادی. هیات منابع

سه دهه گذشته آثار و برکات فراوانی داشته است. در ابعاد مختلف شکلی و محتوایی کارهای خوبی انجام داده است، تا جایی که می‌توانیم بگوییم یک الگو در زمینه‌های مختلف در کشور ما ارائه کرده است؛ چه در زمینه‌های هیات‌داری، چه در برنامه‌ها و مجالسی که برگزار می‌شود. خیلی اوقات هم با افکاری که برای مقابله با دستگاه سیدالشهدا(ع) شکل گرفته است، توانسته به شکل اصولی و منطقی مقابله کند. علت برکات هیات این است که برخاسته از یک تفکر عمیق علوی و تفکری بسیار عمیق معنوی و اعتقادی است؛ به عبارتی ریشه هیات رزمندگان به هشت سال دفاع مقدس برمی‌گردد. در دوران دفاع مقدس، ماهیاتی را در لشکرها و گردان‌ها داشتیم که هر هفته برگزار می‌شد. در یک کلمه بگوییم

هیات رزمندگان اسلام طی سال‌های متمادی اقدام به برپایی موبک‌های مختلف در مسیر پیاده‌روی اربعین کرده است و هر سال نیز این موبک‌ها با قوت بیشتری به زائران خدمت‌رسانی می‌کنند. برای آشنایی بیشتر با چگونگی فعالیت‌های اربعینی هیات رزمندگان سراغ سردار علی خلیلی، مسئول پشتیبانی هیات آمدم و پای صحبت‌های ایشان نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

|||||

خداوند متعال توفیق داده و چند سالی است که به‌عنوان پشتیبانی ستاد مرکزی هیات رزمندگان فعالیت می‌کنیم و خدا را شاکریم که این توفیق حاصل شده تا در دستگاه ائمه اطهار(ع) و سیدالشهدا(ع) بتوانیم سهمی داشته باشیم. هیات رزمندگان الحمدلله طی

66

در تهران هم یک مجموعه
را حدود هفت سال
پیش توانستیم از
مجموعه‌های دولتی یا
شهرداری دریافت کنیم.
همچنین بنای خوبی را به
نام فاطمیه بزرگ تهران
پیش‌بینی کرده‌ایم

در این چند سال گذشته مشاهده کرده‌ایم بیانگر آن است که ما ان شاء... در این مسیر در حرکتیم. هیات رزمندگان حدود شش سالی است که همگام با سایر مردم کار اربعین را شروع کرده است. سال اول ما در گروه‌های محدود کاروان برده‌ایم ولی به نظر رسید که کار هیات این نیست؛ کار هیات باید چیز دیگری باشد که تاثیرگذاری داشته باشد لذا طرحی در ستاد مرکزی هیات رزمندگان تهیه شد و آن طرح به تصویب رسید؛ بنا بر این شد که ما عمدتاً کار فرهنگی در اربعین انجام دهیم. بنابراین ما چهار محور را برای اربعین امام حسین علیه‌السلام هدف‌گذاری و با این چهار محور کارمان را شروع کردیم. ابتدا این چهار محور و سپس شکل اجرای کار را توضیح خواهم داد. این چهار محور عبارتند از:

۱- تبلیغات محیطی: ما تیم‌هایی را مشخص کردیم که یک هفته قبل از ایام اربعین از نجف تا کربلا شعارهای حماسی و انقلابی را چه در موبک‌های ایرانی و چه در موبک‌های عراقی بنا به درخواست خودشان می‌نویسند و این تبلیغات محیطی موثر بوده است؛ شعارهایی که در مسیر روی دیوار نوشته شده کار هیات رزمندگان است.

۲- تبلیغات چهره به چهره: این کار فرهنگی در موبک‌ها انجام می‌شود.

و مشخصی دارد، متولیان مشخصی هم دارد و دوستان زحمت می‌کشند و کار می‌کنند. یک بخش دیگر هم کارهای زیربنایی هیات است، اعم از ساخت‌وساز بناهای مورد نیاز مجموعه هیات رزمندگان در سراسر کشور. این دو بخش کار است که ما موضوعاتش را پیگیری می‌کنیم. حساسیت بسیاری برای منابع در هیات وجود دارد و باید هم حساسیت وجود داشته باشد؛ زیرا هیات باید اثرگذار باشد و سخنران باید پول طیب و طاهر به دستش برسد، مداح باید پول طاهر به دستش برسد تا اثرگذار باشد. اگر مکانی تهیه می‌شود باید پولش طیب و طاهر باشد. حساسیت بسیار زیاد است؛ چه از طرف مسئول ستاد مرکزی هیات رزمندگان، چه از طرف هیات امناء. امیدوارم ما هم بتوانیم این حساسیت را به نحو احسن درک و در این راستا عمل کنیم. در بخش اماکن، هیات یک تفاهمنامه‌ای برای کل کشور، با وزارت راه و شهرسازی دارد. مذاکره‌ای هم با اوقاف داریم تا هیات‌ها در سراسر کشور جا و مکان داشته باشند. در تهران هم یک مجموعه را حدود هفت سال پیش توانستیم از مجموعه‌های دولتی یا شهرداری دریافت کنیم. همچنین بنای خوبی را به نام فاطمیه بزرگ تهران پیش‌بینی کرده‌ایم. در حال احداثش هستیم که فکر می‌کنم حدود ۶۵ درصد پروژه پیشرفت داشته است. امیدواریم تا آخر امسال به ۹۰ درصد برسانیم تا مجالس مرکزی هیات را بتوانیم در آنجا با کیفیت بالا برگزار کنیم. این مکان در خیابان دکتر فاطمی، جنب پارکینگ طبقاتی است؛ سه شهید گمنام مقابل فاطمیه دفن شده‌اند، نمای زیبایی هم برایش پیش‌بینی شده است تا ان شاء... بتواند مرکز خوبی برای نشر و تبلیغ فرهنگ علوی در آن منطقه باشد. امیدواریم این اربعین منجر به ظهور امام زمان (عج) شود؛ حرکت‌هایی که



یا به عبارتی درآمد ثابتی ندارد و با کمک‌هایی که از جاهای مختلف می‌گیریم هیات را اداره می‌کنیم، این کار دو بخش می‌شود؛ یک کار اداره جاری هیات اعم از مناسبت‌هایش، برنامه‌های جاری هیات است که در طول سال برگزار می‌شود؛ اعم از شهادت‌ها و ولادت‌ها که برنامه روتین

66

علت برکات هیات
این است که برخاسته
از یک تفکر عمیق علوی و
تفکری بسیار عمیق معنوی
و اعتقادی است؛ به عبارتی
ریشه هیات رزمندگان به
هشت سال دفاع مقدس
برمی‌گردد

در موکب‌ها افراد مسلط به زبان عربی مستقر می‌شوند و برای زائرانی که در این مسیر به سمت کربلا حرکت می‌کنند و در این موکب‌ها استراحت می‌کنند، احادیث و روایاتی را که از ائمه اطهار درباره اربعین هست برایشان بیان می‌کنند، اقامه نماز جماعت می‌شود، سوال‌های شرعی و پرسش و پاسخ‌هایی را که دارند، پاسخ می‌دهند؛ اینها تبلیغات چهره به چهره است که انجام می‌شود.

۳- مستندسازی:

کل برنامه‌های اربعین را به عنوان یک مستند تهیه می‌کنیم. مجموعه فعالیت‌هایی را که دوستان مان در موکب‌ها از ابتدا تا انتها انجام می‌دهند و مصاحبه‌هایی را که با مردم دارند به عنوان مستند تهیه می‌شود. کار دیگری که ان شاء... امسال بتوانیم انجام بدهیم این است که سوژه‌ای کار بکنیم، این گونه که در سراسر کشور فردی را به هیات رزمندگان معرفی کنند. می‌توان از بین اینها مطالب خوبی را درآورد؛ مثلاً کسی که اصلاً اربعین را نمی‌شناسند با دوستی که اربعینی است آشنا و از این دروازه وارد می‌شود. این فرد به اربعین می‌رود و بازمی‌گردد و به‌طور کامل منقلب می‌شود. ان شاء... بتوانیم امسال تعدادی از اینها را شکار و منعکس کنیم. این کار هم در حوزه مستندسازی است.

۴- توزیع اقلام فرهنگی: در طول مدت اربعین توزیع اقلامی اعم از پرچم، پشانی بند، گل سر برای دخترها، دستگاه چاپ شعار انقلابی و حماسی در پشت لباس‌ها که در موکب‌های ما مستقر می‌شوند، انجام می‌شود.

در کنار این ما کاری را از دو سال پیش شروع کرده‌ایم که خیلی اثرگذار بوده است. این کار دل‌نوشته نام دارد. ما برگه‌ای را به زائران به محض ورود به عراق تقدیم می‌کنیم. اینها هر چیزی را که از این سفر برداشت کرده‌اند. در این ورقه ۱۰ خط می‌نویسند. از بین این دل‌نوشته‌ها حدود ۲۰۰ عدد را

انتخاب می‌کنیم. اولین جلدش را به نام مغناطیس حسینی چاپ کردیم که این جمله هم از طرف حضرت آقا بیان شده است و به قید قرعه به دوستان هدیه می‌دهیم.

موضوع دیگر ما فضاهای مجازی است؛ سایتی را ایجاد کرده‌ایم تحت عنوان احباب الامام رضا(ع). توجه داشته باشید تمام موکب‌هایی که ستاد اربعین در کربلا ایجاد می‌کنند به نام احباب امام رضا(ع) است. علتش هم این است که عراقی‌ها به امام رضا(ع) علاقه‌مند هستند. هر جا موکب احباب امام رضا(ع) دیدید آن موکب برای هیات رزمندگان است. این سایت حدوداً ۱۰ فهرست دارد، در قالب این فهرست‌ها



در دوران دفاع مقدس، ما
هیات‌هایی را در لشکرها
و گردان‌ها داشتیم که
هر هفته برگزار می‌شد.
در یک کلمه بگوییم اگر جنگ
ما برکات و پیروزی‌ای داشته
علت اصلی‌اش این است که
با تفکر عاشورایی
جنگیده است

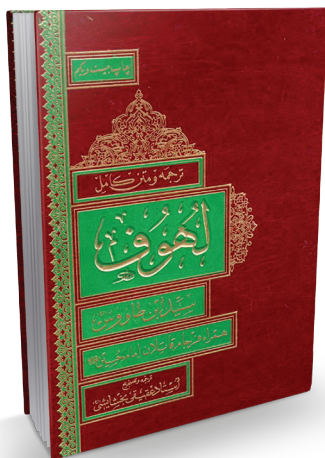
کتابچه موجود است. دل‌نوشته‌ها نیز در سایت موجود است. آدرس اماکن متبرکه در کاظمین، نجف و کربلا همه روی سایت آمده است. این سایت دو هفته است که بارگذاری شده است. همه استان‌ها می‌توانند فعالیت‌هایشان را در این سایت قرار دهند. این یکی از کارهای فضای مجازی ما است. یکی دیگر از کارها ارتباط با سایر زائران است؛ ما از سراسر کشورهای دیگر در این سایت عضوگیری داشته‌ایم. یکی دیگر از کارها خدمات اینترنتی در موکب‌ها به‌ویژه در ستاد مرکزی مان در کربلا است. این کار دو گروه است؛ یک کار از طریق زیرساخت که از دوستان فناوری وزارت ارتباطات استفاده کرده‌ایم. همچنین این دوستان زیرساخت را برای ما ایجاد می‌کنند و هماهنگی در کشور عراق را انجام می‌دهند. یک بخش محتوا و بارگذاری است که یک تیم جداگانه مستقل انجام می‌دهد. این چهار محور فعالیت ما در ستاد اربعین است. البته کار دیگر هم انجام داده است؛ آن هم برگزاری هیات در ۳۰ نقطه مختلف در مسیر نجف به کربلا است که آدرس و محل برگزاری هیات‌ها در سایت قرار می‌گیرد. ما در طول نجف تا کربلا ۱۵ موکب داریم. سعی می‌کنیم خودمان کار اجرایی انجام ندهیم و کار را به استان‌ها واگذار کنیم.

« یک خاطره از سفر به دیار یار

این مسیر، مسیر پرخطر و سختی است. ما سه سال پیش این سفر را انجام دادیم و با این پیش فرض که موکب داریم و خیال‌مان راحت است حرکت کردیم. بعد دیدیم موکب‌هایمان پر است. مسیر را ادامه دادیم تا به موکبی رسیدیم و گفتیم همین‌جا چادر می‌زنیم و استراحت می‌کنیم، چادر را که باز کردیم دیدیم میله‌اش در رفته است، پس نتیجه می‌گیریم تکیه کردن به یک تکه چادر در این مسیر خطا است. باید بگوییم آقا ما میهمان تو هستیم و او هیچ وقت اجازه نمی‌دهد به میهمانش سخت بگذرد.

دوستانمان کارهایشان را انجام می‌دهند. این فهرست در جلسات ستاد مرکزی تهیه شده است. صفحه نخست، اخبار و اطلاعات مسیر و برنامه‌های هیات را دارد. همچنین آدرس موکب‌ها را مشخص کرده است؛ اینکه مدیر موکب چه کسی است و چه فعالیت‌هایی را آنجا انجام می‌دهد. راهنمایی و توصیه‌هایی هم که در طور سفر پیش می‌آید اعم از بحث‌های بهداشتی-آموزشی، استفاده از اینترنت، ادعیه و آداب زیارت و همه نیازمندی‌های یک زائر در این سایت آمده است. این ادعیه با صدای اکثر مداحان هم به صورت صوتی و هم

چند ورق از عاشورا

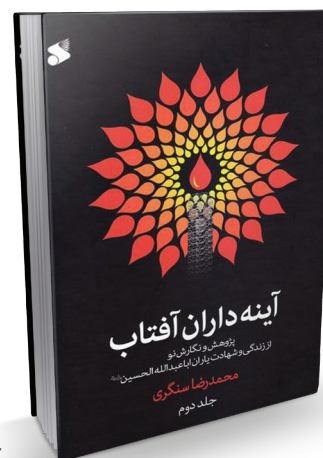


«لهفوف» سید بن طاووس

کتاب لَهْفُوف که آن را «ملهفوف علی قتلی الطُفوف» هم نامیده‌اند، یکی از منابع معتبر و مهم درباره عاشورا و تاریخ حیات امام سوم (ع) است که ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی معروف به سید بن طاووس از علمای برجسته عالم تشیع-آن را به رشته تحریر درآورده است. در این کتاب سلسله اسناد روایات حذف شده و آخرین راوی یا کتاب مرجعی است که روایت مربوطه از آن نقل شده است. مولف فقید فلسفه نگارش و انگیزه خود از تالیف این کتاب را چنین بیان می‌کند: «از مهم‌ترین مسائلی که باعث شد دست به تالیف این کتاب بزنم آن است که پس از تالیف کتب «مصباح الزائر» و «جناح المسافر»- کتبی شامل معرفی بهترین امکانه زیارتی و منتخب زیارات موجود برای آنها- دوست داشتم چیزی را همراه زائر ابا عبا... علیه‌السلام تهیه کنم تا نیازمند به کتاب مقتل نباشد، لذا این کتاب را ضمیمه آن آثار قرار دادم.

آینه‌داران آفتاب

محمدرضا سنگری در این کتاب دوجلدی روایت متفاوتی از شهدای عاشورا ارائه می‌کند. این کتاب که در انتشارات امیرکبیر منتشر شده در زمینه مطالعات عاشورایی است که در هزار و ۵۰۰ صفحه تمام باران امام حسین (ع) را مورد بررسی قرار داده و به مخاطب معرفی می‌کند. مقدمه مفصل این کتاب تمام زمینه‌های تاریخی و جغرافیایی واقعه عاشورا را بررسی می‌کند. در این مقدمه کتاب به این سوالات پاسخ داده می‌شود که اصحاب امام حسین علیه‌السلام چه کسانی بودند، چه ویژگی‌هایی داشتند و از کدام قبیله و شهر برای یاری امام حسین علیه‌السلام آمده بودند. در ادامه همچنین مراحل و منازل که امام در سفر خود از مدینه تا کربلا طی کرده‌اند، به تصویر کشیده شده است. نکته‌ای که در این کتاب وجود دارد این است که نویسنده آمار شهدای عاشورا را ۱۵۳ نفر اعلام می‌کند که با آمار معمولی که از سوی دیگران یعنی ۷۲ شهید گفته شده، متفاوت است. البته سنگری گفته است که این تعداد آمار با روایت امام صادق علیه‌السلام همخوانی کامل دارد. او مجموعه اصحاب امام را براساس زمان شهادت‌شان به هفت دسته تقسیم کرده است: شهدای پیش از کربلا، شهدای تیرباران صبح، شهدای جنگ تن به تن، شهیدان نماز، شهدای پس از نماز، شهدای بنی‌هاشم و شهدای پس از کربلا.



جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا

متفکران زیادی پس از وقوع واقعه عاشورا به تحلیل رویداد عاشورا پرداخته و آن را بررسی، تحلیل و تبیین کردند که در میان آن هم اندیشمندان مسلمان و شیعی و هم اندیشمندان غیرمسلمان دیده می‌شود. سید عبدالحمید ضیایی در زمینه جامعه‌شناسی دین و نقد محتوای تاریخی و منابع شیعه درباره عاشورا کتابی با عنوان جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا نوشته است. ضیایی در این کتاب تلاش کرده است تا به سؤالاتی مانند منابع و مقاتل واقعه عاشورا کدامند؟ آیا اساسا حسین بن علی همسری به نام شهربانو داشته است؟ کدام یک از حوادث و وقایعی که نقالان از عاشورا روایت می‌کنند، اعتبار بیشتری دارد؟ پاسخ دهد. انتشارات هزاره ققنوس ناشر این کتاب است. در این میان گفته می‌شود، جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا کتابی است که نگرشی انتقادی و آسیب‌شناسانه به روضه‌ها و مقاتل و ادبیات منظوم عاشورا دارد.

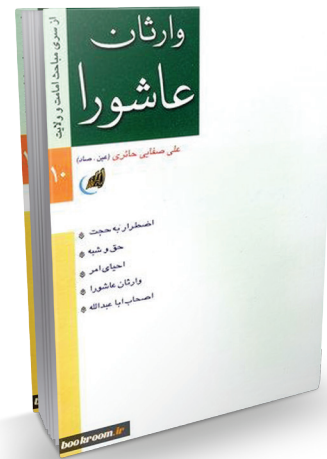


سقای آب و ادب

سقای آب و ادب، اثری است متفاوت از سیدمهدی شجاعی؛ رمان و روایتی از زندگی حضرت عباس (ع) است. البته برخی معتقدند که سقای آب و ادب نه رمان است و نه می‌توان نام کتاب روایی و تاریخی بر آن نهاد. این کتاب متنی ادبی است که تلاش می‌کند با استفاده از منابع شیعه مخاطب را با ابعاد مختلف حضرت ابوالفضل (ع) آشنا کند. این کتاب شامل ۱۰ فصل است: عباس علی، عباس ام‌البنین، عباس عباس، عباس سکینه، عباس مواسات، عباس زینب، عباس ادب، عباس حسین، عباس فرشتگان و عباس فاطمه. در فصل‌های مختلف کتاب، نویسنده تلاش کرده است تا براساس مستندات تاریخی زندگی ابوالفضل عباس را در طول دوران حیاتش به تصویر بکشد. اما در فصل عباس فرشتگان، صالحی از شیوه جدید بهره برده و با به کار بردن مفاهیم جدید نگاهی نو به حضرت عباس بن علی (ع) داشته است. سقای آب و ادب روایت مستندی است که توانایی این را دارد که با تأثیر عمیقی بر مخاطب از جنس حقیقت و آزادگی، خواننده را از کودکی تا کربلا و کنار علقمه با ابوالفضل العباس همراه کند و خواننده را با مصائبی که به حضرت وارد شده، آشنا کند. صالحی در این کتاب چنان قلم زده است که مخاطب را با جملاتش بگریاند و انگار که در مجلس روضه حضرت قدم گذاشته است.

وارثان عاشورا

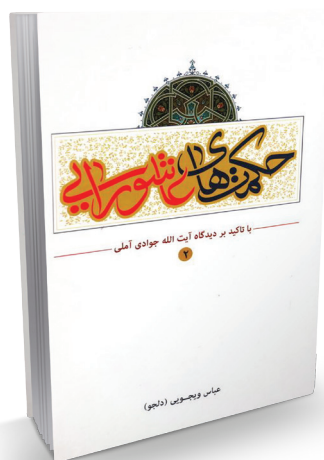
این کتاب مجموعه سخنرانی‌های علی صفایی حائری در چند دهه محرم است که به قلم خود او به خوانندگان عرضه شده است. این کتاب از پنج مبحث تشکیل شده است که هر کدام با نگاه خاصی به واقعه عاشورا نگاه می‌کنند. در مبحث نخست، صفایی حائری به موضوع اضطراب به ولی و انتظار از ولی و انتظار برای ولی اشاره کرده است. در این مبحث او به آیات سوره آل عمران، فجر و تکوین استناد کرده است. صفایی حائری در مبحث دوم به تحلیلی از حق و شبهه می‌پردازد تا در برخورد با شبهه و فتنه و وسوسه و بدعت، همراه نور و هدایت شویم و اینکه چطور می‌توان از بند شبهه رها شد و زمینه فتنه را از بین برد. در مبحث سوم به این موضوع که چطور می‌توان اهل بیت و منش آنها را دنبال کرد، پرداخته است. در مبحث چهارم نویسنده میراث حسین (ع) که وارث آدم تا خاتم به مخاطب ارائه می‌کند. در مبحث پنجم هم به تحلیل و تطبیق و بررسی اوصاف و خصوصیات اصحاب ابعاد... می‌پردازد که چطور یاران ایشان با وفا، ادب و فداکاری خود را به مقام شهادت در کربلا و در کنار امام حسین علیه‌السلام رساندند.



امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت

مؤلف این کتاب علامه محمدتقی جعفری است که به عقیده کارشناسان و صاحب‌نظران واقعه عاشورا، می‌توان آن را در ردیف یکی از بهترین کتاب‌هایی به شمار آورد که درباره حادثه کربلا و شخصیت امام حسین (ع) منتشر شده است. کالبدشکافی تاریخ‌نگاری امام حسین (ع) و تمرکز در سیر انسانی حرکت عظیم ابعاد... (ع) از نگاه جامعه‌شناسی، تکلیف‌گرایی، حقوق بشر، زیبایی‌شناسی، تعهدگرایی و... گفتمان‌های جدیدی را سبب شده که به قلم استاد جعفری آغاز و پس از رحلت، در ادامه با تدوین سخنرانی‌های ایشان تکمیل شده است. مؤلف فقید در این کتاب با غنای تحلیلی غیرقابل انکاری، درصدد بیان مطالبی است که اصولاً هیچ دین‌شناس خبیری که درصدد درک و فهم آموزه‌های ولایی شیعه است، از تفکرات مندرج در آن بی‌نیاز نخواهد بود و همه کسانی که دوست می‌دارند از اهل بیت (ع) و جایگاه واقعی آنها در متن دین - بدون اینکه در لغزش‌های تحریف فرو افتند - به درستی آگاهی یابند، لزوماً باید این نوع تفکرات و انگاره‌ها را مفروض گرفته و از محتوای آنها مطلع باشند. این کتاب در دو بخش - نوشته‌ها و سخنرانی‌ها - دربردارنده روایت جدیدی است که امام حسین (ع) و قیام او را از منظری دیگر مطرح و بررسی می‌کند.





حکمت‌های عاشورایی با تاکید بر دیدگاه آیت... جوادی آملی

آیت... جوادی آملی فقیهی است که درحوزه حکمت و عرفان و الهیات هم زبانزد اهل علم است. در این میان توجه به اندیشه شیعی و بسط و گسترش اندیشه عقلانی اسلام و تشیع ازجمله اولویت‌های علمی این عالم بزرگوار به شمار می‌رود. درهمین راستا عباس ویجوئی یکی از شاگردان این حکیم فرزانه، دیدگاه‌های ایشان پیرامون اندیشه حسینی را در قالب یک مجموعه دوجلدی تنظیم و چاپ کرده است. در جلد اول این مجموعه به حکمت‌ها و اسراری از قیام عاشورا و امام حسین (ع) پرداخته شده که برخی از آنها عبارتند از: مهم‌ترین علل جاودانگی حادثه عاشورا و نام سیدالشهدا (ع)، حکمت‌های عالی قیام حضرت سیدالشهدا (ع)، حکمت‌های قیام حسینی از دیدگاه علما و اندیشمندان - حکمت شهادت و امر سیاست، حکمت علم به شهادت و تکلیف عرشی امام حسین (ع). اما در جلد دوم این کتاب ابهامات «مقتل لهوف» و «نفس‌المهموم» بررسی شده و پاسخ به ۷۰ پرسش در این زمینه

بنابر نظرات آیت... جوادی آملی، مطرح شده است. نویسنده همچنین پرسش‌های امام‌شناسی را با طرح ۳۶ سوال بیان کرده و پاسخ به این سوالات را با استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) و همچنین منابع تاریخی و تکیه بر نظرات آیت... جوادی آملی در کتاب ادب فناء مقربان (شرحی بر زیارت جامعه کبیره) بیان کرده است.

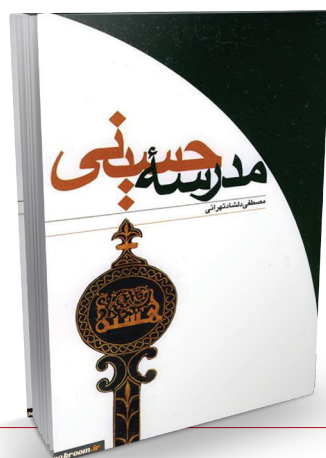
معلم درس محبت

این کتاب سه مقاله منتشرنشده از آیت... محمدعلی جاودان است که به دلیل ارتباط عمیق مسائل و وحدت در شیوه بررسی، در کنار یکدیگر قرار داده شده و در قالب این اثر منتشر شده است. این کتاب در واقع دربردارنده پاسخ‌های استاد جاودان به چند پرسش اساسی درباره چرایی و نتایج قیام ابا عبد... الحسین (ع) و ماهیت عملکرد امام چهارم (ع) پس از نهضت عاشوراست. محقق این اثر که سال‌ها شاگردی علامه بزرگوار سیدمرتضی عسکری را در کارنامه علمی خود دارد، با نگرش توصیفی و تحلیلی، قیام حسینی را به صورت بی‌طرف و منصفانه داوری کرده است؛ اینکه آیا حرکت امام حسین (ع) اولاً حرکتی مناسب با شرایط آن زمان بود یا نه؟ ثانیاً آیا این اقدام به نتیجه رسید یا شکست خورد؟ ثالثاً سیر امام (ع) برای احیای اسلام و نجات جامعه آن زمان چگونه توسط امام بعدی - امام سجاد (ع) - پیگیری و ادامه یافت؟ اما مطالب این اثر در ۱۰ عنوان کلی تنظیم و منتشر شده است که برخی از آنها عبارتند از: اشاره به جریان هدایت الهی و بازشناسی معنا و مفهوم ربوبیت خدای متعال، همچنین برنامه شیطنی طاغوت‌ها در برابر این جریان الهی با ابزار جهالت و ضلالت، برشماری نمونه‌های متعددی از عناصر شیطنی جهالت و ضلالت که در تاریخ مربوط به عصر امویان ثبت و ضبط شده است.



مدرسه حسینی

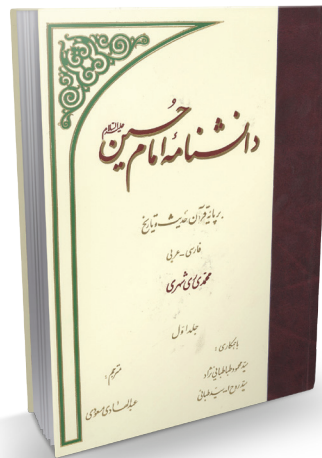
مصطفی دلشادتهرانی، نویسنده، محقق و چهره‌ای نام‌آشنا برای علاقه‌مندان به حوزه اندیشه اسلامی است. از این نویسنده و پژوهشگر آثار متعددی منتشر شده که یکی از آنها «مدرسه حسینی» است که به‌عنوان کتاب درسی در مراکز تربیت معلم تدریس شده است. به گفته مولف، «مدرسه حسینی» عنوانی است برای رویکردی تربیتی به بزرگ‌ترین حماسه انسانی، حماسه‌ای فراتاریخی و فراجغرافیایی برای دمیدن روح حقیقت انسانی در همگان و راه نمودن مردمان به سوی تعالی. راهی که حسین (ع) در تعریف زندگی نشان داد، راه حریت و عزت است و پرچمی که برافراشت، فراراه همه آزادخواهان و عزت‌جویان تا قیام قیامت است. حسین (ع) با



برافراشتن پرچم حماسه کربلا و عاشورا، مدرسه‌ای را بنیان گذاشت که مردمان در آن به نیکوترین و والاترین تربیت (تربیت نبوی) دست یابند. مدرسه‌ای که اسلام حقیقی در آن جلوه دارد و تربیت‌شدگانش عزیز و آزاد از دنیا و مطیع خدا و اهل شجاعت و استقامتند. در این کتاب پس از پیشگفتار، طی دو بخش، با عناوین: «ساختار مدرسه حسینی» و «اصول تربیتی مدرسه حسینی»، با اصولی از این مدرسه الهی همچون: اصل حریت و آزادگی، اصل پارسایی و وارستگی، اصل عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی، اصل خداپرستی و ترس‌ناپذیری، اصل حفظ حدود الهی و مرزبانی و نیز ۱۸ اصل دیگر از این مدرسه، آشنا می‌شویم.

دانشنامه امام حسین (ع)

این دانشنامه در ۱۴ جلد با موضوع امام حسین (ع) زیر نظر محمد محمدی‌ری‌شهری نوشته شده است. بررسی زندگانی فردی و اجتماعی امام حسین (ع) و سخنان و آرای دیگران درباره ایشان، با استناد به بیش از ۵۰۰ سند تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری و کلامی شالوده این کتاب را تشکیل می‌دهد. این کتاب به دو زبان عربی و فارسی نوشته شده و به زبان‌های اردو، ترکی و انگلیسی ترجمه شده است. این دانشنامه، از ۱۵ بخش و ۱۳۸ فصل، تشکیل شده است. زندگی خانوادگی، فضیلت‌ها و ویژگی‌ها، دلایل امامت، امام حسین (ع) تا شهادت پدر، پس از شهادت پدر تا قیام عاشورا، خبر دادن پیشاپیش، از شهادت، خروج از مدینه تا رسیدن به کربلا، از رسیدن به کربلا تا شهادت، وقایع پس از شهادت، بازتاب شهادت، عزاداری و گریه برای امام حسین (ع)، نمونه مرثیه‌ها، زیارت، مزار امام حسین (ع) و حکمت‌های رسیده، موضوعات اصلی ۱۵ بخش این کتاب را تشکیل می‌دهند. از آنجا که امام حسین (ع) به دلیل شرایط سیاسی دوران امامت‌شان، میراث علمی فراوانی ندارد در بخش پایانی دانشنامه امام حسین (ع)، پس از تبیین این موضوع و تفسیر معنای «حکمت» در لغت و در قرآن و حدیث، حکمت‌های منشور و منظوم نقل شده از ایشان یا منسوب به ایشان، در زمینه‌ها به خوانندگان ارائه شده است.



دایرة المعارف الحسينیه

انتشار این کتاب از ۲۳ سال پیش در لندن از سوی محمدصادق کرباسی در موسسه‌ای با نام «المركز الحسيني للدراسات» آغاز شده است. تاکنون ۲۰ جلد آن به ایران رسیده است. پیش‌بینی مولف این است که تعداد جلد‌های آن به ۵۰۰ برسد و گفته است که تاکنون بیش از ۳۰۰ جلد آن آماده چاپ و نشر است. البته در دفترچه راهنمای آن شمار مجلدات آن براساس موضوعات، ۳۳۲ جلد آمده است. در این دایرة المعارف نویسنده تلاش کرده است با توجه به کثرت و تنوع نوشته درباره امام حسین علیه‌السلام آنها را به صورت نظام‌مند کردن به مخاطبان ارائه کند. درآمدی بر اشعار حسینی، حسین (ع) در شعر فصیح، حسین (ع) در شعر شرقی و غربی، زندگی‌نامه شاعران حسینی، فرهنگ‌نامه سخنوران حسینی، کتاب‌شناسی آثار درباره امام حسین (ع)، فرهنگ‌نامه مقالات و گفتارهایی درباره امام، حسین (ع) از دیدگاه قرآن، حسین (ع) از دیدگاه سنت، سیره امام حسین علیه‌السلام، نسب‌شناسی امام، مجموعه احادیث امام، مجموعه ادعیه و مناجات‌های حسینی، گفت‌وگوها و احتجاج‌های امام، دیوان اشعار امام، داستان‌های امام، امام حسین (ع) در فقه اسلامی، مکتب امام، ابعاد و پیامدهای نهضت حسینی، زمینه‌های سیاسی نهضت امام، زیارت‌های امام، اسناد و عهدنامه‌های نهضت امام، زندگی‌نامه یاران و راویان و... از بخش‌های مختلف این دایرة المعارف به حساب می‌آیند.

